



الگوی برای زندگی

برگرفته از عهد عتیق

دکتر جویس گیل و ای ال

الگوی برای زندگی

بر گرفته از عهد عتیق

دکتر جوئیس گیل و ای ال

مترجم و ویراستار:

اردلان چاوشی

© حق چاپ ۱۹۸۸ و بازنگری ۱۹۹۵

اگر چه این کتاب دارای حق چاپ است ،

اما در حال حاضر گیلز به شما اجازه دانلود و کپی رایگان آن را می دهد.

درباره نویسنده

ای ال و جوئیس گیل سخنرانان ، نویسندگان و معلمین معروف بین المللی و نویسندگان کتاب مقدس هستند . ای ال سفرهای رسالتی به هشتاد کشور دنیا و موعظه به جمعیتی بیش از صد هزار نفر و میلیون ها نفر از طریق رادیو و تلویزیون داشته است. پر فروش ترین کتاب ها و کتابچه های آنها بیش از پانزده میلیون نسخه فروش داشته است. نوشته های آنها به زبان های بسیاری ترجمه شده و در مدارس انجیل و سمینارها مورد استفاده قرار می گیرد. حقایق قدرتمند و تغییردهنده کلام خدا با موعظه پویا ، تدریس ، نوشتن و نوارهای صوتی و تصویری آنها در زندگی دیگران در حال انفجار است.

حضور شگفت انگیز جلال خداوند در سمینارهای ستایش و پرستش آنها تجربه می شود ، زیرا ایمانداران کشف می کنند که چگونه پرستنده های واقعی و صمیمی خدا شوند. بسیاری با پیروی از تعالیم آنها درباره اقتدار ایماندار ، بعد جدید و مهیج پیروزی و شجاعت را کشف کرده اند.

گیلز بسیاری از ایمانداران را آموزش داده است تا با قدرت شفابخشی که از دست آنها جاری می شود ، وارد خدمت فوق العاده خداوند خود شوند. بسیاری آموخته اند که می توانند به صورت فوق العاده ای تمام نه عطایای روح القدس را در زندگی روزمره و خدمات خود بکار ببرند.

هر دو ، ای ال و جوئیس دارای مدرک کارشناسی ارشد الهیات هستند. ای ال همچنین دارای مدرک دکترای فلسفه الهیات از دانشگاه مسیحی ویزن است. خدمت آنها به طور کامل مبتنی بر کلام خدا، متمرکز بر عیسی خداوند و ایمان راسخ و در قدرت روح القدس ، آموزش داده می شود.

خدمت آنها نمایشی از قلب محبت پدر است. موعظه و تعلیم آنها با مسح قدرتمند نشانه ها، عجایب و معجزات شفابخش همراه است که بسیاری از آنها در امواج تحت قدرت خدا دیده می شود. بسیاری از کسانی که در جلسات آنها شرکت می کنند ، جلوه های شگفت انگیزی از جلال و قدرت خدا را تجربه می کنند.

دکتر ای ال و جوئیس گیل زندگی خود را وقف تولید ابزارهای عملی برای تجهیز ایمانداران به انجام کارهای عیسی خداوند نموده اند و خواسته آنها ارتقاء زندگی پیروز و خارق العاده برای هر ایماندار در تمام سطوح بلوغ مسیحی است

سخنی با معلمین و شاگردان

وقتی به مسیح خداوند ایمان می آوریم و او را می پذیریم ، زندگی جدید و مهیجی را آغاز می کنیم - برای بسیاری از ما یک شیوه کاملاً جدید زندگی است.

ما شروع به مطالعه کتاب مقدس خود و یادگیری از بسیاری از معلمان می کنیم. مسیحیان نو ایمان اغلب تشویق می شوند که عهد جدید را مطالعه کنند و از مابقی رد شوند ، این برای نوایمانان مسیحی ، توصیه خوبی است. اما با این حال ، هرگز کتاب مقدس را نمی توان به صورت تکه تکه فهمید. هر قسمت با قسمت های دیگر مرتبط است.

ما می توانیم کتاب مقدس را به عنوان یک پازل تصویری تیکه ای بزرگ تصور کنیم. آموزه هایی که تعلیم می گیریم فوق العاده هستند ، اما مانند دسته هایی از آن تکه ها هستند که در کنار هم قرار گرفته اند ، اما با تصویر کلی سازگار و مناسب نیست به عبارتی به آن نمی خورد. ما مکاشفات با ارزش را دریافت می کنیم ، اما باز هم ، آنها فقط بخشی از کل تصویر هستند.

بسیاری از مسیحیان نمی توانند عهد جدید را به درستی درک کنند ، زیرا آنها در مورد شالوده هایی که در عهد عتیق پی ریزی شده تعلیم نگرفته اند. قسمت کوچکی از یک آیه در عهد جدید ، ممکن است به تعلیمی کامل در عهد عتیق اشاره داشته باشد.

به عنوان مثال ، اگر ما هرگز نفهمیده باشیم که یک کاهن در عهد عتیق چه وظایفی داشته یا حتی ملک یصدق چه کسی بوده است؟ چگونه می توانیم منظور پولس را بفهمیم وقتی نوشت که ما برای همیشه پادشاهان و کاهنان به رتبه ملک یصدق هستیم ، اگر ندانیم عهد چیست ، چگونه می توانیم حقوق و امتیازات خود را به عنوان فرزندان عهد خدا درک کنیم؟

الگویی برای زندگی بر گرفته از عهد عتیق ، مطالعه کاملی از عهد عتیق نیست. این نیز یک مطالعه کامل از هر رویداد یا موضوعی که در عهد عتیق موجود است ، نمی باشد . این یک معرفی و مقدمه - و دیدگاهی وسیع - از وقایع و مضامین اصلی است.

هنگامی که درک اولیه ای از زمان و آموزه های عهد عتیق داشته باشیم ، هر آنچه می خوانیم یا می شنویم به آن طرح کلی می خورد و مغایرت ندارد و تصویری که خداوند به ما داده است ، بیشتر و بیشتر نمایان می شود. این مطالعه برای مطالعات شخصی یا گروهی ، مدارس کتاب مقدس ، مدارس یکشنبه و گروه های خانگی بسیار عالی است. مهم است که هم معلم و هم شاگرد در طول دوره تحصیل نسخه هایی از این دفترچه راهنما را داشته باشند.

بهترین کتاب ها در مورد تاکید کردن ، تأمل کردن و خلاصه کردن نوشته شده است . ما جای خالی برای یادداشت ها و نظرات شما قرار داده ایم. این قالب با یک سیستم مرجع سریع برای بررسی ، طراحی شده است و به شما در یافتن سطوح دیگر کمک می کند. پولس به تیموتاؤس نوشت :

دوم تیموتاؤس 2:2. و سخنانی را که در حضور شاهدان بسیاری از من شنیده ای به کسانی بسپار که مورد اعتماد و قادر به تعلیم دیگران باشند

این دوره به عنوان یک دوره مشارکتی عملی کتاب مقدس در قالب MINDS (سیستم توسعه خدمتی) طراحی شده است. که یک رویکرد ویژه برای یادگیری برنامه ریزی شده ، می باشد . این مفهوم برای پیشرفت در زندگی ، خدمت ها و تدریس آینده شاگردان طراحی شده است. دانشجویان قبلی با استفاده از این کتاب می توانند این دوره را به راحتی به دیگران آموزش دهند.

فهرست مطالب

10	کلام خدا برای امروز ما	درس اول :
24	وقایع اصلی دوره عهد عتیق	درس دوم :
42	فرزندان خدای عهد	درس سوم :
60	مسیح خداوند در عهد عتیق آشکار گردید	درس چهارم :
76	الگوهای برای پرستش و خدمت	درس پنجم :
92	اعیاد ، پادشاهان و کاهنان	درس ششم :
111	رهبران عهد عتیق	درس هفتم :
135	معجزات به جهت آفرینش و به جهت داوری	درس هشتم :
147	معجزات مهیا کننده	درس نهم :
164	تصرف کردن ارث خود	درس دهم :

آیات کتاب مقدس کتاب " الکوی برای زندگی "

برگرفته از ترجمه قدیم و جدید می باشد

حق چاپ ۱۹۸۲، ۱۹۸۰، ۱۹۷۹ مرکز انتشارات توماس نلسون.

تفکیک کتب عهد عتیق

(4) انبیاء (17 نبی)

* انبیای کبیر یا بزرگ 5 نبی (از لحاظ حجم کتاب)

اشعیا
ارمیا
مرائی ارمیا
حزقیال
دانیال

* انبیای صغیر یا کوچک 12 نبی (از لحاظ حجم کتاب)

هوشع
یوئیل
عاموس
عوبدیا
یونس
میکاه
ناحوم
حبقوق
صفنیا
حجی
زکریا
ملاکی

(1) شریعت

پیدایش

تثنیه

اعداد

لاویان

خروج

(2) تاریخی

یوشع

داوران

روت

اول و دوم سموئیل

اول و دوم پادشاهان

اول و دوم تواریخ

عزرا

نحمیا

استر

(3) اشعار

ایوب

مزامیر

امثال

جامعه

غزل غزلها

درس اول

کلام خدا برای امروز ما

کتاب مقدس – کلام خدا

توصیف

کتاب مقدس ، کلام خدا به قومش می باشد. از طریق این کلام ، ما یک مکاشفه ای از اینکه خدا کیست و هدف ابدی او برای بشر چیست ، داریم. از صفحه اول تا آخرین صفحه ، درباره نحوه برخورد یا رفتار خدا با قومش سخن می گوید .

محتوا

در کتاب مقدس ، ما اراده خدا ، طریق ، هدایت و دستورالعمل های خداوند را می یابیم ، ما پاسخ هر مشکلی که وارد زندگی ما می شود را پیدا می کنیم. کلام خدا نور ، نان و حیات ماست.

سازگاری و هماهنگی و تطابق

در هر موضوع خاص در سرتاسر کتاب مقدس ، هماهنگی و مطابقت وجود دارد. پیشگویی های آمدن مسیح و تحقق آنها نمونه های شگفت انگیزی است. 330 پیشگویی درباره آمدن مسیح در عهد عتیق وجود دارد که در عهد جدید تحقق یافته است.

تأییدیه و تصدیق

باستان شناسی در بسیاری از جزئیات ، صحت کتاب مقدس را تأیید کرده است و با علم حقیقی ، سازگار است.

تخریب ناپذیر و ماندگار

کتاب مقدس در عموم سوزانده شده - غیرقانونی بوده - داشتن آن به معنای مرگ بوده - ولی با این وجود به طور کامل حفظ شده است.

برای همه ، به جز آنانی که خود را کشیش می نامیدند در طول دوره تاریکِ تاریخ بشر غیرقانونی بود ، کتاب مقدس اولین فقره چاپ شده در اولین چاپخانه می باشد. پنج تا از این کتاب مقدس های گوتنبرگ هنوز وجود دارند.

انتشار

کتاب مقدس به بیش از 1000 زبان ترجمه شده است و سالانه بیش از 30 میلیون نسخه از آن چاپ می شود. این کتاب پرفروش ترین کتاب در جهان است.

کلام خدا به روز می باشد

کتاب مقدس هنوز زندگی کسانی که آن را می خوانند تغییر می دهد و هنوز هم در زندگی کسانی که به آن ایمان دارند معجزات به بار می آورد.

داود درباره کلام خدا نوشت:

کلام تو برای پایهای من چراغ، و برای راههای من نور است مزامیر 119:105

اشعیا نوشت :

اشعیا 55: 10 – 11 و چنانکه باران و برف از آسمان میبارد و به آنجا بر نمی گردد بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور و برومند میسازد و برزگر را تخم و خورنده رانان میبخشد، همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد، خواهد بود. نزد من بیشتر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید .

عیسی خداوند فرمود :

متی 4:4 در جواب گفت: «مکتوب است انسان نه محض نان زیست میکند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد.»

مفید می باشد

پولس به تیموتائوس نوشت که تمام کتاب مقدس برای زندگی ما مفید است .

تمامی کتب از الهام خداست و بجهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در نیکی مطلق مفید است، تا مرد خدا کامل و بجهت هر عمل نیکو آراسته بشود . ۲ تیموتائوس 3: 16 – 17

مفید برای:

* یادگیری تعلیم

* سرزنش و توبیخ (گناه را مشخص می کند – که چگونه اشتباه کردید)

* تصحیح و اصلاح (نشان می دهد که چگونه راه و روش خود را اصلاح کنید)

* آموزش در نیکی مطلق

* تکمیل ما

* تجهیز ما برای هر عمل نیکو

کتاب مقدس – الهام گرفته از خدا

مجموعاً 40 نفر ، که 31 نفر آن ها در عهد عتیق و 9 نفر در عهد جدید ، سخنان کتاب مقدس را در طی 1500 سال نوشتند.

بدیهی است که اکثر آنها یکدیگر را نمی شناختند و از زمان های مختلف تاریخی بودند و با این حال ، هیچ تناقضی در آن وجود ندارد. این فقط زمانی می تواند اتفاق بیفتد که کتاب مقدس ، توسط افرادی که تحت الهام روح القدس بودند نوشته شده باشد.

دمیدن خدا

پولس رسول نوشت که تمامی کتاب مقدس از الهام خداست.

تمامی کتب از الهام خداست ۲ تیموتاؤس 3:16

کلمه یونانی ترجمه شده " الهام از خدا " به معنای " دمیدن الهی " است. این تنها جایی است در کتاب مقدس که از این کلمه استفاده می شود.

درست همانطور که خدا نفس حیات خود را به آدم دمید ، خدا پسر را یعنی کلمه زنده و نفس حیات خود را به درون کتاب مقدس دمید . این کلام زنده است زیرا حاوی حیات خود خداست.

یوحنا رسول این را توضیح داد:

در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. یوحنا 1:1

تأیید شده توسط

کتاب مقدس نه تنها در کلیت مباحث بلکه در هر کلمه تا کوچکترین جزئیات - یعنی هر " نقطه و همزه ای " از خدا الهام گرفته است. ارمیای نبی و متی رسول و یوحنا رسول این را تأیید می کنند.

* ارمیا

ارمیا، زمانی که در مورد دستورالعمل هایی که از جانب خدا بود را می نوشت، تا حدی نحوه روند الهام شدن کلام خدا را مکاشفه می کند.

«طوماری برای خود گرفته، تمامی سخنانی را که من درباره اسرائیل و یهودا و همه امتها به تو گفتم از روزی که به تو تکلم نمودم یعنی از ایام یوشیا تا امروز در آن بنویس. ارمیا 36:2»

نویسندگان کتاب مقدس می بایست همه کلماتی را که او از طریق روح القدس با آنها سخن می گفت بر روی طوماری می نوشتند. بنابراین، هر کلمه در کتاب مقدس اصلی، مستقیماً الهام گرفته از خدا بود.

* متی

متی رسول نوشت:

زیرا هر آینه به شما میگویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. متی 5:18»

* یوحنا

یوحنا رسول نوشت:

پس بنویس چیزهایی را که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این خواهند شد، مکاشفه 1:19»

نویسندگان کتاب مقدس می بایست حقایقی را بنویسند که توسط روح القدس برای آنها مکاشفه شده است. او به آنها الهام می نمود تا هر کلامی را، از چیزهایی را که در روح می دیدند یا راجع به چیزهایی که در زمان نوشتن وجود داشت و چیزهایی که قرار است در آینده اتفاق بی افتد، برای آنها مکاشفه می کرد تا آن ها را بنویسند.

روند و پروسه الهام گرفتن به عنوان افکاری بود که با کلمات دقیق بیان شده، از طریق مکاشفات و رویاهای فراطبیعی بیان می شدند.

با اینکه از شخصیت نویسندگان انسانی استفاده می شد ، اما هر کلمه از کتاب مقدس اصلی از طریق عمل ماوراء الطبیعه روح القدس الهام گرفته شده بود (یا به عبارتی دمیده شده بود).

کتاب مقدس کاملاً مبرا از خطاست

در کلام خدا مصون از خطا بودن تمام کتاب مقدس ، به وسیله اشاره کردن به قابل اعتماد بودن کلام خدا مکاشفه شده است.

پطرس رسول

کلام خدا " محکم تر " خوانده می شود حتی از تجربه بزرگی که پطرس هنگام حضور بر روی کوه هنگام تغییر هیئت عیسی خداوند داشت . پس از توصیف این تجربه عالی ، او به نوشتن ادامه داد :

و کلام انبیا را نیز محکم تر داریم که نیکومی کنید اگر در آن اهتمام کنید، مثل چراغی درخشان در مکان تاریک تا روز بشکافد و ستاره صبح در دل‌های شما طلوع کند . ۲ پطرس 1:19

لوقای پزشک

صحت کتاب مقدس توسط لوقا تأیید شده است. او شرح انجیل خود را با نوشتن در مورد کلامی که به او تحویل داده شده است ، آغاز کرد. وی اینطور ادامه می دهد که این مطالب نوشته شده است ، **قا صحت آن کلامی را که در آن تعلیم یافته‌ای دریابی. لوقا 4: 1**

یوحنا رسول

یوحنا در مورد حقیقت مطلق کل کتاب مقدس نوشت :
یوحنا 19:35 و آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است و او می داند که راست میگوید تا شما نیز ایمان آورید .

پولس رسول

کتاب مقدس لایق قبول ماست.

این سخن امین است و لایق قبول تام، تیموثائوس 4:9

اقتدار مطلق کتاب مقدس

شناخت درست از نادرست

برخلاف آموزه های فلسفه مدرن ، حقایق مطلق ، ارزش های مطلق ، اصول اخلاقی و اقتدار مطلق در جهان وجود دارد. اما همه این مطلق ها در کلام خدا مکاشفه شده اند که از طریق همین مطلق ها است که می توانیم درست را از نادرست بشناسیم . کتاب مقدس تنها اقتدار مطلق برای زندگی ماست.

کلام تو را در دل خود مخفی داشتم که مبادا به تو گناه ورزم . مزامیر 119:11

تنها انجیل حقیقی

هیچ انجیل حقیقی دیگری به جز آنچه در کلام خدا مکاشفه شده است وجود ندارد.

غلاطیان 1:8 بلکه هرگاه ما هم یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند،
اناتیما باد .

اقتدار مطلق

کلام خدا اقتدار مطلق است زیرا یک حقیقت محض است. عیسی خداوند فرمود :

ایشان را به راستی (حقیقت) خود تقدیس نما. کلام تو راستی (حقیقت) است . یوحنا 17:17

خواستار اطاعت

اقتدار مطلق کلام خدا، پیروی و اطاعت ما را می طلبد

۲ تسالونیکیان 3:14 ولی اگر کسی سخن ما را در این رساله اطاعت نکند، بر او نشانه گذارید و باوی معاشرت نکنید تا شرمنده شود .

به دلیل اقتدار مطلق کلام خدا، هنگامی که حقایق آن را بخوانیم، بشنویم و آن را حفظ کنیم آنگاه ما فقط می توانیم فرخنده و برکت دیده باشیم .

این کتاب تورات ازدهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا برحسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمایی زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچنین کامیاب خواهی شد. یوشع 1:8

مجموعه کتب کتاب مقدس

" مجموعه کتب کتاب مقدس " به کتاب هایی گفته می شود که توسط مردان تعلیم دیده ای انتخاب شده اند که پس از دعا و مطالعه فراوان، همانگونه که توسط روح القدس هدایت می شدند، نوشته های مکاشفه ای کامل و جامع خدا نسبت به قومش را که در آن ها وجود داشت، تعیین و مشخص کردند که فقط به شصت و شش کتاب محدود شده است.

آنها از چندین آزمون برای تعیین اینکه آیا یک کتاب، بخشی از عهد جدید است، استفاده کردند.

*** توسط یک رسول یا یکی از افراد نزدیک به یک رسول نوشته شده است**

*** به طور گسترده خوانده شده است**

*** قابل قبول برای زندگی و تعلیم**

*** در پرستش های همگانی استفاده می شود**

*** مورد پذیرش و قبول کلیساها**

*** با تصمیم کلیسا تصویب شده است**

طی یک دوره 1500 ساله ، چهل نفر کتاب مقدس را نوشتند. هیچ تناقضی وجود ندارد زیرا که در واقع تنها یک منبع و منشاء وجود داشت یعنی روح القدس. هر کس همانطور که از همان روح القدس الهام گرفته بود ، می نوشت.

ممکن است برخی پرسند ، "از کجا می دانیم که کتاب های دیگر نباید به عنوان بخشی از کتاب مقدس شامل آن می شدند؟" پاسخ در این واقعیت یافت می شود که همه کتاب های مقدس دارای یک موضوع اصلی هستند - و آن ، مکاشفه عیسی مسیح خداوند به عنوان نجات دهنده و منجی بشریت گناهکار است.

نبوت و پیشگویی ها ، وعده ها ، قربانی ها و پرستش های عهد عتیق همه به عیسی خداوند اشاره می کنند. عهد جدید داستان زندگی او را بر روی زمین به ما ارائه می دهد ، و به آنچه او با مرگ خود بر روی صلیب برای ما خریداری کرده اشاره می کند و به ما می گوید که در آینده منتظر چی هستیم.

عیسی خداوند در تعالیم خود بیست و سه کتاب از عهد عتیق را تأیید کرد و بر آن صحه گذاشت.

آپوکریفا

در دوره عهد عتیق ، کتابهای دیگری نیز نوشته شده است. در طول قرن اول ، الهیدانان کتاب مقدس این آثار را مطالعه کردند ، و به توافق رسیدند که بسیاری از این کتاب ها الهام گرفته از خدا نیستند.

برخی از این کتاب ها بعداً توسط کلیسای کاتولیک رم پذیرفته شد و بخشی از کتاب مقدس آنها شد. این کتاب ها آپوکریفا نامیده می شوند.

Apocrypha در یونانی به معنای "مخفی و پنهان" یا "راز" می باشد. این نام به این خاطر می تواند انتخاب شده باشد که چون نویسنده ، تاریخ نگارش و منشأ این کتاب ها بسیار مشکوک است. برخی از این کتاب ها حکایت ها و تعالیم متناقضی را در مقایسه با کتاب هایی که با دقت به عنوان کلام الهام گرفته از خداوند انتخاب شده اند ارائه می دهند.

اکثر آنها رد شدند زیرا آنها روح دیگری داشتند ، مسح دیگری داشتند و حاوی نکاتی بودند که در مقایسه با سایر کتاب های مقدس خطا تلقی می شدند.

در حالی که این کتابها حاوی اطلاعات تاریخی جالبی هستند ، ما باید مراقب باشیم که آنها را با همان اقتدار مطلق که ما در کتاب مقدس به رسمیت می شناسیم ، قبول نکنیم.

توجه: برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد این موضوع ، پیشنهاد می کنیم کتاب همه چیز درباره کتاب مقدس ، نوشته *Sidney Collett* ، منتشر شده توسط *Fleming H. Revell* را بخوانید.

مکاشفاتِ مافوقِ کتاب مقدس

خواب ها و رویاها ، پیشگویی ها و ظاهر شدن فرشته ها همگی امروزه معتبر هستند. با این حال ، هیچ کدام از آنها نمی توانند همان اقتدار کلام خدا را داشته باشند. در کلام خدا به ما هشدار داده شده است به آنچه که کتاب مقدس می آموزد چیزی اضافه نکنیم یا تغییر ندهیم. این خطر جدی وجود دارد که کسی با نبوت یا پیشگویی ، رویاها و غیره "جزئیات" را به کلام خدا اضافه کند.

زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت میدهم که اگر کسی بر آنها بیفزاید، خدا بلایای مکتوب در این کتاب را بروی خواهد افزود. و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد. مکاشفه 22: 18-19

اکثر فریب ها ، تعالیم دروغین ، فرقه ها و مذاهب دروغین حاوی عناصر بزرگی از حقیقت هستند. این حقایق سپس با فریب و حيله های شیطانی آمیخته می شوند. از طریق هدیه تشخیص ارواح ، می توان حقیقت را از خطا تشخیص داد.

زبان های اصلی

کتاب مقدس در اصل به سه زبان نوشته شده است. عهد عتیق عمدتاً به زبان عبری نوشته شده است. بخشهایی از کتاب دانیال و نحمیا به زبان آرامی نوشته شده است و عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است.

ترجمه ها

در طول سال ها ، کتاب مقدس به بسیاری از زبان ها ترجمه شده است. ترجمه های مختلفی از کتاب مقدس به زبان انگلیسی وجود دارد. در یک ترجمه اصلی و اساسی ، الهیدانان به زبان های اصلی رجوع کردند و معنی کلمه به کلمه کلمات را از متون قدیمی بیان کرده اند.

از آنجا که زبان های اصلی عبری و یونانی برای هر کلمه معنای دقیق و متمایزی دارند ، وظیفه مترجم انتخاب دقیق کلمه در زبان انگلیسی بوده است که معنای اصلی آن را به بهترین وجه منتقل کند. با این حال ، از آنجا که زبان انگلیسی به اندازه زبان اصلی دقیق و کامل نیست ، نه آنکه از متن اصلی چیزی کم شده باشد بلکه برخی از معانی ای که درک بهتری می تواند از آن به ما دهد از قلم افتاده است.

کتاب مقدس انگلیسی ورژن **Amplified** و سایر ترجمه های منتشر شده سعی در غلبه بر این چالش داشته اند و کتاب مقدس های بسیار عالی برای مطالعه هستند و از نظر ماهیت ، تا حدودی می توان گفت ثقیل هستند و به راحتی خوانده نمی شوند.

ترجمه تفسیری (آزاد - روان)

برخی اوقات ، الهیدانان سعی نمی کردند کتاب مقدس را کلمه به کلمه ترجمه کنند. در عوض ، آنها آن را تفسیر کردند. این بدان معنی است که آنها آن را فکر به فکر ترجمه کرده اند. درک و فهم این نسخه ها آسان تر است زیرا به زبان مادری ما راحت تر جریان می یابد و برای روخوانی و مطالعه سطحی عالی است.

ولی برای مطالعه کتاب مقدس ، بهتر است از ترجمه اصلی استفاده شود که دقیق تر باشد. برای این کتاب ، ما از ترجمه قدیم **POV** و جدید کتاب مقدس (که به زودی آن را به چاپ خواهیم رساند) استفاده می کنیم.

قبل از ورود به مطالعه برخی از مضامین اصلی عهد عتیق، درک برخی از حقایق اساسی در مورد کتاب مقدس بسیار مهم است. کلمه "بایبل یا کتاب مقدس" به معنای "کتاب ها" می باشد. کتاب مقدس به دو بخش اصلی تقسیم شده است و به آنها عهد عتیق و عهد جدید گفته می شود.

تعریف

وصیت نامه یک عهد است. عهد، یک توافقنامه جدی منعقد شده، بین دو یا چند طرف است. کتاب مقدس شامل عهد و پیمان هایی است که خداوند با قوم خود بسته است. عهد عتیق شامل عهد و پیمان های قدیمی است که خدا قبل از آمدن مسیح، با بشر بسته است. که مشتاقانه منتظر کار تکمیل شده مسیح خداوند است. عهد جدید شامل پیمانی جدید می باشد که بر مبنای کار تکمیل شده مسیح خداوند بر روی زمین است.

عهد عتیق

* انبیاء

از آنجا که شانزده کتاب از عهد عتیق توسط انبیاء نوشته شده است، درک عملکرد یک نبی مهم است:

*** آنها کلام خدا را به قوم گفتند.**

*** آنها سخنگوی خدا در برابر پادشاهان و قوم اسرائیل و یهودا بودند.**

*** آنها نسبت به گناه هشدار دادند و داوری خدا را نبوت و پیشگویی کردند.**

*** می توان آنها را با شاقول ذکر شده در کتاب عاموس برابر دانست، که توسط بنایان مورد استفاده قرار می گرفت تا گوشه ساختمان در حال ساخت را صاف نگه دارند.**

انبیاء از این جهت که از جانب خدا با انسان صحبت می کردند با کاهنان متفاوت بودند. چون کاهنان از جانب انسان با خدا صحبت می کردند.

* 39 کتاب

در عهد عتیق سی و نه کتاب وجود دارد.

کتاب های عهد عتیق به ترتیب زمانی تنظیم نشده اند. در عوض آنها بر اساس دسته بندی مرتب شده اند. به عنوان مثال ، کتابهای شعر با هم چیده شده اند با اینکه اکثر محققان و الهیدانان اتفاق نظر دارند که ایوب قدیمی ترین کتاب در کتاب مقدس است.

* اهمیت

افرادی هستند که می گویند عهد عتیق برای مطالعه آنقدر مهم نیست. اما اگر آن را نادیده بگیریم ، از دو سوم آنچه خداوند به ما گفته است چشم پوشی می کنیم! عهد عتیق "فقط یک تاریخ از نژاد یهود نیست" ، بلکه الگویی برای زندگی و خدمت های ماست.

عهد عتیق شالوده اصلی را برای درک هدف خلاق خدا برای زندگی ما فراهم می کند. و همچنین شالوده ای را برای درک نقشه بزرگ محبت آزادی بخش خدا فراهم می کند تا نقشه و هدف خدا را برای احیاء و بازگرداندن ما به بودن ، داشتن و انجام هر آنچه در قلب او بود ، هنگامی که ما را به شکل خود آفرید ، مکاشفه شود.

در این مطالعه ، ما توجه خود را به برخی از حقایق اصلی که در عهد عتیق مکاشفه شده است ، متمرکز خواهیم کرد. در یک کتاب غیرممکن است همه چیزهای غنی و شگفت انگیزی که خدا برای قوم خود انجام داده ، همه چیزهای شگفت انگیزی را که تعلیم داده یا همه چیزهای شگفت انگیزی را که از طریق این صفحات به ما وعده داده است ، مطالعه نمود.

این کتاب و این مطالعه یک آغاز خواهد بود. این مقدمه ای است بر عهد عتیق ، مختصری از طرح کلی که مابقی عمر خود را به آن مکاشفه اضافه می کنید!

آنچه خداوند به آدم و حوا گفت هنوز هم قابل اجراست. آنچه خداوند به ابراهیم قول داده هنوز هم ادامه دارد. افراد در عهد عتیق نیازهای خود را با ایمان ، به آنچه که مسیح قصد داشت برای آنها ایجاد کند ، برآورده می کردند. به عنوان ایمانداران امروزی ، ما با ایمان ، به آنچه مسیح برای ما انجام داده است نگاه می کنیم.

پرسش هایی برای دوره کردن درس اول

1) منظور از عبارتی که در دوم تیموتائوس 3:16، " می گوید تمام کتاب مقدس با الهام از خدا داده شده است " چیست؟ روند الهام کتاب مقدس را توصیف کنید؟

2. منظور از اصطلاحات " همه کتاب مقدس میرا از خطاست " و " اقتدار مطلق کتاب مقدس " چیست؟ آدرس آیاتی را ارائه دهید که پایه و اساس این حقایق را اثبات می کند؟

3. منظور از عبارت " مجموعه کتب کتاب مقدس " چیست؟ توضیح دهید که چرا کتاب مقدس فقط به شصت و شش کتاب محدود شده است؟

درس دوم

وقایع اصلی دوره عهد عتیق

در این درس ، ما 3600 سال تاریخ را مورد بررسی قرار خواهیم داد. در صورت لزوم ، برخی از عمیق ترین وقایع در یک یا دو پاراگراف مورد بررسی قرار می گیرند. این برای ایجاد یک بررسی اجمالی یا نمای کلی می باشد که تمام دروس دیگر در آن قرار گیرند.

هنگام روبه رو شدن با حجم زیادی از اطلاعات ، اگر آن را به بخش های "قابل هضم" تقسیم کنیم ، درک آن آسان تر می شود. عهد عتیق حدود 3600 سال را شامل می شود و می توان آن را به 9 دوره تقسیم کرد.

*** پیدایش تا سیل – 4000 تا 2350 ق.م.**

*** دوره پطربارخان – 2350 تا 1840 ق.م.**

*** بنی اسرائیل در مصر – 1840 تا 1440 ق.م.**

*** از مصر به کنعان – 1440 تا 1400 ق.م.**

*** دوره داوران – 1400 تا 1051 ق.م.**

*** تأسیس پادشاهی اسرائیل – 1051 تا 931 ق.م.**

*** پادشاهی تقسیم شد – بردگی – 931 تا 586 ق.م.**

*** بردگی بابلی ها – 605 تا 535 ق.م.**

*** بازگشت و بازسازی – 535 تا 400 ق.م.**

پیدایش

پیدایش ، کتاب نخستین است که به ما آغاز و شروع موارد زیر را ارائه می دهد:

* جهان

* نسل بشر

* رابطه خدا با انسان

* گناه

* وعده هایی ، از یک نجات دهنده در آینده

* مرگ

* زبان های مختلف

* قوم یهود

* مکاشفه خدا از خودش

گناه وارد نسل بشر می شود

خداوند زمین و هر چیزی را که روی زمین وجود داشت آفرید ، و سپس آدم و حوا را خلق نمود. آنها اشرف مخلوقات او بودند که:

* به شباهت او خلق شدند

* آفریده شدند تا بر همه آفرینش تسلط داشته باشند

* برای داشتن سرنوشتی باشکوه خلق شدند

* برای داشتن رابطه با خدا خلق شدند

* برای داشتن مشارکت با خدا خلق شدند

خداوند آنها را در باغ عدن قرار داد و به آنها فرمود که می توانند از همه چیز در باغ بخورند به جز از میوهٔ یک درخت ، خداوند مقرر کرد که رابطه انسان با او ، رابطه اطاعت پذیری است.

ما می دانیم چه اتفاقی افتاده است. حوا و سپس آدم علیه آنچه خدا گفته بود سرکشی کردند. آنها از میوه آن درخت خوردند و سرکشی آنها منجر شد به :

*** دوری و بیگانگی از خدا**

*** ترس از حضور او**

*** مذمت دیگران (دیگران را مقصر دانستن)**

*** از دست دادن سلطه بر خلقت**

*** از دست دادن صورت و جلال خدا**

*** رنج کشیدن**

*** مرگ**

اولین قربانی

خدا برای پوشاندن آدم و حوا لباسی هایی از پوست درست کرد و این اولین مرگ یک حیوان بود - اولین قربانی ای که به خاطر انسان انجام شد.

اولین وعدهٔ نجات دهنده (باز خرید کننده)

همانطور که خداوند لعنت هایی را که در نتیجه گناه آنها به وجود آمده بود را اعلام می کرد ، آنها را بدون امید رها نکرد. او به آنها وعده شگفت انگیزی در مورد ذریت زن داد.

وعداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو باشنه وی را

خواهی کوبید « پیدایش 3:15

اولین قتل

در **پیدایش باب 4**، ما از تولد قائن و هابیل، از قربانی های آنها، از حسادت و اولین قتل می خوانیم. قائن هابیل را کشت. از زمان گناه آدم و حوا، اوضاع بدتر می شد و حتی افکار بشر به طور پیوسته شرارت بود.

پیدایش 5:6 و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دل وی، دائم محض شرارت است.

سیل

در هر دوره ای، خداوند ایماندارانی دارد. حتی در زمان وحشتناک و شیطانی قبل از سیل، خنوخ با خدا راه می رفت که دیگر یافت نشد؛ زیرا خدا او را برگرفت.

نوح مرد صالحی بود که خدا می توانست به او بگوید که کشتی ای برای حفظ نسل بشر و حیوانات و پرندگان بسازد.

حتی پس از داوری خدا و نابودی همه چیز روی زمین، زنان و مردان مطیع خدا نبودند.

برج بابل

خداوند مردم را به بارور و کثیر شدن و پر ساختن زمین فرمان داد. اما آنها در عوض، در سرزمین شنعار جمع شدند. آنها تصمیم گرفتند که در آنجا بمانند و روی سطح زمین پراکنده نشوند - و دوباره زمین را پر نکنند.

وگفتند: «بیاید شهری برای خود بنا نهیم، و برجی را که سرش به آسمان برسد، تا نامی برای خویشتن پیدا کنیم،

مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم.» پیدایش 11:4

آنها علیه خدا شورش کردند.

پیدایش 11: 6-8 و خداوند گفت: «همانا قوم یکی است و جمیع ایشان را یک زبان و این کار را شروع کرده اند، والان هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان ممنوع نخواهد شد. اکنون نازل شویم و زبان ایشان را در آنجا مشوش سازیم تا سخن یکدیگر رانفهمند.» پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت و از بنای شهر بازماندند .

پس خداوند آنها را از آنجا در سرتاسر زمین پراکنده کرد، و آنها ساختن شهر را متوقف کردند. توجه به این نکته مهم است که خداوند فرموده است که با وحدت هدف و یک زبان مشترک، بشر می تواند هر کاری انجام دهد.

دوره پطریارخان

2350 تا 1840 سال ق.م

لقب پطریارخ در عهد جدید به کسانی داده شده بود که نژاد عبری داشتند و همچنین قبیله های عبرانی ای که قبل از زمان موسی بودند. در دوره پطریارخان، رئیس یک قبیله مسن ترین مرد آن بود. رئیس و سر پطریارخانی همچنین، کاهن خانواده خود بود.

ایوب

ایوب قدیمی ترین کتاب در کتاب مقدس است و به همین ترتیب اولین نمونه پطریارخ است. محبت پدرانه و کهانت سر خانواده بودن او مشخص می شود وقتی که می خوانیم:

و واقع میشد که چون دوره روزهای مهمانی ایشان بسر میرفت، ایوب فرستاده، ایشان را تقدیس مینمود و بامدادان برخاسته، قربانی های سوختنی، به شماره همه ایشان میگذرانید، زیرا ایوب میگفت: «شاید پسران من گناه کرده،

خدا را در دل خود ترک نموده باشند» و ایوب همیشه چنین می کرد. ایوب 1:5

کتاب ایوب درباره از دست دادن خانواده و سلامتی او به ما می گوید. اما در میان همه آن مشکلات ، او اعلام کرد:
**کاش که سخنانم الان نوشته میشد! کاش که در کتابی ثبت میگردید، و با قلم آهنین و سرب بر صخرهای تا به ابد
کنده میشد! و من میدانم که ولی من زنده است، و در ایام آخر، بر زمین خواهد برخاست. و بعد از آنکه این پوست
من تلف شود، بدون جسد من نیز خدا را خواهم دید. ایوب 19: 23 – 26**

ابراهیم و اسحاق

ابراهیم نمونه بعدی پطریارخ است. خداوند او را از اور فراخواند تا عهد ابدی با بشر را دوباره برقرار کند و قوم اسرائیل را برپا دارد.

پسر موعود \square ابراهیم ، اسحاق بود. اسحاق به معنای خنده است و تولد او باعث خنده ابراهیم و سارا شد.
اسحاق دو پسر داشت ، عیسو و یعقوب. عیسو اگرچه بزرگتر بود اما نخستزادگی خود را به یعقوب فروخت. کتاب مقدس می گوید او نخست زادگی خود را خوار شمرد . در واقع ، عیسو ، به چیزهای این دنیا بیش از امتیاز سر بودن یا کاهن خانواده خود بودن ، اهمیت می داد.

یعقوب (اسرائیل)

یعقوب پسر کوچک اسحاق بود که با فریب ، نخستزادگی را بدست آورد و بخشی از مسیر وعده داده شده قرار گرفت. زندگی او با عنوان یک فریب آغاز شد ، اما او خدا را ملاقات کرد و زندگی او تغییر کرد. خدا نام او را به اسرائیل تغییر داد که به معنای کسی که همچون خدا حکومت می کند. اسرائیل دوازده پسر داشت و فرزندان این پسران دوازده قبیله اسرائیل شدند.

یوسف

یوسف ، پسر مورد علاقه اسرائیل بود ، اما برادران حسودش او را به بردگی فروختند. او به عنوان برده به دروغ متهم شد و به زندان افتاد ، اما از آنجا خدا او را بلند کرد تا در کنار فرعون باشد. یوسف هر جا که بود کامیاب می شد.

هنگامی که یوسف با برادران خود و یعقوب دوباره متحد شدند ، همه خانواده های آنها (هفتاد نفر) به مصر نقل مکان کردند. آنها به یک موقعیت شرافتمندانه ای منتقل شدند ، اما در طی دوره زمانی ، این تغییر کرد.

و یوسف و همه برادرانش، و تمامی آن طبقه مردند. و بنی اسرائیل بارور و منتشر شدند، و کثیر و بینهایت زور آور گردیدند. و زمین از ایشان پر گشت. اما پادشاهی دیگر بر مصر برخاست که یوسف را شناخت. و به قوم خود گفت: «همانا قوم بنی اسرائیل از ما زیاده و زور آورترند. خروج 1: 6 – 9

فرزندان اسرائیل در مصر

1840 تا 1440 ق. م

برکات خداوند بر بنی اسرائیل بود و هر چه بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند ، تعداد آنها نیز بیشتر می شد. لیکن چندانکه بیشتر ایشان را ذلیل ساختند، زیادتر متزاید و منتشر گردیدند، و از بنی اسرائیل احتراز مینمودند. و مصریان از بنی اسرائیل به ظلم خدمت گرفتند. و جانهای ایشان را به بندگی سخت، به گل کاری و خشت سازی و هر گونه عمل صحرائی، تلخ ساختندی. و هر خدمتی که بر ایشان می نهادند به ظلم بود. خروج 1: 12 – 14

موسی

فرعون برای کاهش تعداد بنی اسرائیل ، دستور داد که همه پسران متولد شده را به رودخانه بیندازند. وقتی موسی به دنیا آمد ، مادرش او را برای سه ماه پنهان کرد. سپس ، چون دیگر نتوانست او را پنهان نگه دارد ، سبدی را برداشت و آن را تا آنجا که ممکن بود عایق نمود تا غرق نشود . او موسی را در سبدی قرار داد و آن را در رودخانه انداخت. خدا دستش را روی موسی گذاشته بود. دختر فرعون نوزاد را پیدا کرد و مادر خودش را برای پرستاری و مراقبت از او استخدام کرد.

موسی به عنوان پسر دختر فرعون بزرگ شد. و با این حال ، در چهل سالگی هنگامی که دید یک مصری برده عبری را کتک می زند ، آن مصری را کشت. او از جانب قومش شناسایی شد و مجبور شد برای زنده ماندنش فرار کند.

موسی چهل سال دیگر را به عنوان چوپان در مدیان زندگی کرد. و سپس ، یک روز او متوقف شد تا بوته ای که در آتش بود اما نمی سوخت را بررسی کند که خدا با او صحبت کرد و او را فراخواند تا قومش را از مصر نجات دهد.

ده بلا

هنگامی که خداوند موسی را فرستاد تا از فرعون بخواهد بنی اسرائیل را رها کند ، او درخواستش را رد کرد. (فرعونی که در کودکی موسی زندگی می کرد ، او مرده بود.) قبل از اینکه فرعون حاضر شود آنان را رها کند، خداوند ده بلا بر سر مصریان فرستاد.

*** رود نیل که آنها آن را به عنوان یک خدا می پرستیدند ، تبدیل به خون شد.**

*** هزاران قورباغه از رودخانه بیرون آمدند و همه جا بودند.**

*** گرد و غبار زمین تبدیل به پشه ها و شپش شد.**

*** انواع مگس ها روی همه چیز آمد.**

*** وبایی بسیار سخت باعث مرگ مواشی آنان ، اسبان و الاغان و شتران و گاوان و گوسفندان آنها شد.**

*** هم مردم و هم حیواناتی که باقی مانده بودند ، در دمل های شدید سوزش داشتند.**

*** تگرگ با چنان نیرویی فرو ریخت که هر شخص یا حیوانی که بیرون از خانه مانده بود می مرد.**

*** آنقدر ملخ آمد که زمین دیده نمی شد. آنها همه چیز ، حتی درختان را خوردند.**

*** تاریکی غلیظی به مدت سه روز زمین را پوشانید. تاریکی آنقدر شدید بود که احساس می شد.**

بعد از هر بلا ، به فرعون فرصت داده می شد تا از خدا اطاعت کند ، اما او امتناع می ورزید.

*** بلای آخر مرگ نخستزاده های مصریان و همچنین بنی اسرائیل بود.**

خدا دستورالعمل های مخصوصی را به بنی اسرائیل برای این شب داده بود. آنها می بایست بره ای را قربانی می کردند و خون آن را به سر در و دو قائمه در می زدند. آنها باید قربانی را ، لباس پوشیده و آماده برای سفر بخوردند. نخستزاده هایی از آن دسته از بنی اسرائیلی ها که خون را به چارچوب در نزدند - آنهایی که خدا را اطاعت نکردند - همراه با نخستزاده های مصریان مردند . این اولین عید فصح بود و این اتفاق در عهد جدید هنگامی تحقق

یافت که عیسی خداوند بر روی صلیب قربانی شد و خونس را برای پوشش نجات ما ، درست مانند زدن خون به سر در و دوقائمه در ، ارائه داد.

و آن خون، علامتی برای شما خواهد بود، بر خانه هایی که در آنها میباشید، و چون خون را ببینم، از شما خواهم گذشت و هنگامی که زمین مصر را میزنم، آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد. خروج 12:13

از مصر تا کنعان

1440 تا 1400 ق. م

شکافته شدن دریای سرخ

هفتاد نفری که به مصر نقل مکان کرده بودند ، به یک جمعیت نیرومند تبدیل شده بودند. فرعون پس از مرگ نخستزاده ها ، "آنها را از زمین بیرون کرد ". اما پس از آن ، او تصمیم خود را تغییر داد و لشکر خود را فرستاد تا آنها را برگرداند.

بنی اسرائیل گرفتار شدند. کوهها در طرفین ، دریای سرخ در جلو و ارتش فرعون در پشت بودند. خداوند ستونی از ابر و آتش بین آنها و ارتش قرار داد تا از آنها محافظت کند. در سمت بنی اسرائیل نور بود ، اما در سمت مصریان هوا تاریک بود. سپس خداوند دریای سرخ را از هم گسیخت و جمعیت از زمین خشک عبور کردند. هنگامی که ارتش مصر قصد تعقیب قوم اسرائیل را داشتند ، آب بر روی آنها فرو ریخت و آنان غرق شدند.

دادن شریعت

خداوند قوم را به کوه سینا هدایت کرد و در آنجا آنها به مدت سه روز خود را تقدیس کردند. دقیقاً پنجاه روز پس از ترک مصر ، بعد از اولین عید فصح ، شریعت صادر شد. پنجاه روز پس از رفتن عیسی خداوند از روی زمین ، روح القدس آمد تا شریعت را بر قلب ما بنویسد.

و واقع شد در روز سوم به وقت طلوع صبح، که رعدها و برقها و ابر غلیظ بر کوه پدید آمد، و آواز کرنای بسیار سخت، بطوری که تمامی قوم که در لشکرگاه بودند، بلرزیدند. و موسی قوم را برای ملاقات خدا از لشکرگاه بیرون آورد، و در پایان کوه ایستادند. و تمامی کوه سینا را دود فرو گرفت، زیرا خداوند در آتش بر آن نزول کرد، و دودش مثل دود کوره ای بالا میشد، و تمامی کوه سخت متزلزل گردید. و چون آواز کرنا زیاد و زیاد شد، نواخته میشد، موسی سخن گفت، و خدا او را به زبان جواب داد. و خداوند بر کوه سینا بر قله کوه نازل شد، و خداوند موسی را به قله کوه خواند، و موسی بالا رفت. خروج 16: 19 – 20

گوساله طلایی

هنگامی که موسی با خداوند صحبت می کرد - با اینکه آنها کارهای شگفت انگیز او را دیده بودند ، با اینکه آنها صدای او را در رعد و برق شنیدند - وقتی خداوند شریعت و نقشه های خیمه را به موسی می داد ، مردم با کمک هارون یک گوساله طلایی ساختند و آن را پرستش کردند.

خدا به موسی گفت ، من این افراد را نابود خواهم کرد و از تو یک ملت بزرگ خواهم ساخت. اما موسی برای آنها شفاعت کرد و خدا آنها را بخشید.

بنی اسرائیل به مرزهای کنعان آمدند ، اما آنها باور نداشتند که خدا می تواند برای آنها در این سرزمین پیروزی را به ارمغان آورد ، و آنها چهل سال در بیابان سرگردان بودند.

دوره داوران - گرفتن زمین

1400 تا 1051 ق.م

موسی درگذشت و توسط خدا در کوه حوریب دفن شد. یوشع رهبری قوم اسرائیل را بر عهده گرفت که چهل سال بعد ، آنها دوباره به مرز کنعان آمدند.

باز هم خداوند آب های یک رودخانه را خشک کرد. این بار رود اردن بود و مردم از روی زمین خشک عبور کردند. دیوارهای اریحا به طور فراطبیعی فرو ریختند و آنها شروع به تصرف سرزمین کنعان نمودند.

سرزمین کنعان با هر قبیله ، تقسیم بندی شد یعنی هر کدام از آن قبیله ها زمین خود را داشتند ، به جز قبیله لاوی ، که قبیله کاهنانه بود.

کشور اسرائیل از این جهت که پادشاهی انسانی نداشت ، با کشور های اطراف متفاوت بود چون خدا پادشاه آنها بود. در پی رهبری یوشع ، آنها داورانی داشتند که بر آنها حکومت کنند. داوران اصلی این افراد بودند:

*** عتئیل – اولین داور**

*** دبوره – یک زن**

*** جدعون – مرد توانای دلاور**

*** یفتاح**

*** ایلون**

*** سامسون – مرد قدرتمند – آخرین داور**

تأسیس پادشاهی اسرائیل

1051 تا 931 ق.م

قوم یک پادشاه را طلب می کنند

وقتی سموئیل سالخورده شد ، مردم خواستار یک پادشاه شدند. آنها از اینکه تحت فرمان خداوند قرار گیرند سرکشی نمودند و خداوند به آنها اجازه داد راه خود را داشته باشند. به خطاری که خدا به آنها داد گوش دهید.

و خداوند به سموئیل گفت: «آواز قوم را در هر چه به تو گفتند بشنو، زیرا که تو را ترک نکردند بلکه مرا ترک کردند

تا برایشان پادشاهی نمایم. سموئیل 8:7

او به آنها هشدار داد که یک پادشاه این موارد را برای خود بر می دارد:

*** پسرانشان را برای خودش**

*** دخترانشان را برای خودش**

*** مزارع ، ناکستان ها و باغ های زیتون آنها را گرفته و به دیگران می بخشد**

*** ده یک هر چیزی که دارند**

خدا به اخطار خود ادامه داد :

اسموئیل 8 : 18 – 19 و در آن روز از دست پادشاه خود که برای خویشتن برگزیده اید فریاد خواهید کرد و خداوند در آن روز شما را اجابت نخواهد نمود.» اما قوم از شنیدن قول سموئیل ابا نمودند و گفتند: «نی بلکه میباید بر ما پادشاهی باشد .

خدا آنچه را خواستند به آنها داد هر چند که برای آنها خوب نبود. سموئیل شائول را مسح نمود که پادشاه شود. آنها از یک حکومت روحانی خدامحوری یعنی ملتی که تحت فرمان خداوند است ، به پادشاهی تبدیل شدند ، ملتی که توسط انسان اداره می شد.

شائول

شائول با مسیحی که توسط خدا شده بود شروع نمود که فروتن بود و خویشتن داری را تمرین می کرد ، اما به غرور و نافرمانی رسید. سرانجام ، خداوند به سموئیل فرمود :

اسموئیل 15 : 10 – 11 و کلام خداوند بر سموئیل نازل شده، گفت: «پشیمان شدم که شائول را پادشاه ساختم زیرا از پیروی من برگشته، کلام مرا بجا نیاورده است.» و سموئیل خشمناک شده، تمامی شب نزد خداوند فریاد بر آورد.

سموئیل سعی کرده بود که به شائول هشدار دهد اما او از گوش دادن امتناع ورزید. سپس خداوند سموئیل را برای مسح پادشاه بعدی فرستاد.

شائول با افتادن روی شمشیر خود ، به زندگی خود پایان داد.

داود

داود دومین پادشاه اسرائیل بود و در طول سلطنت او ، قوی ترین و از نظر اندازه بزرگترین ملت بودند. خدا فرمود که داود مردی موافق دل او بود.

اسموئیل 13:14 لیکن الان سلطنت تو استوار نخواهد ماند و خداوند به جهت خویش مردی موافق دل خود طلب نموده است، و خداوند او را مامور کرده است که پیشوای قوم وی باشد، چونکه تو فرمان خداوند را نگاه نداشتی .»

داود یک مبارز ، پادشاه ، نبی و سراینده و نویسنده مزمور بود که خدا نقشه های معبد را به او داد. داود قسمت های عمده ای از کتاب مزامیر را نوشت و به قوم آموخت که چگونه خدا را ستایش و پرستش کنند. اکثر دوران سلطنت داود ، خدا را شهادت می داد ، اما او در دو زمینه دارای ضعف بود – یکی زنان ، و دیگری عدم تأدیب و تربیت نزدیکان خود. در سال های پایانی او ، پسرانش سرکشی کردند ، درگیری های زیادی ایجاد کردند و حتی سعی کردند پادشاهی او را بدزدند.

سلیمان

سلیمان سلطنت خود را با لطف فراوان آغاز کرد. او با برکت داود به پادشاهی مسح شد. او دارای ثروتی بی کران بود که توسط پدرش جمع آوری شده بود. او محبوب بود و با امید زیادی توسط مردم مورد قبول واقع گردید. بزرگترین خواسته او ، به عنوان یک حاکم برای شروع سلطنت ، حکمت بود و به او توانایی های ذهنی الهی منتقل می شد. اعتقاد بر این است که او در سال های پایانی زندگی اش کتاب امثال سلیمان، غزل های سلیمان و کتاب جامعه را نوشت و جمع آوری نمود . او معبد بزرگ خدا را ساخت. و با این حال ، سلیمان به بت پرستی و شهوات نفسانی افتاد. او هفتصد زن و سیصد معشوقه داشت. شاید کتاب جامعه تصویری از او در سال های بعد می باشد.

پادشاهی تقسیم – و به اسارت برده شد

بعد از مرگ سلیمان ، رحبعام ، پادشاه اسرائیل شد. مردم از او خواستند تا بار سنگین مالیاتی آنان را کاهش دهد. رحبعام پیش مشایخ رفت و آنها گفتند که اگر او خادم مردم باشد ، آنها را خدمت کند و به آن ها سخنان نیکو بگوید ، آنها برای همیشه خدمتگزاران او خواهند بود.

اما او از مشاوره آنها امتناع ورزید و به سراغ جوانانی رفت که با آنها بزرگ شده بود. آنها گفتند تا به مردم بگوید:
و حال پدرم یوغ سنگین بر شما نهاده است اما من یوغ شما را زیاده خواهم گردانید. پدرم شما را به نازیانه ها تنبیه می نمود اما من شما را به عقرب ها تنبیه خواهم نمود .» **پادشاهان 12:11**

مردم قبایل شمالی قیام کردند و کشور اسرائیل دچار اختلاف شد.

اسرائیل – پادشاهی شمالی

پادشاهی شمال از ده قبیله تشکیل شده بود که ملتی متولد شده در سرکشی بود. نوزده پادشاه مختلف وجود داشت، اما هیچ یک از آنان پادشاه خوبی نبودند.
آخاب ، پادشاه شریر زمان ایلیا بود و ایزابل همسرش بود.
یهورام ، ییهو ، یهواخاز و یوآش پادشاهان شریر زمان الیشع بودند.
انبیا یعنی هوشع ، عاموس ، ایلیا و الیشع به پادشاهان و مردم این پادشاهی هشدار دادند. یونس نیز از این پادشاهی بود.

در **دوم پادشاهان باب 17** ، لیستی از گناهان وحشتناک پادشاهی شمال به ما داده می شود. در نهایت ، گناهان آنها چنان زیاد بود که خداوند آنها را به اسارت رفتن وا گذاشت.

یهودا – پادشاهی جنوب

پادشاهی جنوب از دو قبیله تشکیل شده بود.

از بیست پادشاه، آنان هشت پادشاه خوب داشتند، و خداوند به خاطر این پادشاهان، یهودا را بیشتر شفقت نمود. برخی از آن پادشاهان خوب یهوشافاط بود که نظم را در پرستش برقرار و احیاء کرد، یوآش، عُزَیَا، یوتام و حَزَقِیَا بودند و پیامبران یهودا میکاه، حبقوق، یوئیل، ارمیا، عوبدیا، اشعیا، ناحوم و صفنیا بودند.

کتاب مراثی ارمیا یا سوگنامه بیان غم و اندوه ارمیا از سقوط پادشاهی یهودا است که با این کلمات پایان می یابد:

ای یهوه ما را بسوی خود برگردان و بازگشت خواهیم کرد و ایام ما را مثل زمان سلف تازه کن. مراثی 5:21

اسارت بابلها

605 تا 535 ق. م

یکی از آرامش بخشترین چیزهایی که می توانیم از عهد عتیق یاد بگیریم این است که خداوند ملت ها را کنترل می کند. آنها به قدرت می رسند و طبق نقشه های او سقوط می کنند. بنی اسرائیل نافرمانی می کردند و خدایان دیگر را می پرستیدند و خداوند قوم بابل را برای تأدیب و بردگی آنها برانگیخت.

یکی از سرداران ارتش بابل می دانست که چرا قوم یهودا سقوط کرده اند.

و سرداران ارتش ارمیا را گرفته، وی را گفت: «یهوه خدایت این بلا را درباره این مکان فرموده است. و خداوند

بر حسب کلام خود این را به وقوع آورده، عمل نموده است. ارمیا 2:40 – 3

نبوکدنصر

قوم یهودا همگی در یک زمان به اسارت برده نشدند. دانیال، شَدْرَک و میشک و عَبدَنَعُو در اولین گروهی بودند که گرفته شدند و آنها به موقعیت رهبری سوق داده شدند. نبوکدنصر پادشاه بابل بود. در زمان سلطنت او بود که شَدْرَک و میشک و عَبدَنَعُو را در کوره آتش انداختند و زنده بیرون آمدند. نبوکدنصر پر از غرور گشت و اعتبار همه چیزهایی را که خدا به او داده بود، به خود نسبت داد.

و پادشاه متکلم شده، گفت: «آیا این بابل عظیم نیست که من آن را برای خانه سلطنت به توانایی قوت و حشمت جلال خود بنا نموده ام؟» **دانیال 4:30**

در همان لحظه دیوانه شد و مثل یک حیوان در مزرعه زندگی کرد. دانیال به او هشدار داده بود که این اتفاق خواهد افتاد و او به مدت هفت سال در این شرایط می ماند، تا اینکه:

دانیال 25: 4 ... بدانی حضرت متعال بر ممالک آدمیان حکمرانی می کند و آن را به هر که می خواهد عطا می فرماید.

در پایان هفت سال، نبوکدنصر دوباره به عقل سلیم خود بازگشت و گفت:

الآن من که نبوکدنصر هشتم پادشاه آسمانها را تسبیح و تکبیر و حمد میگویم که تمام کارهای او حق و طریق های وی عدل است و کسانی که با تکبر راه میروند، او قادر است که ایشان را پست نماید. دانیال 4:37

بلشصر

بلشصر، نوه نبوکدنصر، آخرین پادشاه بابل بود. ما تقریباً چیزی درباره او نمی دانیم جز این که در آخرین عید بزرگ خود، هزاران نفر از حاضران در حال نوشیدن از ظروف نقره و طلا که از معبد اورشلیم برداشته بودند، حضور داشتند. که دستی ظاهر شد و پیامی را بر روی دیوار نوشت که دانیال آن را تفسیر کرد.

و تفسیر کلام این است: منا؛ خدا سلطنت تو را شمرده و آن را به انتها رسانیده است. ثقیل؛ درمیزان سنجیده شده و ناقص در آمده ای. فرس؛ سلطنت تو تقسیم گشته و به مادیان و فارسیان بخشیده شده است. دانیال 5: 26 – 28
در همان شب بلشصر پادشاه کلدانیان کشته شد. و داریوش مادی که نزدیک به شصت و دو سال داشت، به حکومت رسید. دانیال 5: 30-31

اسرائیل شریر شده بود و به دست بابلی ها افتاد، بابل شریر شد و به دست پارسیان افتاد.

کوروش

کوروش بنیانگذار امپراطوری پارس بود، او بابل را فتح کرد و توسط خداوند مسح شد تا یهودیان را از اسارت آزاد کند، اشعیای نبی، آمدن کوروش را پیشگویی کرد و 200 سال قبل از آنکه کوروش به دنیا بیاید او را به نام خطاب کرد.

خداوند که ولی تو است و تو را از رحم سرشته است چنین میگوید: من یهوه هستم و همه چیز را ساختم. آسمانها را به تنهایی گسترانیدم و زمین را پهن کردم و با من که بود. و درباره کورش میگوید که او شبان من است و تمامی مسرت مرا به اتمام خواهد رسانید و درباره اورشلیم میگوید بنا خواهد شد و درباره هیکل که بنیاد تو نهاده خواهد گشت «اشعیای 44: 24 و 28

بازگشت و بازسازی

535 تا 400 ق. م

قوم در سه زمان مختلف به اسرائیل بازگشتند:

(1) اولین کسانی که برگشتند زربابل، یشوع، حجی و زکریا بودند که هدف آنها بازسازی معبد بود.

(2) عزرا در گروه دوم بود و هدف او احیاء کردن تعالیم شریعت و پرستش صالحانه بود.

(3) سرانجام نحمیا و دیگران برای بازسازی دیوارهای اورشلیم بازگشتند.

تاریخ نگارش کتاب ملاکی مشخص نیست. ممکن است در واقع، این آخرین کتابی باشد که در عهد عتیق نوشته شده است. ملاکی نوشت:

اما برای شما که از اسم من میترسید آفتاب نیکی مطلق طلوع خواهد کرد و بربال های وی شفا خواهد بود و شما بیرون آمده، مانند گوساله های پرواری جست و خیز خواهید کرد. ملاکی 4:2

پرستش هایی برای دوره کردن درس دوم

1) نه دوره تاریخ عهد عتیق که در این درس ذکر شده کدامند؟

2. خداوند چه هشداری به مردم اسرائیل داد ، وقتی آنان مانند سایر ملل خواستار پادشاه انسانی شدند؟

3) با توجه به این درس ، یکی از راحت ترین چیزهایی که می توانیم از عهد عتیق یاد بگیریم چیست؟ مثال هایی کتاب مقدسی از این حقیقت بیان کنید.

درس سوم

فرزندان خدای عهد

مقدمه

قبل از اینکه خداوند زمین را خلق کند، آفرینش بشر را برنامه ریزی نمود. او از طریق پیشدانی خود می دانست که آدم و حوا گناه می کنند، و او آمدن یک نجات دهنده (فدیه دهنده) را برنامه ریزی کرد.

خدا:

*** یک منعقد کننده عهد است**

*** یک نگهدارنده و وفادار به عهد است**

*** خدای آشکار کننده عهد است**

موسی درباره اش نوشت:

پس بدان که یهوه، خدای تو، اوست خدا، خدای امین که عهد و رحمت خود را با آنانی که او را دوست میدارند و

اوامر او را بجا میآورند تا هزار پشت نگاه میدارد. تثنيه 7:9

قبل از آفرینش، خدا با انسان عهدی ابدی بست. این عهد هنوز پابرجاست. این عهد متعلق به ماست! عهد و پیمان های خدا که در عهد عتیق تثبیت شده است، امروز نیز بخشی از زندگی ماست.

تعریف

عهد یک توافق نامه مهم و جدی و لازم الاجراست و یک پیمان بین خدا و قوم اوست. عهد خون، پیمانی است که توسط خون خودش مهر شده باشد و قابل شکستن نیست.

خدا آغازگر این عهد ها بود و آنها را به عنوان مکاشفه ای پیشرونده و مرحله ای از خودش ، از برنامه هایش و از اهدافش به بشر عرضه کرد.

دو نوع

* بدون شرط

عهد دو نوع می باشد - بدون شرط و مشروط. عهد بدون شرط ، تعهدی است که به وسیله خداوند از جانب انسان بر عهده گرفته شده است. این نوع عهد ها صرف نظر از اطاعت یا نافرمانی بشر تحقق می یابد.

* مشروط

سایر عهدها عهدهای مشروط هستند و می تواند توسط بشر پذیرفته یا رد شود. شروط این عهد ها توسط خداوند تعیین شده است ، که تغییرناپذیر است. بنابراین شروط قابل تغییر نیست. مزایای یک عهد مشروط ، فقط از طریق ایمان و اطاعت ، قابل دریافت می باشد.

عهد ابدی (مشروط)

عهد بنیادی

عهد ابدی از ازل با مشورت خدای پدر ، پسر و روح القدس آغاز شد. خداوند خلقت انسان را برنامه ریزی کرد تا آرزویش برای داشتن یک خانواده ابدی را برآورده شود. او برای پسرش عروس و خانواده ای همیشگی خواست که از طریق آن بتواند خود را تکثیر کند.

او که از سرکشی و سقوط آدم و حوا آگاه بود ، بازخرید و نجات آنها را با مرگ پسر خود برنامه ریزی کرد. از طریق بازخرید ، بشر می بایست به تمام آنچه که برایش خلق شده بود بازگردد. زنان و مردانی که بی عیب ، نیکو، کامل و شایسته عروس ابدی برای پسرش خواهند بود.

این همان عهد بنیادی ابدی است که تمام عهدهای زمان بر آن استوار است.

ما :

*** خطاب شده ایم**

عهد ابدی ، هدف و فیض خدا نسبت به انسان را آشکار می کند.

که ما را نجات داد و به دعوت مقدس خواند نه به حسب اعمال ما بلکه بر حسب اراده خود و آن فیضی که قبل از قدیم الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد. اما الحال آشکار گردید به ظهور نجات دهنده ماعیسی مسیح که موت را نیست ساخت و حیات و بی فسادی را روشن گردانید بوسیله انجیل، ۲ تیموتائوس 1: 9 – 10

*** باز خرید شده ایم**

این عهد ، نقشه باز خرید و نجات خدا برای بشر را از طریق ریختن خون پسرش آشکار می کند.

عبرانیان 13:20 پس خدای سلامتی که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهد ابدی از مردگان برخیزانید،

*** از پیش در مسیح تعیین شده ایم**

این عهد ، نقشه خدا را آشکار می کند که انسان خلق خواهد شد و بعدها به شباهت پسر او شکل خواهد گرفت.

زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد. و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد. رومیان 8: 29 – 30

*** یک آینده داریم**

عهد ابدی خدا با انسان ، از ازل آینده ما را رقم زد.

چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی عیب باشیم. افسسیان 1:4

بلکه حکمت خدا را در سری بیان میکنیم، یعنی آن حکمت مخفی را که خدا پیش از دهرها برای جلال ما مقدر فرمود، اقرنتیان 2:7

برکات ما

* حیات ابدی

ما به عنوان ذی نفعان عهد ابدی ، دارای حیات ابدی هستیم. این حیات خود خدا در درون ماست.

به امید حیات جاودانی که خدایی که دروغ نمی تواند گفت، از زمانهای ازلی وعده آن را داد، تیطس 1:2

* محبت او

ما می توانیم محبت او را دریافت کنیم.

خداوند از جای دور به من ظاهر شد (وگفت): «با محبت ازلی تو را دوست داشتم، از این جهت تو را به رحمت

جذب نمودم. ارمیا 31:3

* نیکی مطلق

مطابق با دانیال 9:24

اهداف خدا پایان دادن به گناهان ، کفاره تقصیرات ، به ارمغان آوردن نیکی مطلق ابدی بود.

کار بازخرید و نجات مسیح به خاطر ما این بود که کفاره تقصیرات ، و نیکی مطلق ابدی را به ارمغان بیاورد.

زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم. ۲قرنتیان 5:21

* نام

نامی ابدی به ما داده شده است

اشعیا 5: 56 که به ایشان در خانه خود و در اندرون دیوارهای خویش یادگاری و اسمی بهتر از پسران و دختران

خواهم داد. اسمی جاودانی که منقطع نخواهد شد به ایشان خواهم بخشید.

* پادشاهی

ما بخشی از یک پادشاهی ابدی شدیم.

و ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمانهاست به قوم مقدسان حضرت اعلی داده خواهد شد که

ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او راعبادت و اطاعت خواهند نمود. دانیال 7:27

* خوشی جاودانی

ما خوشی جاودانی داریم.

و فدیة شدگان خداوند بازگشت نموده، با ترنم به صهیون خواهند آمد و خوشی جاودانی بر سر ایشان خواهد بود و شادمانی و خوشی را خواهند یافت و غم و ناله فرار خواهد کرد. اشعیا 51:11

شرط

سهم خدا این بود که همه برکات عهد را تأمین کند. سهم ما چیست؟ چه شروطی وجود دارد برای دریافت عهد ابدی و اینکه ما آن را متعلق به خودمان کنیم، هم برای الان و هم برای تمام ابدیت؟

* ایمان آوردن

فقط یک راه وجود دارد که این عهد ابدی را در زندگی خود دریافت کنیم – از طریق ایمان آوردن.

زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد. یوحنا 3:16

* اطاعت

روشی که ما عهد ابدی را در زندگی خود به طور موثر نگاه می داریم از طریق اطاعت است.

اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. یوحنا 14:15

و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت. عبرانیان 5:9

* مهر و موم شده (مختوم گردیده)

همانطور که عهد ابدی توسط پدر برنامه ریزی شد و توسط پسر اجرا شد، این عهد ابدی توسط روح القدس مهر شده است.

و در وی، شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس وعده مختوم شدید. افسسیان 1:13

عهد عدنی یا عدنیک (مشروط)

عهد عدنی اولین عهدی بود که خداوند وقتی آدم و حوا را آفرید و آنها را در باغ عدن قرار داد منعقد کرد. در آن، او هدف و نقشه خود را برای بشریت آشکار کرد. این عهد، مانند سایر عهدها، هم برکت داشت به خاطر اطاعت و هم لعنت داشت به خاطر نافرمانی.

برکات

و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین میخزند، حکومت کنید.» و خدا گفت: «همانا همه علف های تخم داری که بر روی تمام زمین است و همه درختهایی که در آنها میوه درخت تخم دار است، به شما دادم تا برای شما خوراک باشد. و به همه حیوانات زمین و به همه پرندگان آسمان و به همه حشرات زمین که در آنها حیات است، هر علف سبز را برای خوراک دادم.» و چنین شد. پیدایش 1:28 – 30

شرایط

همانطور که به خاطر اطاعت برکت وجود داشت، یک آزمایش اطاعت از طرف خداوند فراهم شد. اگر آدم و حوا نافرمانی می کردند، لعنت عهد را دریافت می کردند.

و خداوند خدا، آدم را امر فرموده، گفت: «از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.» پیدایش 2:16 – 17

عهد عدنی یا عدنیک، آدم و حوا را در آزمایشی قرار داد تا تعهدات آنان را در مورد شرایط عهد محک بزند.

عهد شکسته شد

بعد از اینکه آدم و حوا میوه را خوردند ، مشارکت آنها با خدا قطع شد. آنها دیگر نمی توانستند با دلیری و بدون ترس در حضور خدا حاضر شوند.

و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار در باغ میخرامید، و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. پیدایش 3:8

* لعنت شدن شیطان

به دلیل شریک بودن شیطان در سقوط بشر ، بر او لعنت قرار گرفت.

پس خداوند خدا، به مار گفت: «چونکه این کار کردی، از جمیع بهایم و از همه حیوانات صحرا ملعون تر هستی! بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد . و عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید.» پیدایش 3:14-15

* لعنت شدن حوا

لعنت بر زنان قرار گرفت.

و به زن گفت: «الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد.» پیدایش 3:16

* لعنت شدن آدم و زمین

لعنت بر آدم قرار گرفت ، بنابراین همه انسان ها ملعون شدند ، و به خاطر آدم زمین لعنت شد. از این روز به بعد ، او مجبور به کار کردن در تمام روزهای زندگی خود می شود و هنگام انجام کار عرق خواهد ریخت و برایش سخت و ناخوشایند خواهد بود.

و به آدم گفت: «چونکه سخن زوجه ات راشنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس بسبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن بارنج خواهی خورد. خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه های صحرا را خواهی خورد، پیدایش 3:17 – 18

به جای اینکه زمین فقط چیزهای خوب به ثمر آورد، خار و خس از آن را بیرون خواهد آمد.

* مرگ

مرگ بر همه خلقت و بشر مستولی گشت.

و به عرق پیشانی ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت.» پیدایش 3:19

* عیسی لعنت ما را بر خود گرفت

ما هرگز نمی توانستیم لیست لعنت هایی که در نتیجه گناه به وجود آمده اند را متوقف کنیم، بدون اینکه بخاطر بسپاریم که عیسی با رنج و مرگ بر روی صلیب، لعنت ما را بر خود گرفت.

مسیح، ما را از لعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دار آویخته شود.» غلاطیان 3:13

عهد با آدم – بعد از سقوط (بدون شرط)

حتی در میان آن لعنت هایی که بر آدم و حوا به خاطر گناهانشان آمد، خداوند به آنها وعده نجات و بازخرید را داد. خداوند با بشر عهد جدیدی بست.

وعده

و عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید.» پیدایش 3:15

خداوند در گفتگو با شیطان گفت که نسل زن سر تو را خواهد کوبید و شیطان پاشنه او را خواهد زد. از همان لحظه ای که شیطان شنید خدا قصد دارد نجات دهنده ای را برای بشر از طریق نسل زن بفرستد ، هدف او نابودی تمام ذریت زن بود.

هرچه از نسل بشر می گذشت ، زنان و مردان خدا را نادیده می گرفتند و روز به روز شریرتر می شدند. شیطان همه تلاش خود را می کرد تا از آمدن "ذریت زن" که (مسیح خداوند) بود و قرار بود بیاید و سر او را بکوبد جلوگیری کند یعنی روح ضد مسیح. این همان روحی بود که در زمان تولد موسی به فرعون وارد شد ، و در زمان تولد عیسی خداوند به هیروودیس پادشاه وارد شد. این روح شیطانی هنوز هم می خواهد نوزادان را بکشد تا نقشه خدا را برای بشر متوقف کند. این امر همچنان باعث کشته شدن نوزادان از طریق سقط جنین می شود.

عهد با نوح – بعد از سیل (مشروط)

برکات

پس از سیل ، خدا با نوح عهدی بست که عهدهای اصلی او را تأیید کرد و مکاشفه کامل تری از نقشه محبت عظیم خود برای نجات بشر را ارائه داد. درست همانطور که خداوند به آدم و حوا اقتدار و سلطه بر همه موجودات روی زمین را داده بود ، آن را به نوح اعطا کرد.

و خدا، نوح و پسرانش را برکت داده، بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. و خوف شما و هیبت شما بر همه حیوانات زمین و بر همه پرندگان آسمان، و بر هرچه بر زمین میخزد، و بر همه ماهیان دریا خواهد بود، به دست شما تسلیم شده اند. پیدایش 1:9 – 2

« پیدایش 9:9 – 10 اینک من عهد خود را با شما و بعداز شما با ذریت شما استوار سازم، و با همه جانورانی که با شما باشند، از پرندگان و بهایم و همه حیوانات زمین با شما، با هرچه از کشتی بیرون آمد، حتی جمیع حیوانات زمین .

دو شرط

* خون نخوردن

خدا به نوح دستور داد که او و خانواده اش نباید خون بخورند.

مگر گوشت را با جانش که خون او باشد، مخورید. پیدایش 9:4

* نکشتن انسان ها

آنها نباید انسان دیگری را بکشند.

پیدایش 9:6 هر که خون انسان ریزد، خون وی به دست انسان ریخته شود. زیرا خدا انسان را به صورت خود ساخت .

حمله بعدی شیطان به نسل بشر در این دو حوزه خواهد بود.

عیسی قرار بود به عنوان یک قربانی انسانی برای همه بشریت بیاید. خون او کفاره همه بشریت خواهد بود.

حالا شیطان چگونه می تواند با این موضوع مبارزه کند؟

با رایج کردن قربانی های انسانی.

همین شیوه ها امروز از طریق شیطان پرستان ادامه دارد. (مثل بمب گذاری های انتحاری در زمان ما)

نشانه قابل رویت این عهد

این عهد نشانه ای مشهود داشت. خدا وعده داد که هرگز دیگر زمین را با سیل نابود نخواهد کرد و رنگین کمان نشانه آن است.

پیدایش 9: 12 – 15 و خدا گفت: «اینست نشان عهدی که من میندم، در میان خود و شما، و همه جانورانی که با شما باشند، نسلا بعد نسل تا به ابد: قوس خود را در ابر میگذارم، و نشان آن عهدی که در میان من و جهان است، خواهد بود. و هنگامی که ابر را بالای زمین گسترانم، و قوس در ابر ظاهر شود، آنگاه عهد خود را که در میان من و شما و همه جانوران ذی جسد میباشد، بیاد خواهم آورد. و آب طوفان دیگر نخواهد بود تا هر ذی جسدی را هلاک کند .

عهد با ابراهیم (مشروط)

همانطوری که بشر قبل از سیل ، بیشتر و بیشتر شریر می شد ، پس از سیل نیز آنها به شرارت خود ادامه دادند. فرزندان نوح در برابر خدا درستکار نبودند و همچنین فرزندان آنان نیز نیکو و راست نبودند.

سپس خدا با ابراهیم صحبت کرد ، او را صدا کرد و عهد خود را با بشر احیاء کرد. اکنون خداوند از برخورد مستقیم با همه بشریت ، همه نوادگان نوح ، به فراخواندن یک خانواده خاص که می بایست نماینده خودش باشد ، روی آورد.

توجه: در چند آیه زیر ، زیر شروط خط کشیده شده است. و برکات در پرانتز می باشد.

و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و (از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خوانند. و از توجیم قبایل جهان برکت خواهند یافت.» (پیدایش 12: 1-3

با اسحاق

خداوند این عهد را با اسحاق تجدید و احیاء کرد.

پیدایش 26: 3-4 در این زمین توقف نما، و (با تو خواهم بود، و تو را برکت خواهم داد، زیرا که به تو و ذریت تو، تمام این زمین را میدهم، و سوگندی را که با پدرت ابراهیم خوردم، استوار خواهم داشت. و ذریت را مانند ستارگان آسمان کثیر گردانم، و تمام این زمینها را به ذریت تو بخشم، و از ذریت تو جمیع امتهای جهان برکت خواهند یافت .)

با یعقوب

خداوند این عهد را با یعقوب تجدید و احیاء کرد.

در حال، خداوند بر سر آن ایستاده، میگوید: «من هستم یهوه، خدای پدرت ابراهیم، و خدای اسحاق. این زمینی را که تو بر آن خفته ای به تو و به ذریت تو میبخشم. و ذریت تو مانند غبار زمین خواهند شد، و به مغرب و مشرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد، و از تو و از نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت. پیدایش 28: 13-14

با ما

خداوند این عهد را با ما تجدید و احیاء کرد.

(تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امتها آید و تا وعده روح را) به وسیله ایمان حاصل کنیم. غلاطیان 3:14

غلاطیان 3: 28-29 هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شمار مسیح عیسی یک میباشید. اما اگر شما از آن مسیح میباشید، هر آینه (نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید.)

با ایمان و اطاعت ، ما به عنوان فرزندان عهد خدا می توانیم در همه برکات عهد ابراهیم ، اسحاق و یعقوب گام برداریم.

عهد با موسی (مشروط)

ذریت ابراهیم چند برابر شد ، و سپس در یک زمانی که قحطی شد ، خداوند آنها را به مصر منتقل کرد. در ابتدا آنان مهمان بودند ، اما سپس برده گردیدند. سرانجام پس از چهارصد سال ، خداوند موسی را فراخواند تا قوم خود را از بردگی بیرون آورد و به کامیابی بازگرداند.

و خداوند گفت: «هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم، و استغاثه ایشان را از دست سرکاران ایشان شنیدم، زیرا غمهای ایشان رامی دانم. و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم، و ایشان را از آن زمین به زمین نیکو و وسیع برآورم، به زمینی که به شیر و شهد جاری است، به مکان کنعانیان و حتیان و اموریان و فرزندان و حویان و یبوسیان. خروج 3: 7-8

ما می خواهیم از تمام اتفاقاتی که از این زمان تا سه ماه پس از رهایی قوم اسرائیل از سرزمین مصر گذشته، بگذریم.

عهدی که تعیین شد

خروج 3: 19-6 و موسی نزد خدا بالا رفت، و خداوند از میان کوه اورا ندا درداد و گفت: «به خاندان یعقوب چنین بگو، و بنی اسرائیل را خبر بده: شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده اید، و چگونه شما را بربال های عقاب برداشته، نزد خود آورده ام. واکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، (همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود.)

ما نیز به عنوان فرزندان عهدی خدا، بر روی "بال عقاب" قرار گرفتیم و از اسارت بیرون آمدیم. اگر صدای او را شنیده اطاعت کنیم و عهد او را نگاه داریم، ما نیز برای خدا گنجینه و خزانه خاصی خواهیم بود. ما به عنوان فرزندان عهد، همچنین مملکت کهنه و امتی مقدس هستیم.

عهد با قوم اسرائیل (مشروط)

قوم اسرائیل در بیابان بودند و خدا به آنها شریعت را داده بود. اگر شریعت را رعایت می کردند برکات و اگر رعایت نمی کردند لعنت ها به آنان می رسید.

برکات و لعنت های این عهد در **تثنیه 28:1-68** داده شده است . این برکات و لعنت ها برای ابراهیم و همه نوادگان او بود. آنها به قوم اسرائیل منتقل شدند و سپس در عهد جدید به ما گفته شد که ما فرزندان ابراهیم هستیم و این برکات می تواند از آن ما باشد.

برکات

چگونه قوم اسرائیل این برکات را دریافت می کردند؟ با اطاعت از صدای خداوند.

تثنیه 28: 1 - 2 اگر آواز یهوه خدای خود را به دقت بشنوی تا هوشیار شده، تمامی اوامر او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه یهوه خدایت تو را بر جمیع امت های جهان بلند خواهد گردانید. 2و تمامی این برکتها به تو خواهد رسید و تو را خواهد دریافت، اگر آواز یهوه خدای خود را بشنوی.

اگر از صدای خداوند اطاعت کنیم ، اگر احکام او را به دقت رعایت کنیم ، برکات را به طور طبیعی به دنبال خواهد داشت. آنها بر ما خواهند آمد و از ما پیشی خواهند گرفت!

تثنیه 28: 3-14 را بخوانید و ضماین شخصی خود را جایگزین کنید. مثلا:

در شهر، مبارک و در صحرا، مبارک خواهی بود. میوه بطن من و میوه زمین من و میوه بهایم من و بچه های گاو و بره های گله من مبارک خواهند بود.....

شروط :

چرا قوم اسرائیل لعنت ها را دریافت می کرد؟

زیرا آنها از صدای او اطاعت نکردند آنها فرمان و احکام او را رعایت نکردند.

«و اما اگر آواز یهوه خدای خود را نشنوی تا هوشیار شده، همه اوامر و فرایض او را که من امروز به تو امر می فرمایم بجا آوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید، و تو را خواهد دریافت. تثنیه 28:15

اگر ما ، به عنوان فرزندان عهد خدا ، "با دقت" صدای خداوند را شنیده اطاعت کنیم و همه احکام او را به دقت رعایت کنیم ، پس ما نیز برکات را دریافت می کنیم. خداوند گنجینه نیکوی خود را به روی ما گشوده و عمل دست های ما را برکت خواهد داد.

عهد با داود (بدون شرط)

خدا وعده آمدن ذریتی که به آدم و حوا و ابراهیم داده بود را دوباره تجدید و احیاء نمود .

زیرا روزهای تو تمام خواهد شد و با پدران خود خواهی خوابید و ذریت تو را که از صلب تو بیرون آید، بعد از تو استوار خواهیم ساخت، و سلطنت او را پایدار خواهیم نمود. او برای اسم من خانه ای بنا خواهد نمود و کرسی سلطنت او را تا به ابد پایدار خواهیم ساخت . ۲ سموئیل 7: 12 – 13

وعده

ذریت (مسیح) از طریق داود خواهد آمد ، و او پادشاهی را تأسیس خواهد کرد که تا به ابد پایدار است .به عنوان عضوی از عهد ابدی ، ما منتظر ذریت موعود نیستیم. ما با ایمان می پذیریم که عیسی همان وعده موعود است. ما به عنوان فرزندان عهد ، می توانیم پادشاهی خدا را که بر روی زمین مستقر شده است ، ببینیم. ما به عنوان پادشاهان با تسلط بر این زمین و همه چیز در آن می توانیم سلطنت کنیم. ما می توانیم هدف خالق را برای زندگی خود تحقق بخشیم. ما می توانیم در برکت عهد ابدی خود با خدا قدم برداریم. شرایط هنوز هم یکسان است - ایمان و اطاعت.

پرسش هایی برای دوره کردن درس سوم

1) تفاوت عهد مشروط و بدون شرط را شرح دهید؟

2) عهد های مطرح شده در این درس را به صورت فهرست بنویسید؟

3. چرا امروزه درک این عهد ها برای شما مهم است؟

پیشگویی های مهم انبیا درباره مسیح

پیشگویی گفته شده	موضوع پیشگویی	تحقق پیشگویی
پیدایش 15:3	از نسل یک زن	غلاطیان 4: 4
پیدایش 3: 12	از نسل ابراهیم	متی 1: 1
پیدایش 19:17	از نسل اسحاق	لوقا 34:3
اعداد 17:24	پادشاهی از نسل یعقوب	متی 2: 1
پیدایش 10:49	پادشاهی از طایفه یهودا	لوقا 33:3
اول سموئیل 10:2	پادشاه خواهد بود	لوقا 38:19
اشعیا 7: 9	وارث تاج و تخت داود	لوقا 33-32: 1
مزامیر 7-6: 45	مسح شده و ابدی	عبرانیان 12-8: 1
میکا 2: 5	در بیت لحم به دنیا می آید	لوقا 7-4: 2
اشعیا 14:7	از باکره متولد شدن	لوقا 31-26: 1
ارمیا 31:15	قتل عام نوزادان	متی 2: 16
هوشع 1: 11	فرار به مصر	متی 2: 14-15
ملاکی 1: 3	فرستادن قاصدی قبل از او	لوقا 27 - 24: 7
مزامیر 7: 2	پسر خدا خوانده خواهد شد	متی 3: 17
اشعیا 9: 1-2	خدمت کردن جلیلیان	متی 16-13: 4
اشعیا 2: 11	برخی از خصوصیات او	لوقا 52:2
مزامیر 4-2: 78	با مثل ها صحبت می کند	متی 13: 34-35
تثنیه 15:18	نبی ای خواهد بود مانند موسی	اعمال رسولان 22-20: 3
اشعیا 61: 2-1	شکسته دلان را التیام می بخشد	لوقا 19-18: 4
اشعیا 53: 3	توسط قوم خودش رد شد	یوحنا 11:1
مزامیر 4: 110	کاهنی به رتبه ملکيصدق	عبرانیان 5: 5-6
زکریا 9: 9	ورود مظفرانه (هوشیعانا)	مرقس 9-7: 11
دانیل 25:9	زمان ورود مظفرانه	لوقا 2: 2-1؛ 3: 3؛ 23؛ 19: 42

متی 21: 15-16	توسط کودکان مورد ستایش قرار می گیرد	مزامیر 8: 2
یوحنا 12: 37-38	او را باور نمی کنند	اشعیا 53: 1
لوقا 22: 47-48	دوست نزدیکش به او خیانت کرد	مزامیر 41: 9
متی 26: 14-15	به خاطر 30 پاره نقره به او خیانت شد	زکریا 12: 11
متی 27: 6-7	پول پس داده شده / مزرعه کوزه گر	زکریا 13: 11
اعمال 1: 18-20	منصب یهودا به دیگری واگذار می شود	مزامیر 109: 8-7
متی 26: 60-61	شاهدان دروغین به او تهمت زدند	مزامیر 22: 8-7
مرقس 14: 57-58	توسط شاهدان دروغین متهم گردید	مزامیر 35: 11
مارک 15: 4-5	سکوت در برابر اتهامات	اشعیا 53: 7
متی 26: 67	روی او آب دهان انداختند و سیلی زدند	اشعیا 50: 6
متی 26: 67	بی سبب از او بیزارند	مزامیر 35: 19
یوحنا 15: 23-25	بی سبب و بدون دلیل از او نفرت دارند	مزامیر 69: 4
رومیان 5: 6-8	قربانی جایگزین (به جای ما)	اشعیا 53: 5
مرقس 15: 27-28	مصلوب شدن با جنایتکاران	اشعیا 53: 12
یوحنا 19: 27، 34-37	پهلوی او را نیزه می زنند	زکریا 10: 12
یوحنا 20: 25-27	دست ها و پاهای او را سوراخ کردند	مزامیر 22: 8-7
لوقا 23: 35	او را مسخره می کنند و و پوزخند می زنند	مزامیر 22: 8-7
رومیان 15: 3	او را ملامت می کنند	مزامیر 69: 9
لوقا 23: 34	برای دشمنانش دعا کرد	مزامیر 109: 4
متی 27: 35-36	برای لباس او قرعه انداختند	مزامیر 22: 18-17
متی 27: 46	خدا او را ترک کرد	مزامیر 22: 1
یوحنا 19: 32-36	استخوانی از استخوانهایش شکسته نشد	مزامیر 34: 20
متی 27: 34	زردآبه و سرکه دادن تا بنوشد	مزامیر 69: 21
متی 27: 57-60	با ثروتمندان دفن شد	اشعیا 53: 9
مرقس 16: 6-7	از مردگان برخاست	مزامیر 16: 10
مرقس 16: 19	به دست راست خدا صعود نمود	مزامیر 68: 18

درس چهارم

مسیح خداوند در عهد عتیق آشکار گردید

برخی عهد عتیق را یک کتاب تاریخی خطاب می کنند. درسته که تاریخی است - اما بیشتر از آن "داستان او" می باشد. از زمان پیدایش جهان و بشریت ، هنگامی که خداوند فرمود ، انسان را به شباهت خود بسازیم ، تا سقوط قوم اسرائیل ، مسیح در هر کتابی آشکار و مکاشفه می شود.

330 پیشگویی در مورد مسیح موعود در عهد عتیق وجود دارد. ماهیت آنها در ابتدا به صورت کلی شروع شدند ، اما هرچه زمان می گذشت ، مشخص و جزئی تر می شدند.

تحقق این پیشگویی های حیرت انگیز در شخص عیسی مسیح ، اثبات انکارناپذیری بر این است که عیسی ، پسر خدا و خداوند است یعنی کسی که فرستاده شده است تا بشر را از مجازات های گناه ، باز خرید و رهایی بخشد.

توجه: برای صرفه جویی در فضای این درس ، ما در همه جا آیات تحقق یافته شده در عهد جدید را ارائه ندادیم. ولی آنها در نمودار صفحه قبل ذکر شده اند.

آمدن مسیح خداوند

ذریت زن

همانطور که قبلاً ذکر شد ، اولین پیشگویی درباره عیسی مسیح خداوند این بود که او باید از نسل زن باشد.

وعداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم؛ او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را

خواهی کوبید» پیدایش 3:15

پولس به تحقق این پیشگویی اشاره کرد:

لیکن چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاییده شد و زیر شریعت متولد، غلاطیان 4:4

آمدن مسیح خداوند به آدم و حوا، ابراهیم، اسحاق، یعقوب و داود وعده داده شد. در ابتدا، به نظر می رسید که ذریت وعده داده شده می تواند از هر زنی باشد اما پیشگویی ها ریزتر و مشخص تر شدند. این وعده در فرزندان ابراهیم تحقق می یابد یعنی از اسحاق - از یعقوب - از داود. پیشگویی های اجداد او بیشتر و بیشتر مشخص می شد.

در بیت لحم متولد می شود

پیشگویی شده بود که مسیح در بیت لحم متولد می شود و عیسی خداوند نیز چنین شد. و توای بیت لحم افراته اگرچه در هزاره های یهودا کوچک هستی، از تو برای من کسی بیرون خواهد آمد که بر قوم من اسرائیل حکمرانی خواهد نمود و طلوع های او از قدیم و از ایام ازل بوده است. میکا 5:2

و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. زیرا که او از خاندان و آل داود بود. تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد. و وقتی که ایشان در آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده، پسر نخستین خود رازایید. و او را در قنداقه پیچیده، در آخور خوابانید. زیرا که برای ایشان در منزل جای نبود. لوقا 2:4 - 7

نبی ای مانند موسی

مسیح خداوند مانند موسی نبی خواهد بود.

تثنیه 15: 18 **یهُوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوید.**

کاهنی مانند ملک‌یصدق

او کاهنی به رتبه ملک‌یصدق می باشد.

مزامیر 4: 110 خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که تو کاهن هستی تا ابدآباد، به رتبه ملک‌یصدق.

پادشاهی مانند داود

او وارث تاج و تخت داود می باشد.

ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داود و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آن را به انصاف و عدالت از الان تا ابدآباد ثابت و استوار نماید. غیرت یهوه صباوت این را بجا خواهد آورد. اشعیا 9:7

او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی، مسمی شود، و خداوند خدا، تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد فرمود. و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود «لوقا 1: 32 – 33

زمان آمدن

پیشگویی شده بود که مسیح در زمان خاصی از تاریخ می آید. او خودش را به عنوان پادشاه اسرائیل معرفی می کند و طرد می شود.

پس بدان و بفهم که از صدور فرمان به جهت تعمیر نمودن و بناکردن اورشلیم تا (ظهور) مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود و (اورشلیم) با کوچه ها و حصار در زمانهای تنگی تعمیر و بنا خواهد شد. و بعد از آن شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد گردید و از آن او نخواهد بود، بلکه قوم آن رئیس که میآید شهر و قدس را خراب خواهند ساخت و آخر او در آن سیلاب خواهد بود و تا آخر جنگ خرابیها معین است. دانیال 9: 25 – 26

پیشگویی های داود

به نظر می رسد داود بیش از بقیه انبیاء درد و رنج مسیح خداوند را درک کرده و به آن ورود می کند. او از طریق رنج و عذاب خود، بینشی در مورد احساسات حقیقی مسیح خداوند زمانی که بر صلیب میخکوب شده است به ما می دهد - حتی زمانی که در اعماق زمین بود. او بازگشت عیسی خداوند را بر کرسی و تخت آسمانی در اعلیٰ علیین توصیف می کند.

پیشگویی های خیانت به او

* یک دوست به او خیانت می کند

داود پیشگویی کرد که یک دوست به عیسی خداوند خیانت خواهد کرد، عمر این دوست کم خواهد بود و دیگری جایگزین وی خواهد شد.

و آن دوست خالص من که بر او اعتماد میداشتم که نان مرا نیز میخورد، پاشنه خود را بر من بلند کرد. مزامیر 41:9
ایام عمرش کم شود و منصب او را دیگری ضبط نماید. مزامیر 8: 109

* شاهدان دروغین او را متهم می کنند

داود پیشگویی کرد که آنها شهادت دروغین علیه او خواهند داد.

مرا به خواهش خصمانم مسپار، زیرا که شهود کذب و دمنندگان ظلم بر من برخاسته اند. مزامیر 27:12

متی این پیشگویی را تأیید می کند:

لیکن نیافتند. با آنکه چند شاهد دروغ پیش آمدند، هیچ نیافتند. آخر دو نفر آمده، گفتند: «این شخص گفت:

"می توانم هیكل خدا را خراب کنم و در سه روزش بنا نمایم" متی 26: 60 - 61

***بی سبب از او نفرت خواهند داشت**

بی سبب مورد نفرت قرار خواهد گرفت.

آنانی که بی سبب از من نفرت دارند، از موی های سرم زیاده اند و دشمنان ناحق من که قصد هلاکت من دارند زور آورند. پس آنچه نگرفته بودم، رد کردم. مزامیر 69:4

یوحنا این پیشگویی را تأیید کرد و حتی از آن نقل قول کرد:

هر که مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد. و اگر در میان ایشان کارهایی نکرده بودم که غیر از من کسی هرگز نکرده بود، گناه نمی داشتند. ولیکن اکنون دیدند و دشمن داشتند مرا و پدر مرا نیز. بلکه تا تمام شود کلامی که در شریعت ایشان مکتوب است که "مرا بی سبب دشمن داشتند" یوحنا 15: 23 – 25

پیشگویی های مصلوب شدن عیسی خداوند

پیشگویی های بسیاری درباره مصلوب شدن عیسی خداوند وجود دارد. این تحقق در **متی باب 27**، **مرقس باب 15**، **لوقا باب 23**، **یوحنا باب 19** یافت می شود.

*** دستها و پایهای او را سفته اند**

*** سربازان برای لباس او قرعه انداختند**

زیراسگان دور مرا گرفته اند. جماعت اشرار مرا احاطه کرده، دستها و پایهای مرا سفته اند. همه استخوانهای خود را می شمارم. ایشان به من چشم دوخته، مینگرند. رخت مرا در میان خود تقسیم کردند. و بر لباس من قرعه انداختند. اما توای خداوند دور مباش. ای قوت من برای نصرت من شتاب کن. مزامیر 22: 16 – 19

*** مورد سرزنش، تحقیر و استهزا واقع می گردد**

*** کلام پیشگویی و نبوی در مورد تمسخر پی در پی تکرار می شود**
و اما من کرم هستم و انسان نی. عار آدمیان هستم و حقیر شمرده شده قوم. هر که مرا بیند به من استهزا میکند.
لبهای خود را باز میکنند و سرهای خود را میجانبانند (و میگویند): «بر خداوند توکل کن پس او را خلاصی بدهد. او
را برهاند چونکه به وی رغبت میدارد.» مزامیر 22: 6 – 8

*** زردآب و سرکه به او دادند**
مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند. مزامیر 21: 69

*** برای دشمنانش دعا می کند**
به عوض محبت من، با من مخالفت میکنند، و اما من دعا. و به عوض نیکویی به من بدی کرده اند. و به عوض
محبت، عداوت نموده. مزامیر 109: 4 – 5

*** استخوانی از او شکسته نمی شود**
همه استخوانهای ایشان را نگاه میدارد، که یکی از آنها شکسته نخواهد شد. مزامیر 20: 34

زنده شدن او از مردگان / صعود او

تحقق این پیشگویی ها در متی باب 28، مرقس باب 16، لوقا باب 24 و یوحنا باب 20 یافت می شود.
زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند. مزامیر 10: 16

*** حتی در مرگ**
عیسی خداوند حتی هنگام مرگ می دانست که خدا روح خود را در اعماق زمین رها نخواهد کرد. داود افکار خود
را در این لحظه به ما می گوید.

مزامیر 10: 16 زیرا جانم را در عالم اموات ترک نخواهی کرد، و قدوس خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند.

* پیروزی و ظفر

داود حتی توصیف شگفت انگیزی از بازگشت عیسی خداوند به جایگاه تخت آسمانی در اعلیٰ علین به ما ارائه داده است.

ای دروازه ها سرهای خود را برافرازد! ای درهای ابدی برافراشته شوید تا پادشاه جلال داخل شود! این پادشاه جلال کیست؟ خداوند قدیر و جبار؟ خداوند که در جنگ جبار است. ای دروازه ها، سرهای خود را برافرازد! ای درهای ابدی برافرازد تا پادشاه جلال داخل شود! این پادشاه جلال کیست؟ یهوه صباوت پادشاه جلال اوست.
سلا. مزامیر 7:24 – 10

بر اعلیٰ علین صعود کرده، و اسیران را به اسیری برده ای. از آدمیان بخشها گرفته ای. بلکه از فتنه انگیزان نیز تا یهوه خدا در ایشان مسکن گیرد. مزامیر 68:18

پیشگویی های اشعیا

جزئیات پیشگویی های اشعیا بسیار جالب است. **اشعیا باب 53** کاملترین توصیف درباره مرگ عیسی را بیان می کند. آنقدر دقیق و با جزئیات بود که رهبران مذهبی یهود در ابتدا ادعا کردند که بخشی از کتاب مقدس آنها نبوده است - که توسط مسیحیان یهودی اضافه شده است.

در سال 1947، طومارهایی در غارهای منطقه دریای مرده کشف شد. که قدیمی ترین طومارهای کتاب مقدس است که تاکنون یافت شده است. و تنها یک طومار از ابتدا تا انتها سالم بدون کم و کاستی باقی مانده بود و آن نوشته های اشعیا بود که شامل باب 53 نیز بود.

قبل از ادامه مشخصات پیشگویی اشعیا نبی، باب 53 اشعیا را بخوانید.

عیسی خداوند هنگامی که از **اشعیا 61:1-2** نقل نمود با پیشگویی های اشعیا یکی شد.

لوقا 4: 18 - 19 روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرا فرستاد تا شکسته دلان را شفا بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بینایی موعظه کنم و تا کوییدگان را آزاد سازم، و از سال پسندیده خداوند موعظه کنم.

تاریخچه عیسی خداوند

برخی از پیشگویی های عهد عتیق درباره عیسی به تولد منحصر به فرد، نسب خانوادگی و مسح او مربوط می شود.

* تولد از باکره

بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زاید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند. اشعیا 7:14

* نسب خانوادگی

و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت. اشعیا 11:1

* مسح

و روح خداوند بر او قرار خواهدگرفت ... اشعیا 11:2

روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است اشعیا 1: 61

مشخصات و منش عیسی خداوند

* حکمت

و روح خداوند بر او قرار خواهدگرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند. اشعیا 11:2

* فهم و بینش روحانی

وخوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش تنبیه نخواهد نمود. اشعیا 11:3

عدالت

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، برآستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت. اشعیا 11:4

نیکی مطلق

و کمر بند کمرش، نیکی مطلق خواهد بود و کمر بند میانش، امانت. اشعیا 11:5

آرامش و متانت

او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آن را در کوچه ها نخواهد شنواید. اشعیا 42:2

او مظلوم شد اما تواضع نموده، دهان خود را ننگشود. مثل بره ای که برای ذبح میبرند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده اش بیزبان است همچنان دهان خود را ننگشود. اشعیا 53:7

ملایمت

اشعیا 42:3 نی خرد شده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را خاموشی نخواهد ساخت تا عدالت را به راستی صادر گرداند.

پشتکار و استقامت

اشعیا 42:4 او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره ها منتظر شریعت او باشند.

تابندگی و درخشش

«من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امتهای خواهم گردانید. اشعیا 42:6

اشعیا 2:9 قومی که در تاریکی سالک میبودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد .

* شفقت و دلسوزی

لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم . اشعیا 4:53

* فروتنی و حلم

او مظلوم شد اما تواضع نموده، دهان خود را نگشود. مثل بره ای که برای ذبح میبرند و مانند گوسفندی که نزد پشم برنده اش بی زبان است همچنان دهان خود را نگشود . اشعیا 7:53

* به جای ما رنج کشید

اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت. آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود . اشعیا 10:53

* هیچ گناهی نکرد

و قبر او را با شریران تعیین نمودند و بعد از مردنش با دولت‌مندان. هر چند هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حيله ای نبود . اشعیا 9:53

* عظمت و بزرگی

بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهیم داد و غنیمت را بازور آوران تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود . اشعیا 12:53

* قدرت نجات بخشیدن

ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. و بنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویش حمل خواهد نمود . اشعیا 11:53

ماموریت عیسی خداوند

* روشن ساختن (پرده برداری)

اشعیا 9:2 قومی که در تاریکی سالک میبودند، نور عظیمی خواهند دید و بر ساکنان زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد .

* داوری

وخوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوشهای خویش تنبیه نخواهد نمود . اشعیا 11:3

* سرزنش و توبیخ نمودن

بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، برآستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لبهای خود خواهد کشت . اشعیا 11:4

* حکم و فرمان دهنده

اشعیا 42:4 او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد و جزیره ها منتظر شریعت او باشند .

* رستگار و آزادکننده

تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری . اشعیا 42:7

* حمل کننده بارهای ما

لکن او غم های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خویش حمل نمود. و ما او را از جانب خدا زحمت کشیده و مضروب و مبتلا گمان بردیم . اشعیا 53:4

*** حمل کننده گناه ما**

جمع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمع ما را بر وی نهاد. اشعیا 53:6

*** شفیع و میانجی ما**

بنابراین او را در میان بزرگان نصیب خواهیم داد و غنیمت را بازور آوران تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود. اشعیا 53:12

*** تنها نجات دهنده**

و حال آنکه به سبب تقصیرهای مامجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید. و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ماسفا یافتیم. اشعیا 53:5

*** شفا دهنده**

... و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخمهای او ماسفا یافتیم. اشعیا 53:5

القاب عیسی خداوند

*** عمانوئیل**

بنابراین خود خداوند به شما آیتی خواهد داد: اینک باکره حامله شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهد خواند. اشعیا 7:14

*** عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی**

زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد. اشعیا 9:6

* پادشاه نیکو

اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود و سروران به انصاف حکمرانی خواهند کرد. اشعیا 32:1

* شخص برگزیده من

اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او مینهم تا انصاف را برای امتها صادر سازد. اشعیا 42:1

* بازوی خداوند

کیست که خبر ما را تصدیق نموده و کیست که ساعد خداوند بر او منکشف شده باشد؟ اشعیا 53:1

* مبشر و واعظ مسح شده

روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم. اشعیا 61:1

خلاصه

330 مورد پیشگویی عهد عتیق ، گویای مسیح موعود است که همگی آن ها در مسیح خداوند تحقق یافت. غیرممکن است که این حجم و تعداد زیاد از پیشگویی ها " به طور تصادفی " در یک مرد تحقق یافته باشد و نمی تواند اتفاقی بوده باشد. عیسی پسر خداست. او کسی است که در سرتاسر عهد عتیق به تصویر کشیده شده است. او ناجی بشریت است.

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس چهارم

(1) اولین پیشگویی ثبت شده در کتاب مقدس درباره مسیح موعود چه بود؟ چگونه مشخص تر شد؟

(2) سه پیشگویی موجود در کتاب مقدس را ذکر کنید که نشان می‌دهد مسیح موعود به عنوان نبی، کاهن و پادشاه عمل می‌کند؟

(3) دو پیشگویی مهم را، هم از کتاب مزامیر و هم از کتاب اشعیا ذکر کنید که جنبه اصلی عمل باز خرید عیسی مسیح موعود را نشان می‌دهد؟

خیمه موسی

1) قدس الاقداس - خدای پدر

سالی یک بار برای کاهن اعظم باز می شد

اسباب و لوازم:

F صندوق عهد - حضور خدا

G صندلی رحمت - کرسی یا تخت خدا

2) مکان اقدس (قدس) - خدای پسر

فقط برای کاهنان باز بود

اسباب و لوازم:

C میز نان تقدّمه - عیسی خداوند، نان حیات

D چراغدان طلایی - عیسی خداوند، نور جهان

E مذبح سوزاندن بخور - عیسی خداوند، شفیع (شفاعت کننده)

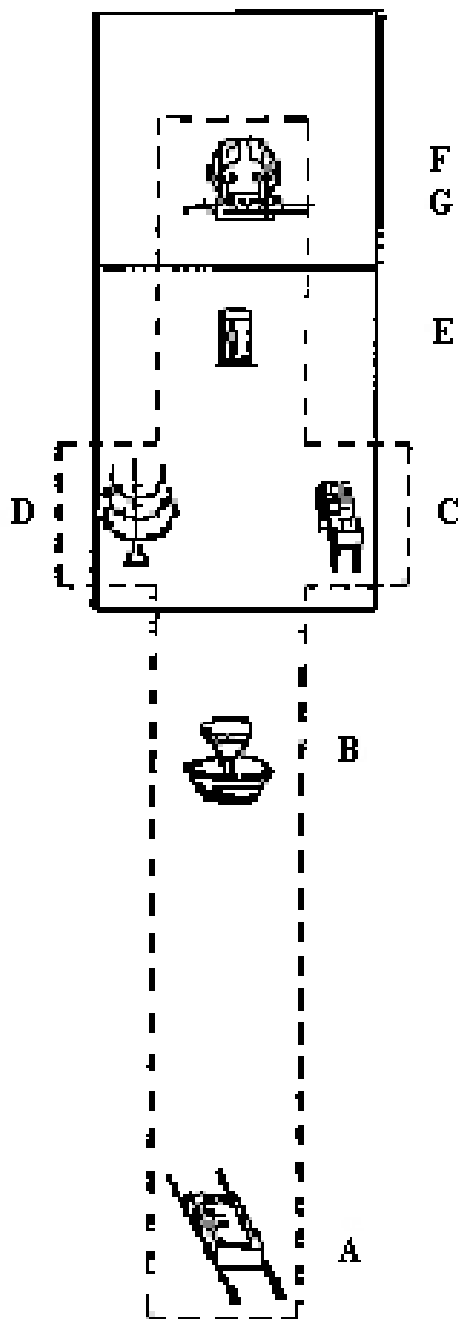
3) صحن یا حیاط بیرونی - خدای روح القدس

به روی همه ایمانداران باز است

اسباب و لوازم:

A مذبح قربانی - عیسی خداوند، عالی ترین قربانی

B حوضچه برنزی - عیسی همان کلام خدا که تطهیر می کند



مسکن خدا در روح – سمبلی از کلیسا

افسیان 2: 19 – 22 پس، از این به بعد غریب و اجنبی نیستید، بلکه هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه خدا. 20 و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده‌اید، که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است. 21 که در وی تمامی عمارت با هم مرتب شده، به هیكل مقدس در خداوند نمو می‌کند. 22 و در وی شما نیز با هم بنا کرده می‌شوید تا در روح مسکن خدا شوید.

معبد خدا – سمبلی از ایمانداران

دوم قرن 16: 6 ... زیرا شما هیكل خدای حی می‌باشید، چنانکه خدا گفت که، در ایشان ساکن خواهیم بود و در ایشان راه خواهیم رفت و خدای ایشان خواهیم بود، و ایشان قوم من خواهند بود.

نمونه و الگوهای چیزهای آسمانی

عبرانیان 5: 8 و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند، چنانکه موسی ملهم شد، هنگامی که عازم بود که خیمه را بسازد، زیرا بدو می‌گوید، آگاه باش که همه چیز را به آن نمونه‌ای که در کوه به تو نشان داده شد بسازی.

عبرانیان 23: 9 پس لازم بود که مثل‌های چیزهای سماوی به اینها ظاهر شود، لکن خود سماویات به قربانی‌های نیکوتر از اینها.

درس پنجم

الگوهای برای پرستش و خدمت

نمادها ، الگوها و سایه ها

نماد: از پیش نشان دادن آنچه در آینده واقع می گردد (اولین نمونه از هر چیز).

سمبل : نشان دهنده چیزهای دیگری است که به زمان وابسته نیست. شما می توانید سمبل ها را در نمادها داشته باشید ، اما نمادها درون سمبل ها قرار نمی گیرند.

مثال ها:

عید فصح - نمادی از رهایی گناهکاران توسط قربانی مسیح خداوند است.

بره فصح - سمبلی از مسیح خداوند

در سراسر عهد عتیق ، خداوند نمادها ، الگوها و سایه هایی را از نجات دهنده موعود ، ارائه داده است.

خداوند بلافاصله پس از خروج بنی اسرائیل از مصر ، شریعت را به موسی داد. آنها تا زمانی که مجموعه واحدی از قوانین را که می بایست تحت آن عمل کنند را نداشته باشند ، نمی توانستند یک کشور شوند. این شریعت دارای دو قسمت بود - یکی برای محافظت مردم از طریق قوانین مدنی و پرهیزهای غذایی - دیگری برای فراهم کردن نجات از طریق شخص عیسی مسیح خداوند بود. شریعت به مسیح خداوند اشاره داشت.

خداوند همچنین دستوراتی دقیق برای ساخت خیمه ، به موسی داد. هر قسمت از خیمه سمبل بود. هر قسمت از زندگی و مرگ مسیح موعود صحبت می کرد. در این درس ، ما به مطالعه خیمه و هدایا می پردازیم. عیسی خداوند فرمود او نیامده است تا شریعت را باطل کند بلکه تا به انجام رساند.

گمان مبرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم. نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم. متی 5:17

برای درک آیاتی از قبیل آیات زیر لازم است که در مورد خیمه ، هدایا ، اعیاد و کاهنان بدانیم.

پس مقصود عمده از این کلام این است که برای ما چنین رئیس کهنه ای هست که در آسمانها به دست راست تخت کبریا نشسته است، که خادم مکان اقدس و آن خیمه حقیقی است که خداوند آن را برپا نمود نه انسان. زیرا که هر رئیس کهنه مقرر میشود تا هدایا و قربانی ها بگذراند؛ و از این جهت واجب است که او را نیز چیزی باشد که بگذراند. عبرانیان 1:8 – 3

عبرانیان 5:8 و ایشان شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می کنند، چنانکه موسی ملهم شد، هنگامی که عازم بود که خیمه را بسازد، زیرا بدو می گوید، آگاه باش که همه چیز را به آن نمونه ای که در کوه به تو نشان داده شد بسازی.

خیمه (موسی)

الگوی ساخت خیمه به موسی داده شد - اندازه گیری ها ، چوب ، مواد ، طلا و نقره ، جواهرات ، پارچه کتان و پشم. همه آنها معانی مشخصی داشتند - همگی آنها به مسیح اشاره داشتند.

سه بخش

خیمه به سه بخش تقسیم می شد که سمبلی از سه شخص متمایز خدا بود یعنی : پدر ، پسر و روح القدس. آنها همچنین سمبلی از جسم ، نفس و روح انسان بودند.

* صحن (حیات بیرونی)

اولین منطقه صحن بود. همه مردم می توانستند به صحن بروند - هم یهودیان و هم غیر یهودیانی که به یهودیت روی آورده بودند. صحن نشان دهنده روح القدس است که با همه بشریت کار می کند تا آنها را به مسیح خداوند برساند.

*** مکان اقدس (قدس)**

کاهنان می توانستند به مکان اقدس بروند. آنها در صحن و همچنین در مکان اقدس قربانی تقدیم می کردند. قدس یا مکان اقدس نشان دهنده عیسی خداوند است که قربانی ماست.

*** قدس الاقداس**

فقط کاهن اعظم می توانست در روز کفاره به قدس الاقداس وارد شود. او قبل از ورود به قدس الاقداس مدتی را صرف تقدیس نمودن خود می کرد تا برای قوم قربانی ارائه دهد. اگر گناهی در زندگی او وجود داشت ، او می مرد. قدس الاقداس نشان دهنده حضور خداوند است.

قدس الاقداس با یک پرده یا حجاب بسیار ضخیم و بافته شده ، از قدس (مکان اقدس) جدا می شد. هنگامی که عیسی خداوند بر روی صلیب جان سپرد ، این حجاب به طور فراطبیعی از بالا به پایین پاره شد ، و این بدان معناست که دیگر نیازی به یک جداکننده قدس الاقداس وجود ندارد. دیگر نیازی به حضور یک کاهن در حضور خدا برای ما نیست! عیسی خداوند کاهن اعظم ما شد و ما می توانیم مستقیماً نزد او بیاییم. ما می توانیم با دلیری در محضر خدا حاضر شویم.

عیسی باز به آواز بلند صیحه زده، روح را تسلیم نمود. که ناگاه پرده هیكل از سر تا پا دو پاره شد و زمین متزلزل و سنگها شکافته گردید، متی 27: 50 – 51

وقتی عیسی خداوند برای تمام دنیا قربانی شد ، دیگر نیازی به معبد یا خیمه وجود نداشت. هدف آن دو در او تحقق یافت. همگی اسباب و لوازم ، اعیاد ، هدایا و کاهنان تصویری از عیسی خداوند و آنچه او برای بشر انجام خواهد داد ، بودند.

امروز ، وقتی وارد ستایش و سپس پرستش می شویم ، خوب است که سه تقسیم خیمه را به یاد بیاوریم. آنها نمایانگر نحوه حضور ما در محضر خدا هستند. اول : با شکرگذاری وارد دروازه ها می شویم. دوم : ما با ستایش آنچه او برای ما انجام داده است وارد صحن های او می شویم. سرانجام ، ما وارد قدس الاقداس می شویم ، و وقت خود را صرف پرستش خداوند برای آنچه که هست می نمایم .

اسباب و لوازم

هر اثاثیه ای که در خیمه وجود داشت نمایانگر عیسی خداوند بود که آن ها به عنوان نمایه های فیزیکی از نجات دهنده بشریت طراحی شده بودند ، متریال و موادی که هر چیز ، از آن ها ساخته شده بودند از معانی خاصی برخوردار بودند.

*** طلا - مظهر الهی**

*** نقره - باز خرید (نجات)**

*** آلیاژ برنج - قضاوت (داوری)**

رنگ های مختلف پوشش ها نیز از معانی خاصی برخوردار بودند.

*** آبی - ذات یا منشأ آسمانی**

*** ارغوانی - پادشاهی**

*** سرخ - قربانی**

چوب اقاچیا چوبی تقریباً فنا ناپذیر بود و نمایانگر " مسیح فنا ناپذیر " بود.

در قسمت صحن

*** مذبح برنجی**

همه می توانستند وارد صحن شوند. هنگامی که از دروازه عبور می کردند ، اولین چیزی که می دیدند مذبح برنجی بود. که به آن مذبح قربانی سوختنی نیز گفته می شد. اینجا جایی بود که آنها اول به حضور خدا می آمدند ، برای گناهانشان قربانی می کردند. مذبح از چوب اقاچیا و از برنز ساخته شده بود. چوب اقاچیا نشان دهنده مسیح فنا ناپذیر و برنز داوری بر گناهان است.

قربانی های انجام شده بر روی این مذبح نشان دهنده قربانی نهایی است که توسط پسر خدا انجام می شود.

زیرا در این صورت میبایست که او از بنیاد عالم بارها زحمت کشیده باشد. لکن الان یک مرتبه در اواخر عالم ظاهر شد تا به قربانی خود، گناه را محو سازد. عبرانیان 9:26

عیسی خداوند برای آموزش گناهان ما قربانی شد. اکنون ما باید بدن های خود را به عنوان قربانی های زنده به او تقدیم کنیم.

زندگی مسیحی لهذاای برادران شما را به رحمتهای خدا استدعا میکنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. رومیان 12:1

*** حوضچه برنزی**

حوضچه ساخته شده از برنز قسمت دیگری از اسباب و لوازم بود. که آن حوضچه پر از آب بود و کاهنان می بایست قبل از خدمت دست و پایشان را بشویند. این شستشو به دفعات مورد نیاز انجام می شد و نشان دهنده مسیح خداوند بود که ما را از هر لکه و چین و چروک پاک می کند.

ای شوهران زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد. تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ساخته، تقدیس نماید، تا کلیسای مجید را به نزد خود حاضر سازد که لکه و چین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد، بلکه نامقدس و بی عیب باشد. افسسیان 5: 25 – 27

پس از دریافت نجات ، نیاز به پاکی مداوم وجود دارد. اگر گناه می کنیم ، باید به گناهان خود اعتراف کنیم و آموزش یابیم.

ایوحنا 1:9 اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد .

همچنین باید به طور مداوم از کلام خدا تغذیه شویم.

الحال شما به سبب کلامی که به شما گفته ام پاک هستید. یوحنا 15:3

در قسمت قدس (مکان اقدس)

سه وسیله از اسباب و لوازم در قدس وجود داشت. میز نان تقدّمه در سمت راست ، چراغدان طلایی در سمت چپ و مذبح سوزاندن بخور مستقیماً رو به جلو.

* میز نان تقدّمه

میز نان تقدّمه از چوب اقاچیا ساخته شده و با طلا پوشانده شده بود ، این نمایانگر انسانیت و الوهیت مسیح بود. نان همیشه روی این میز نگهداری می شد و نشانگر مسیح خداوند است - نان حیات.

اقرنثیان 10: 16 - 17 پیاله برکت که آن را تبرک میخوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ ونانی را که پاره میکنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نی؟ زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک تن میباشیم چونکه همه از یک نان قسمت می یابیم .

* چراغدان طلایی

چراغدان از طلای خالص ساخته شده بود و مسیح خداوند را به عنوان نور حقیقی نشان می داد.

یوحنا ی رسول نوشت :

پس عیسی باز بدیشان خطاب کرده، گفت: «من نور عالم هستم. کسیکه مرا متابعت کند، درظلمت سالک نشود بلکه نور حیات را یابد.» یوحنا 8:12

همانطور که عیسی را پیروی می کنیم و در نور او راه می رویم ، برای دیگران نور می شویم.

متی 5:16 همچین بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند .

* مذبح سوزاندن بخور

مذبح سوزاندن بخور نیز از چوب اقاچیا ساخته شده بود و با طلا پوشانده شده بود. سوزاندن مداوم بخور نشانگر مسیح خداوند به عنوان شفیع ما (شفاعت کننده ما) بود.

کیست که بر ایشان فتوا دهد؟ آیا مسیح که مرد بلکه نیز برخاست، آنکه به دست راست خدا هم هست و ما را نیز شفاعت میکند؟ رومیان 8:34

ما نیز باید قربانی بخور سوزاندن را روزانه از طریق دعا ادامه دهیم.

و فرشته ای دیگر آمده، نزد مذبح بایستاد با مجمری طلا و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را به دعاهای جمیع مقدسین، بر مذبح طلا که پیش تخت است بدهد، و دود بخور، از دست فرشته با دعاهای مقدسین در حضور خدا بالا رفت. مکاشفه 3:8 – 4

در قسمت قدس الاقداس

*** صندوق عهد**

در قدس الاقداس دو وسیله از اسباب و لوازم وجود داشت – صندوق عهد و صندلی رحمت. عصای هارون ، لوح های سنگی ده فرمان و نان منّا در صندوق بودند. صندوق از چوب اقاویا و طلا تشکیل شده بود ، و دوباره این مواد بیانگر انسانیت و الوهیت مسیح است. در صندوق عهد بود که موسی می توانست حضور خدا را بیابد. امروز عیسی خداوند محل دیدار ما با خدای پدر است.

و در آنجا با تو ملاقات خواهیم کرد و از بالای تخت رحمت از میان دو کروی که بر صندوق عهد میباشند، با تو سخن خواهیم گفت، درباره همه اموری که بجهت بنی اسرائیل تو را امر خواهیم فرمود. خروج 25:22

*** صندلی رحمت**

صندلی رحمت از طلای خالص تشکیل شده بود که نمایانگر قدوسیت الهی بود. در بالای صندوق ، در انتهای صندلی رحمت ، دو کروی نیز وجود داشت که از طلای خالص تشکیل شده بودند. صندلی رحمت نمایانگر کرسی و تخت خداست که توسط مخلوقات فرشته ای خود محافظت می شود.

پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما را) اعانت کند. عبرانیان 4:16

هدایا (قربانی ها)

هدایا (قربانی ها) نیز به اندازه اسباب و لوازم خیمه و اعیاد پر از معنا هستند. همه هدایا و قربانی ها باید با ایمان انجام می شد تا موثر واقع شوند.

پنج هدیه (قربانی) اصلی وجود داشت ، و می توان آنها را به جزئیات در پنج فصل اول لایوان مطالعه کرد. همه آنها بیانگر جنبه های مختلفی از یک قربانی کامل بود یعنی - عیسی خداوند.

آنها را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

خوشایند (خوشبو ، داوطلبانه) - سمبلی از مسیح کامل ، که از انجام اراده خدا خشنود می شود

نا خوشایند - سمبلی از مسیح خداوند ، که گناهان گناهکاران را به دوش می کشد.

هدایا ، یا قربانی های خوشایند (خوشبو ، داوطلبانه)

* قربانی های سوختنی

هدف از این قربانی سوختنی ، دستیابی به خدا بود.

می بایست یا یک گوساله نر باشد ، یا یک بره ، یا یک بز ، یا یک قمری یا یک کبوتر. انتخاب کدام حیوان یا پرنده طبق دارایی های آن شخص بود که می بایست حداکثر توانایی آن شخص بوده و کاملاً بدون لکه و عیب باشد. این یک هدیه داوطلبانه و نمادی از مسیح خداوند بود که خودش را داوطلبانه و بدون هیچ عیبی به خدا تقدیم کرد. شخصی که این هدیه را آورده بود می بایست دستان خود را بر روی سر آن حیوان بگذارد تا گناهان خود را به حیوان منتقل کند و سپس آن را ذبح کند. انجام این کار آسان نبود زیرا این هدیه می بایست توسط شخصی که آن را آورده بود شناخته شده بود و اغلب به حیوان خانگی تبدیل شده بود. همانطور که برای خدا آسان نبود تا پسرش را بدهد تا به خاطر گناهان ما بمیرد.

زیرا او را که گناه شناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی نیکی مطلق خدا شویم . ۲.قرنیتان 5:21

*** هدایای آردی**

هدف از هدیه آردی نشان دادن شکرگذاری به خداوند بود. که می بایست از وعده های غذایی خوب مثل روغن ، نمک و کندر تشکیل شود و همچنین یک هدیه داوطلبانه بود.

یک هدیه آردی عالی ، می بایست بی نقص و کامل باشد - بدون توده برآمدگی ، درشتی و مواد ناجور. این از کمال مسیح خداوند صحبت می کرد.

روغن از وجود روح القدس در زندگی مسیح خداوند صحبت می کرد.

هنگامی که کندر می سوزد ، رایحه فوق العاده ای می بخشد. این در مورد رنجی که عیسی خداوند به خاطر ما کشید و کمالی که به همراه آن رنج در آن زمان برای ما به ارمغان آورد ، صحبت می کند. نمک در مورد حفظ و نگهداری قربانی صحبت می کرد.

در این هدیه ، نباید خمیرمایه ای وجود داشت که نشانگر گناه و آموزه های دروغین باشد. نباید هیچ عسلی وجود داشته باشد ، که نشان دهنده آن چیزی است که برای طبع انسان بسیار راضی کننده است. تعداد انگشت شماری از این هدیه به عنوان هدیه تقدیمی به خدا سوزانده شد و باقی مانده آن برای استفاده کاهنان بود.

*** هدیه سلامتی (مشارکت ، رفاقت)**

هدف از هدیه سلامتی ، مشارکت و صمیمیت با خدا و جشن بود.

این هدیه از این نظر متفاوت بود که بخشی از آن به خداوند تعلق می گرفت ، بخشی از آن به کاهنان و بقیه به خانواده ای که قربانی می کرد ، تعلق می گرفت. این تصویر مسیح را نشان می دهد که ما را با خدا آشتی داد. اگر گناهی در زندگی شخص وجود داشت که اصلاح نشده بود ، نمی توانست هدیه سلامتی را ارائه دهد. خدا نمی تواند با گناه رفاقت و شراکتی داشته باشد.

هدایای نا خوشایند

* قربانی گناه

هدف از قربانی گناه ، پوشاندن جرم گناه بود.

این قربانی می بایست یک گوساله نر (اگر برای گناه یک کاهن یا کل قوم باشد) ، یک بز نر (اگر برای رئیس یا حاکم باشد) یا یک بز ماده باشد (اگر برای گناه کاهن یا رهبر نبود). در هر حالت ، حیوان باید بدون لکه یا عیب باشد.

جالب است بدانید که در قربانی سوختنی که درباره اش صحبت کردیم ، این قربانی با توجه به توانایی یک شخص در هدیه دادن بود. با این حال، آنچه در قربانی گناه ارائه می شد ، مربوط به موقعیت شخص بود. قربانی گناه کاهن بزرگترین بود - بیشتر از آن که رئیس یا حاکم باشد.

شخصی که قربانی را می آورد ، یعنی شخصی که برای گناهان خود آمرزش می جست ، می بایست قربانی را در مقابل مردم به معبد برساند. او می بایست به گناهان خود اعتراف کند. سپس او می بایست حیوان بی گناهی را که گناهان او را حمل می کرد ، بکشد. این نیاز ما هم به توبه و هم پذیرش ما و همچنین بر عهده گرفتن مرگ مسیح خداوند به جهت گناهان ما را به تصویر می کشد.

عیسی خداوند که گناه را نشناخت، در راه ما گناه شد.

دوم قرن 21: 5 او کسی را که گناه را نشناخت، در راه ما گناه ساخت، تا ما در وی پارسایی خدا شویم.

پس از آنکه کاهن خون قربانی را می گرفت و آن را بر مذبح بخور می گذاشت ، بخشی از قربانی را بر روی مذبح برنزی می سوزاند و سپس بقیه قربانی را برمی داشت و آن را خارج از اردوگاه می سوزاند.

در عبرانیان می خوانیم که عیسی در بیرون دروازه عذاب کشید :

بنابراین، عیسی نیز تا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید. عبرانیان 13:12

ما همچنین از صمیم دل عار او را حمل می کنیم ، فقط او را می طلبیم و پیوسته او را ستایش می کنیم.

عبرانیان 13:13 – 15 لهذا عار او را برگرفته، بیرون از لشکرگاه به سوی او برویم. زانرو که در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده را طالب هستیم. پس بوسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند .

* قربانی جرم

در قربانی جرم ، ما تصویری از مسیح خداوند را داریم که با مرگ خود جریمه گناهان ما را پرداخت کرده است. آیا این فوق العاده نخواهد بود اگر یک بار ما عیسی خداوند را بپذیریم ، دیگر هرگز نیازی به پاک شدن از گناه نخواهد بود ؟

یوحنا نوشت :

اگر گوییم که گناه نداریم خود را گمراه میکنیم و راستی در ما نیست. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد. اگر گوییم که گناه نکرده ایم، او را دروغگو می شماریم و کلام او در ما نیست. ایوحنا 1:8 – 10

قربانی جرم مربوط به چندین زمینه بود که شخص در امور روزمره زندگی در آن درگیر شده بود. این مهم است که این شش حوزه جرم مورد مطالعه قرار گیرد زیرا این ناحیه ها مناطقی هستند که امروزه بسیاری از مسیحیان درگیر آن هستند و نمی دانند که مرتکب گناه می شوند. چه خوب است که این شناخت را داشته باشیم ، همانطور که می فهمیم در این نوع گناهان قرار داشته ایم ، فوراً طلب بخشش کنیم.

اولین قدم برای بخشش اعتراف بود.

و چون در هر کدام از اینها مجرم شد، آنگاه به آن چیزی که در آن گناه کرده است اعتراف بنماید. لاویان 5:5

هنوز هم اولین قدم برای بخشش اعتراف است.

ایوحنا 1:9 اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را ببامرزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد .

* شش نوع جرم

1) گناه قسم خوردن

بیان حقیقت می بایست انجام می شد همانطور که امروزه در یک دادگاه قانونی انجام می شود. اگر شخصی واقعیت را می دانست و آن را اعلام نمی کرد، مجرم بود.

اگر کسی این گناه را ورزد که آواز قسم را بشنود و او شاهد باشد خواه دیده و خواه دانسته، اگر اطلاع ندهد گناه او را متحمل خواهد بود. لاویان 5:1

2) گناه آلودگی

این گناه مربوط به لمس مرده یا نا پاکی بود حتی اگر از دید او پنهان باشد (ندانند که گناه است).

یا کسیکه هر چیز نجس را لمس کند، خواه لاش وحش نجس، خواه لاش بهیمه نجس، خواه لاش حشرات نجس، و از او مخفی باشد، پس نجس و مجرم میباشد. لاویان 5:2

وقتی معلوم شد باز هم گناه کرده است. امروزه آلودگی زیادی از جهان پیرامون ما وجود دارد. چیزهایی وجود دارد که ممکن است بدون اینکه بخواهیم بینیم، یا کارهایی که ممکن است آنها را انجام داده باشیم بدون اینکه بدانیم شیطانی هستند.

3) گناه شکستن قول و وعده ها

خدا بسیار قاطعانه با شکستن قول و وعده ها برخورد می کند. اگر ما به قول خود عمل نکنیم، نمی توانیم باور داشته باشیم که خدا هم به وعده هایش عمل می کند و شک می کنیم.

ما زمانی می توانیم به کلام خدا اعتماد کنیم که بدانیم دیگران می توانند به حرف ما اعتماد کنند. ما باید یاد بگیریم که سر حرف و قول خود باشیم. ما باید همان کاری را انجام دهیم که گفتیم آن را انجام خواهیم داد.

و اگر کسی غفلت به لبهای خود قسم خورد برای کردن کار بد یا کار نیک، یعنی در هر چیزی که آدمی غفلت قسم خورد، و از او مخفی باشد، چون بر او معلوم شود آنگاه در هر کدام که باشد مجرم خواهد بود. لاویان 5:4

چون شخصی برای خداوند نذر کند یا قسم خورد تا جان خود را به تکلیفی الزام نماید، پس کلام خود را باطل نسازد، بلکه بر حسب هر آنچه از دهانش بر آمد، عمل نماید. اعداد 30:2

4) گناه در مورد چیزهای مقدس

لاویان 5:15 «اگر کسی خیانت ورزد، و درباره چیزهای مقدس خداوند سهو گناه کند، آنگاه قربانی جرم خود را قوچی بی عیب از گله نزد خداوند موافق بر آورد، و به مثالیهای نقره مطابق مثال قدس بیاورد، و این قربانی جرم است .

اشیاء و چیزهای مقدس خداوند، همه وسایل خیمه، اعیاد و هدایا (قربانی ها) بود. این چیزها هرگز نباید در عمل و یا در قالب حرف ساده گرفته شود. امروزه این می تواند در موارد زیر اعمال شود:

* صادق نبودن در مورد امور خداوند: "خداوند به من گفت تا به تو بگویم"، یا "من روزی سی دقیقه برای دعا وقت می گذرانم"، در حالی که شما این کار را نمی کنید

* هدر دادن استعدادهای خدادادی

* دریغ از دادن ده یک و هدایا

5) گناهان از روی جهل

و اگر کسی گناه کند و کاری از جمیع نواهی (نهی ها) خداوند که نباید کرد بکند، و آن را نداند، پس مجرم است و متحمل گناه خود خواهد بود. لاویان 5:17

6) جرم ضدیت یا مخالفت با خداوند

جالب است بدانید که لیست زیر مواردی است که مرتکب گناه مخالفت با خداوند می شود یعنی همه گناهانی که بر ضد دیگران است. برای بخشش ، بازگرداندن این موارد به صاحب حق آنها لازم بوده و هست.

لاویان 6: 2 – 4 اگر کسی گناه کند، و خیانت به خداوند ورزد،

به همسایه خود دروغ گوید،

درباره امانت

یا رهن یا چیز دزدیده شده،

یا مال همسایه خود را غصب نماید،

یا چیز گمشده را یافته، درباره آن دروغ گوید، و قسم دروغ بخورد،

در هر کدام از کارهایی که شخصی در آنها گناه کند پس چون گناه ورزیده، مجرم شود، آنچه را که دزدیده یا آنچه را غصب نموده یا آنچه نزد او به امانت سپرده شده یا آن چیز گم شده را که یافته است، رد بنماید.

خلاصه

همانطور که ما طرح خیمه ، اسباب و لوازم و هدایا و قربانی های تقدیم شده در آنجا را مطالعه کردیم ، یاد گرفتیم که همه آنها به نجات دهنده موعود اشاره می کند. عیسی خداوند هر نماد و سمبل و سایه را تکمیل و تحقق بخشید. او هر هدیه و قربانی ای را به کمال رساند.

وقتی به عیسی مسیح خداوند ایمان داریم ، قربانی او را که به نیابت از ماست ، دریافت می کنیم. با ایمان به او از گناه آزاد می شویم. ما می توانیم همانند ارمیا در کتاب مراثی ارمیا وجد نمائیم:

از رفتن های خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمت های او بیزوال است. آنها هر صبح تازه میشود و امانت تو

بسیار است. مراثی 3: 22 – 23

پرسش هایی برای دوره کردن درس پنجم

1) سه بخش از خیمه نماد چه بود؟

2) سه وسیله از اسباب و لوازم موجود در مکان اقدس (قدس) نماد چه چیزی بود؟

3) سه هدیه (قربانی) از هدایای خوشبو و دو هدیه (قربانی) از هدایای ناخوشایند را ذکر کنید؟

مقایسه بین عید فصح و قربانی عیسی خداوند

عهد جدید	عهد عتیق	مقایسات
یوحنا 38:18 (3/5 سال)	خروج 12:3،5،6	1) دوره آزمایش برای پیدا کردن عیب و نقص – 3/5 روز
یوحنا 24:12؛ متی 21:16	خروج 12:6	2) بره آزمایش شده باید کشته شود
عبرانیان 22:9، 1 یوحنا 7:1	خروج 12:7،12،13	3) ریختن خون داوری خدا را بر می گرداند
یوحنا 16:3	خروج 22:12	4) انسان باید برخی اقدامات را انجام می داد تا نجات یابد
مرقس 22:14	خروج 12:8-10	5) قوم خدا باید گوشت قربانی را به عنوان یاد بود می خوردند
متی 14-13:27	اشعیا 53:7	6) عیسی، مانند یک بره، برای زندگی خود التماس نکرد
مرقس 12:14؛ 15:6	–	7) عیسی در طی جشن عید فصح در گذشت
یوحنا 19:33-36	خروج 12:46، اعداد 9:12	8) نباید هیچ استخوانی از بره شکسته می شد
اول قرنتیان 21:10	خروج 12:43،45،48	9) بی ایمانان نمی توانستند شریک گوشت قربانی شوند
اول قرنتیان 7:5	–	10) مسیح عید فصح ما خوانده می شود
مرقس 33:10	تثنیه 2:16 دوم پادشاهان 27:23	11) عیسی در همان شهری در گذشت که قوم، باید عید فصح را جشن بگیرند.

گردآوری شده توسط دکتر جک تولس

درس ششم

اعیاد ، پادشاهان و کاهنان

اعیاد

اعیاد اسرائیل زمان شادی ، زمان جشن و زمان شکرگزاری بود. آنها یادبودِ وقایع بزرگ تاریخ ملت اسرائیل بودند، اما همچنین تصویری نبوی (پیشگویی) از وقایع آینده بودند. که شامل هفت جشن بود:

* عید فصح

* عید نان فطیر (بدون خمیر مایه)

* عید حصاد یا نوبر محصول

* عید پنطیکاست

* عید شیپورها (گَرَنَها)

* عید روز کفارہ

* عید خیمه ها

عید فصح (پَسَخ Pesach)

مرجع: خروج 12: 1-14 ، 21-29؛ لاویان 23: 5، 4؛ اعداد 33: 3؛ تثبیه 16: 1-8

مشارکت داشتن با یکدیگر جایگزین عید فصح شده است.

خوردن گوشت نشان دهنده خوردن بدن مسیح خداوند است. عیسی کلمه است ، و امروز ما با "خوردن" کلام خدا از گوشت او می خوریم. یوحنا نوشت: در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ... و کلمه جسم

گردید و میان ما ساکن شد ... (یوحنا 1: 1 ، 14)

جشن عید فصح در شبی که به بنی اسرائیل فرمان داده شد که یک بره را قربانی کنند و خونسش را با گیاه زوفا بر سر در و دو قائمه بزنند، در مصر آغاز شد. و روزی که عیسی خداوند، بره خدا، برای گناهان همه بشر مصلوب شد، تحقق یافت. عیسی خداوند بره عید فصح بود که قبل از بنیاد عالم ذبح شد.

موسی خواستار این شد که فرعون قوم خدا را رها کند. اما فرعون مقاومت کرد و بلاء بعد بلاء، سرزمین مصر را فرا گرفت. مرگ نخستزاده آخرین بلا بود.

خدا به موسی فرمان داد که به قوم دستور دهد تا یک بره قربانی تهیه کنند. می بایست خون این بره با استفاده از گیاه زوفا به سر در و دو قائمه در پاشیده شود. زدن خون تصویری از صلیب بود. خون با حرکت نوازش دهنده یک قلم مو اعمال نشد، بلکه با یک حرکت کوبنده و ضربه ای اعمال شد. این نشان دهنده ریخته شدن خون عیسی مسیح خداوند از طریق مضروب شدن و کوفته شدنی بود که او آن را دریافت کرد.

این بره را می بایست با سبزی های تلخ، طبخ کرده و با نان بدون خمیر مایه می خوردند. سبزی های تلخ، رنج و مرگ تلخ عیسی خداوند را نشان می داد و نان بدون خمیر مایه از بی گناهی عیسی خداوند صحبت می کرد. خانواده ها می بایست قربانی را به تعجیل و به حالتی آماده و حاضر شده برای رفتن، می خوردند.

قوم اسرائیل آزاد بودند که این قربانی را انجام دهند و یا نه. کسانی که ایمان آوردند و خون را به چارچوب درب هایشان زدند از مرگ نخستزاده خود در امان ماندند.

هنوز هم به ما حق انتخاب داده می شود. ما می توانیم کلام خدا را باور کنیم و قربانی مسیح خداوند را که برای ما به انجام رسیده است را بپذیریم، یا می توانیم امتناع کنیم.

زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد. زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد. آنکه به او ایمان آورد، بر او حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است، بجهت آنکه به اسم پسر

یگانه خدا ایمان نیاورده. یوحنا 3: 16 - 18

جشن عید فصح یک یادآوری از خدا بود که چطور قوم اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد. این نشان دهنده نجات از بردگی مصر بود. برای ما، این به معنای نجات از بردگی و ترس گناه است. مسیح خداوند در این عید به طرق مختلفی نشان داده شده است که ما نموداری را برای نشان دادن مقایسات بین قربانی فصح و قربانی مسیح خداوند در ابتدای این درس آورده ایم.

نان فطیر یا بدون خمیر مایه (Hag Ha Matzoh)

مرجع: خروج 12: 15، 8، 31، 20-39؛ 13: 3-10؛ لاویان 23: 6-8؛ اعداد 28: 17-25؛ تثنیه 16: 1-8

قبل از اعیاد عید فصح، نان فطیر و نوبر محصول، هر ظرفی در خانه کاملاً تمیز می شد تا مطمئن شوند که از وعده های قبلی خمیرمایه ای باقی نمانده باشد. تنها پس از اتمام این پاکسازی، زنان می توانستند برای اعیاد آماده شوند. عید نان فطیر به مدت هفت روز ادامه داشت. این سمبلی از زمان کنار گذاشتن گناه است - جدا شدن از گناه - تقدیس شدن برای خدا.

خمیر مایه همیشه نوعی گناه، تعلیم نادرست یا فریب است. تمیزکاری و پاکسازی اولیه از این واقعیت صحبت می کند که مقدار کمی از خمیرمایه روی کل خمیر تاثیر می گذارد.

این عید قربانی بی عیب و نقص کامل عیسی خداوند را به تصویر کشید. پولس رسول اهمیت این قربانی را برای ما توضیح داد.

پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنانکه بی خمیرمایه هستید زیرا که فصح ما مسیح در راه ما ذبح شده است. پس عید را نگاه داریم نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی. اقرنتیان 5: 7-8

عید حصاد یا نوبر محصول (Bikkurin)

مرجع: لاویان 23: 9-14

عید نوبر محصول با ورود قوم اسرائیل به سرزمین موعود آغاز شد. وقتی در بیابان سرگردان بودند، هیچ کاشت و درویی وجود نداشت.

این عید که در بهار برگزار می شد، حول محور جنبانیدن بافه نوبر محصول ها به حضور خداوند یهوه بود. اولین میوه یا همان نوبر، همیشه نشان دهنده بهترین بود. این بافه نمایانگر کل برداشت محصول بود و زمان شکرگذاری خدا برای برداشت محصول بود.

پولس رسول از عیسی خداوند به عنوان نوبر رستاخیز از مردگان یاد نمود:

لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز

قیامت مردگان شد. اقرنتیان 15: 20-21

وقتی عیسی خداوند وارد آسمان شد، او نماینده همه کسانی است که او را در رستاخیزش پیروی می کنند. عیسی خداوند نوبر محصول است و ما محصول هستیم.

عید پنطیکاست (Shavuot)

مرجع: خروج 19، 20، 24؛ خروج 23: 16-17؛ لاویان 23: 15-21؛ اعداد 28: 26-31؛ تثیبه 16: 9-12

هنگامی که موسی برای اولین بار نزد فرعون رفت، او درخواست نمود که به بنی اسرائیل اجازه داده شود تا برای برگزاری جشن به بیابان بروند. وقتی آنها از بردگی آزاد شدند و به کوه سینا آمدند و اردو زدند. خداوند در حالی که آنها آنجا بودند، شریعت و عید پنطیکاست را به آنها داد تا انجام دهند. اولین بار پنجاه روز پس از ترک کردن مصر جشن گرفته شد.

هدایا برای عید پنطیکاست دو قرص نان بود. آسیاب و خرد کردن گندم، تصویری از رنج و مرگ عیسی خداوند را نشان می دهد که دو نان از آن پدید آمده است - ایمانداران عهد عتیق و ایمانداران عهد جدید. نجات و رستگاری ایمانداران عهد عتیق به مرگ مسیح موعود وابسته بود. آنها برای انتقال از فردوس به آسمان به رستخیز او از مردگان وابسته بودند. ایمان آنها همیشه به مسیح موعود بود. اما ایمان ما در عهد جدید به عقب نگاه می کند یعنی به کار عیسی روی صلیب. عید پنطیکاست نشان دهنده پر شدن از روح القدس بود. در روز پنطیکاست هنگامی که روح القدس بر روی بشر قرار گرفت این پری تحقق یافت.

و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یکجا بودند. که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت. وزبانه های منقسم شده، مثل زبانه های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت. و همه از روح القدس پر گشته، به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخنگفتن شروع کردند. اعمال 2: 1-4

با آمدن روح القدس، شریعت نوشته شده روی الواح سنگی در قلب ما نوشته شده است. پولس رسول و نویسنده کتاب عبرانیان این را توضیح می دهد:

شما رساله ما هستید، نوشته شده در دلهای ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان. چونکه ظاهر شده اید که رساله مسیح می باشید، خدمت کرده شده از ما و نوشته شده نه به مرکب، بلکه به روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل. ۲قرنتیان 3: 2-3

و روح القدس نیز برای ما شهادت میدهد، زیرا بعد از آنکه گفته بود: «این است آن عهدی که بعد از آن ایام با ایشان خواهیم بست، خداوند میگوید احکام خود را در دلهای ایشان خواهیم نهاد و بر ذهن ایشان مرقوم خواهیم داشت، عبرانیان 10: 15-16

عید شیپورها (Rosh Hashana)

مرجع: لاویان 23: 23-25

برای درک عید شیپورها ، ابتدا باید کاربرد و استفاده شیپورها را در عهد عتیق و عهد جدید درک کنیم. وقتی موسی از کوه سینا پایین آمد ، قوم خودشان را تقدیس کردند و سپس ما می خوانیم :

و واقع شد در روز سوم به وقت طلوع صبح، که رعدها و برقها و ابر غلیظ برکوه پدید آمد، و آواز کرنای بسیار سخت، بطوری که تمامی قوم که در لشکرگاه بودند، بلرزیدند. خروج 19:16

قوم از صدای رعد و برق ها ، یا حتی از ابر غلیظی که بر روی کوه قرار گرفته بود ، نمی لرزیدند. آنها از صدای شیپوری بلند که از رعد شنیده می شد ، لرزیدند.

صدای شیپورها آنقدر بلند و واضح بود که از یک هیاهوی نبرد و جنگ بلندتر بود و از سرتاسر زمین شنیده می شد.

از شیپورها برای فراخواندن مردم استفاده می شد. بارها و بارها ، صدای شیپورها در سراسر سرزمین اسرائیل به گوش می رسید. آنها اعلام می کردند ، "بیا و خداوند را پرستش کن."

صدای شیپورها به عنوان ندایی برای جنگ ، برای پیشروی به سمت جلو و برای جشن پیروزی شنیده می شد.

ارمیا نوشت :

«علمها در زمین برافرازید و کرنا در میان امتهای بنوازید. امتهای را به ضد او حاضر سازید و ممالک آزارات و منی و اشکناز را بر وی جمع کنید. سرداران به ضد وی نصب نمایید و اسبان رامتل ملخ مودار بر آورید. ارمیا 51:27

صدای شیپور یک اعلان بود. اشعیا نوشت :

آواز خود را بلند کن و دریغ مدار و آواز خود را مثل کرنا بلند کرده، به قوم من تقصیر ایشان را و به خاندان یعقوب گناهان ایشان را اعلام نما. اشعیا 58:1

صور شیپورها دارای معنی بود. در کتاب مکاشفه شیپورها و صداها تقریباً از معنی یکسانی استفاده شده است.

شیپورها نشانگر نبوت هستند - یعنی کلام خدا را بیان می کنند.

امروز ، عید شیپورها فراخوانی برای برداشت محصول است. ما آن عید را با اعلام کردن کلام خدا به اطرافیان ، امت خود و امت های جهان جشن می گیریم. صدای شیپور صدای ایماندارانی است که اعلام می کنند عیسی پسر خداست - که او به خاطر نجات ما به صورت جسم انسانی آمد - که همه کسانی که او را قبول کنند می توانند پسران خدا شوند.

ایمانداران می بایست هر روز این عید را برپا کنند ، اما هنوز مراسم تحقق نهایی در پیش است. آخرین صور شیپور وجود خواهد داشت. پولس رسول در این باره نوشت:

همانا به شما، سری میگویم که همه نخواهیم خوابید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. در لحظه ای، در طرفه العینی، به مجرد نواختن صور اخیر، زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی فساد خواهند برخاست و ما متبدل خواهیم شد. زیرا که میباید این فساد بی فساد را بپوشد و این فانی به بقا آراسته گردد. اما چون این فساد بی فساد را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «مرگ در ظفر بلعیده شده است. اقرنتیان 15: 51 - 54

عیسی خداوند در روز عید فصح جان سپرد و عید فصح به تحقق و کمال رسید. روح القدس در روز پنطیکاست آمد و آن عید به تحقق و کمال رسید. بسیاری بر این باورند که عیسی خداوند در عید شیپورها باز خواهد گشت ، زیرا این عید هنوز تحقق نیافته است.

عید روز کفاره (Yom Kippur)

مرجع: لاویان 23: 26-32

روز کفاره شگفت انگیزترین و مقدس ترین عید کل سال بود. زمانی بود که سالی یکبار کاهن اعظم می توانست به قدس الاقداس برود و به جهت قوم قربانی تقدیم کند.

*** خون ریخته شده**

کفاره به معنی پوشاندن گناهان به وسیله خون بره بود. که انتظار آمرزش آن گناهان توسط خون عیسی خداوند - یعنی بره کامل خدا را می کشید.

در روز کفاره هر سال ، کاهن اعظم خون یک بره بی گناه را که بدون لکه و عیب بود را می ریخت. او این خون را می بایست در داخل حجاب می برد و بر روی صندلی رحمت می پاشید تا پوششی برای گناهان قوم باشد.

ریختن خون بره بی گناه نشان دهنده قربانی عیسی خداوند روی صلیب به جای ما بود. عیسی ، بره خدا ، خون خود را ریخت و ما را از بردگی و مجازات گناه نجات داد.

طبق عهد قدیم ، این قربانی کردن و پاشیدن خون ، یک کفاره یا پوششی برای گناهان افرادی بود که با ایمان ، انتظار صلیب را می کشیدند. ایمانداران عهد عتیق ، مانند ابراهیم ، به خدا ایمان آوردند و این برای آنان به عنوان نیکی مطلق محسوب شد.

طبق عهد جدید ، دیگر کلمه کفاره یا پوشش برای گناهان استفاده نمی شود. بر اساس عمل انجام شده قربانی عظیم و ابدی مسیح خداوند ، گناهان ما دیگر پوشانده نمی شوند ، آنها آمرزیده شده است (محو شده است) ، دور شده ، برداشته شده ، لغو شده. آنها دیگر وجود ندارند.

به اندازه‌های که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است. مزامیر 103:12

*** بز**

دومین بره بی گناه در روز کفاره بیانگر رفع شدن تقصیرهای ما بود. این بز بود که کاهن اعظم با گذاشتن دستانش روی آن ، گناهان قوم را بر آن منتقل می کرد. سپس این بز را به بیابان می بردند و رهایش می کردند. این نمادی از تحمل گناهان قوم توسط بره خدا بود که می آید.

لاویان 16: 10 ، 21 - 22 و بز که قرعه برای عزازیل بر آن برآمد به حضور خداوند زنده حاضر شود، و بر آن کفاره نماید و آن را برای عزازیل به صحرا بفرستد. و هارون دو دست خود را بر سر بز زنده بنهد، و همه خطایای بنی اسرائیل و همه تقصیرهای ایشان را با همه گناهان ایشان اعتراف نماید، و آنها را بر سر بز بگذارد و آن را به دست شخص حاضر به صحرا بفرستد. و بز، همه گناهان ایشان را به زمین ویران بر خود خواهد برد. پس بز را به صحرا رها کند .

به همانطور که بره قربانی در روز کفاره نمادی از عمل قربانی عیسی خداوند به جای گناهان ما بود، به همانطور نیز کار آن بز این بود که گناهان قوم را دور کند.

و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می آید. پس گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را بر می دارد! یوحنا 1:29»

عیسی خداوند با مرگش بر روی صلیب قربانی ما شد. عیسی خداوند نیز گناهان ما را از بین برد. این حمل کردن گناهان ما بخشی از کفاره بود.

*** به نیابت از ما**

عمل جایگزین شدن عیسی خداوند به جای ما توسط اشعیا پیشگویی شد:

از ظلم و ازداوری گرفته شد. و از طبقه او که تفکر نمود که آواز زمین زندگان منقطع شد و به جهت گناه قوم من مضروب گردید؟ و قبر او را با شریران تعیین نمودند و بعد از مردنش با دولتمندان. هر چند هیچ ظلم نکرد و در دهان وی حيله ای نبود. اما خداوند را پسند آمد که او را مضروب نموده، به دردها مبتلا سازد. چون جان او را قربانی گناه ساخت. آنگاه ذریت خود را خواهد دید و عمر او دراز خواهد شد و مسرت خداوند در دست او میسر خواهد بود. ثمره مشقت جان خویش را خواهد دید و سیر خواهد شد. وبنده عادل من به معرفت خود بسیاری را عادل خواهد گردانید زیرا که او گناهان ایشان را بر خویشتن حمل خواهد نمود. بنابراین او را در میان بزرگان، نصیب خواهیم داد و غنیمت را بازور آوران تقسیم خواهد نمود، به جهت اینکه جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود. اشعیا 53: 8 – 12

داود نیز زمانی که عیسی خداوند گناهان ما را تا ژرف ترین گودال هاویه اسفل حمل می کند، پیشگویی کرد: زیرا که جان من از بلایا پر شده است و زندگانی ام به قبر نزدیک گردیده. از فروروندگان به هاویه شمرده شده ام و مثل مرد بی قوت گشته ام. در میان مردگان منفرد شده، مثل کشتگان که در قبر خوابیده اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از دست تو منقطع شده اند. مرا در هاویه اسفل گذاشته ای، در ظلمت در ژرفیها. خشم تو بر من سنگین شده است و به همه امواج خود مرا مبتلا ساخته ای، سلا. مزامیر 88: 3 – 7

عصیان ما پایمال و رفع شده است.

او باز رجوع کرده، بر ماحمت خواهد نمود و عصیان ما را پایمال خواهد کرد و تو جمیع گناهان ایشان را به عمق های دریا خواهی انداخت. میکا 7:19

او عصیان و گناهان ما را به اعماق زمین حمل کرد و آن ها کاملاً رفع و پایمال شدند، نابود گردیدند، از بین برده شدند و دیگر وجود ندارند، عیسی خداوند از مردگان برخاست و برای بردن خون خود نزد پدر به آسمان صعود کرد و به داخل حجاب رفته و آن را به پدر سپرد. در آن لحظه، فدیة یا باز خرید و نجات ما کاری تمام شده بود. لیکن مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنه نعمتهای آینده باشد، به خیمه بزرگتر و کاملتر و ناساخته شده به دست، یعنی که از این خلقت نیست، و نه به خون بزها و گوساله ها، بلکه به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیة ابدی را یافت. عبرانیان 9: 11 – 12

*** از طریق قربانی او، نجات ما کامل شد.**

*** از طریق او، ما برای گناهان خود آمرزش داریم.**

*** از طریق او، ما از مجازات های گناه آزاد هستیم.**

کار عیسی خداوند برای میسر ساختن آمرزش گناهان ما کامل است. همانطور که زندگی می کنیم، آن را با ایمان می پذیریم.

روز کفارہ انتظار روز موعودی را می کشد که خاندان اسرائیل عیسی خداوند را به عنوان مسیح خود بشناسد و برای او طوری نوحه گری کند که انگار برای نخست زاده خویش ماتم می گیرد.

و بر خاندان داود و بر ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرعات را خواهم ریخت و بر من که نیزه زده اند خواهند نگریست و برای من مثل نوحه گری برای پسر یگانه خود، نوحه گری خواهند نمود و مانند کسیکه برای نخست زاده خویش ماتم گیرد، برای من ماتم تلخ خواهند گرفت. زکریا 12:10

عید خیمه ها (Succoth)

مرجع: لاویان 23: 33-44؛ تثبیه 16: 13-14؛ نحمیا 8: 13-18

عید خیمه ها ، ورود قوم اسرائیل به سرزمین موعود را جشن می گرفت. به مدت هفت روز آنها از خانه های خود بیرون می آمدند و در سایه بان های ساخته شده از شاخه های نخل و شاخه های برگ دار دیگر که با نهال درخت بید گره خورده بودند زندگی می کردند. این زمان به یاد آوردن سرگردانی آنان در بیابان و خوشی از این حقیقتی که خداوند آنها را به سرزمین خود آورده است.

عید شیورها در زمان برداشت محصول برگزار می شد و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی ایستاده، ندا کرد و گفت: «هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد . یوحنا 7:37

عید خیمه ها تصویری از زندگی ما در مسیح خداوند است. زمان آرامی در او. زمان زیست کردن در خانه های دائمی است و در عین حال ، یادآوری زمان حاضر ماست که در اینجا موقتی است. و نیز تصویری از زمان زندگی طبیعی (روی زمین) و در عین حال ، زندگی در روح است.

این تصویری از آرامی می باشد که ایمانداران در طول سلطنت هزاره از آن لذت می برند - بدون جنگ و نزاع و درگیری. امت یهود منتظر هستند که این آرامی ، به عنوان آخرین "پادشاهی" آنان باشد. که نشان دهنده آرامی روز هفتم است - روزی که پادشاهی خداوند بر همه زمین حکمرانی می کند.

برخی از ایمانداران با دریافت نجات ، در جشن عید فصح متوقف می شوند. اما برخی دیگر ادامه می دهند تا تجربه پنطیکاست را کسب کنند. هنوز چیزهای بیشتری وجود دارد ، ورود به سرزمین ، استقرار پادشاهی خدا بر روی زمین

برای ما ، زمان دریافت ارث وعده داده شده ، راه رفتن در اقتدار ، و با قدرت ، پادشاهی خدا را بر روی زمین به پیش بردن است.

پادشاهان و کاهنان ابدی (تا ابدالاباد)

قربانی های روحانی ما

* بدن های ما

زندگی مسیحی، لهدای برادران شما را به رحمتی خدا استدعا میکنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است. رومیان 12:1

* هدایای مادی ما

ولی همه چیز بلکه بیشتر از کفایت دارم. پر گشته ام چونکه هدایای شما را از افردتس یافته ام که عطر خوشبوی و قربانی مقبول و پسندیده خداست. فلیپیان 4:18

* ستایش

پس بوسیله او قربانی تسبیح را به خدا بگذرانیم، یعنی ثمره لبهایی را که به اسم او معترف باشند. عبرانیان 13:15
قربانی های تشکر نزد تو خواهیم گذرانید و نام خداوند را خواهیم خواند. مزامیر 116:17

* برافراشتن دست ها

دعای من به حضور تو مثل بخور آراسته شود، و برافراشتن دستهایم، مثل هدیه شام. مزامیر 141:2

* نیکی مطلق

قربانی های نیکی مطلق را بگذرانید و بر خداوند توکل نمایید. مزامیر 4:5

* خوشی و شادگامی

والان سرم بر دشمنانم گرداگردم برافراشته خواهد شد. قربانی های شادگامی را در خیمه او خواهیم گذرانید و برای خداوند سرود و تسبیح خواهیم خواند. مزامیر 27:6

* روح شکسته و دل توبه کار

قربانی های خدا روح شکسته است. خدایا دل شکسته و توبه کار را خوار نخواهی شمرد. مزامیر 51:17

درک خدمت پادشاهان و کاهنان عهد عتیق برای ما مهم است ، زیرا همه ایمانداران امروزی پادشاهان و کاهنان شده اند.

و از عیسی مسیح که شاهد امین ونخست زاده از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت مینماید و ما را ازگناهان ما به خون خود شست، و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال وتوانایی باد تا ابدالابد. آمین .مکاشفه 1: 5 – 6

ما به عنوان کاهن و پادشاه ، وظایف خدمتی ای داریم که باید آن را انجام دهیم. ما به عنوان پادشاه باید بر روی زمین با اقتدار زندگی کنیم و با قدرت ، پادشاهی خدا را روی زمین به پیش ببریم. ما باید اقتدار روحانی احیاء شده خود را به کار ببریم و قلعه هایی که روی زندگی مردم و دولت های این جهان هستند را از بین ببریم. ما باید در این زندگی به عنوان پادشاه سلطنت کنیم.

زیرا اگر به سبب خطای یک نفر و بواسطه آن یک موت سلطنت کرد، چقدر بیشتر آنانی که افزونی فیض و بخشش نیکی مطلق را میپذیرند، در حیات سلطنت خواهند کرد بوسیله یک یعنی عیسی مسیح . رومیان 5:17

ما با شهادت دادن خود ، درباره عیسی خداوند ، بشارت جهانی و بشارت های مأموریتی ، همانند پادشاه سلطنت می کنیم. او ملت ها را برای میراث ما به ما داده است.

قوت اعمال خود را برای قوم خودبیان کرده است تا میراث امتهای را بدیشان عطا فرماید . مزامیر 6:111

هنگامی که عیسی خداوند برای برقراری پادشاهی خود به زمین بازمی گردد ، ما برای مدت هزار سال با او بر زمین سلطنت خواهیم کرد.

مکاشفه 2: 26 – 27 و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام نگاه دارد، او را بر امت ها قدرت خواهم بخشید تا ایشان را به عصای آهنین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوزه گر خرد خواهند شد، چنانکه من نیز از پدر خود، یافته ام .

یا نمی دانید که مقدسان، دنیا را داوری خواهند کرد؛ و اگر دنیا از شما حکم یابد، آیا قابل مقدمات کمتر نیستید؟
آیانی دانید که فرشتگان را داوری خواهیم کرد تا چه رسد به امور روزگار؟ اقرنتیان 2: 6 – 3

ما به عنوان کاهنان ، عملکردهایی داریم که می توانیم به عنوان نمایندگان او به جهت انسان ها به انجام رسانیم. ما می بایست قربانی ستایش خدا را به طور پیوسته ارائه دهیم. ما باید از طریق قربانی هدایا به خداوند خدمت کنیم. ما باید نمایندگان کهنات خداوند برای گمشدگان این جهان باشیم.
خدمت کاهنیت کهنات لاوی ، نمادی از خدمت کاهنیت ما به عنوان کاهنان ایماندار امروزی است.

کهنات لاوی

هنگامی که قوم اسرائیل از مصر بیرون آمدند و خدا به آنها شریعت داد ، قبیله لاوی جدا شد تا آن ها کاهن شوند. کاهنان زیادی وجود داشتند ، اما در آن زمان فقط یک کاهن اعظم وجود داشت. این مردان کاهن می شدند زیرا در خانواده لاویان به دنیا آمده بودند. آنها توسط خدا منحصرأ به عنوان کاهن انتخاب نشدند.
کاهنان اعظم نمایندگان عیسی خداوند بودند. ما فضا و حجم لازم برای وارد شدن به مبحث لباس کاهنان را نداریم چون مبحث طولانی ای خواهد بود، اما در هر مورد از لباس هایش که او می پوشید یک مطالعه غنی و مفصل وجود دارد.

این کاهن اعظم بود که در روز کفاره به قدس الاقداس داخل می شد و خون قربانی را برای گناهان همه قوم بر روی صندلی رحمت می پاشید. نویسنده کتاب عبرانیان این لحظه را برای ما خلاصه کرده است:

لکن در دوم سالی یک مرتبه رئیس کهنه تنها داخل میشود؛ و آن هم نه بدون خونی که برای خود و برای جهالات قوم میگذرانند .عبرانیان 9:7

از زمان ارائه شریعت ، نسل لاوی به عنوان کاهن تعیین شدند. با این حال ، هنگامی که عیسی خداوند آمد ، او از نسل هارون نبود. او از قبیله لاوی نبود. او از قبیله یهودا بود - از داود ، و به ما گفته می شود که او کاهنی به رتبه ملکيصدق بود. چرا؟

کهنات لاویان یک کهناتی از اعمال - از انجام - و کارها بود. این کهناتی از مردانی بود که اعمال شریعت را انجام می دادند. نویسنده کتاب عبرانیان می گوید که آنها "طبق شریعت احکام جسمانی بودند".

آمدن عیسی خداوند به اینصورت بود که: **به شریعت و احکام جسمی مبعوث نشود بلکه به قوت حیات غیرفانی .**
عبرانیان 7:16

کلمه "جسمی" به معنای از لحاظ جسم بودن است - یعنی موقتی. آنها برای مدتی موقت کاهن بودند. قربانی هایی که برای گناهان قوم انجام می دادند برای زمانی موقت بود. آنها باید بارها و بارها قربانی می گذراندند.

رتبه ملکيصدق

* ملکيصدق چه کسی بود؟

اولین جایی که از ملکيصدق نام برده شده در کتاب **پیدایش باب 14** می باشد.

و ملکيصدق، ملک سالیم، نان و شراب بیرون آورد. و او کاهن خدای تعالی بود، و او را مبارک خوانده، گفت:
«مبارک باد ابرام از جانب خدای تعالی، مالک آسمان و زمین. و متبارک باد خدای تعالی، که دشمنانت را به دست تسلیم کرد.» و او را از هر چیز، ده یک داد. پیدایش 14: 18 - 20

ملکيصدق یک پادشاه و یک کاهن بود. نویسنده کتاب عبرانیان در مورد این ملاقات و اینکه ملکيصدق چه کسی بود، اطلاعات بیشتری در اختیار ما قرار می دهد.

زیرا این ملک‌یصداق، پادشاه سالیام و کاهن خدای تعالی، هنگامی که ابراهیم از شکست دادن ملوک، مراجعت می‌کرد، او را استقبال کرده، بدو برکت داد. و ابراهیم نیز از همه چیزها ده یک بدو داد؛ که او اول ترجمه شده «پادشاه عدالت» است و بعد ملک سالیام نیز یعنی «پادشاه سلامتی». بدون پدر و بی مادر و بی نسب نامه و بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بلکه به شبیه پسر خدا شده، کاهن دایمی میماند. عبرانیان 1:7 - 3

هیچ اشاره ای به پدر، مادر و شجره نامه ملک‌یصداق وجود ندارد، بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بود. به همین دلیل بسیاری احساس می‌کنند که ملک‌یصداق، تجلی خدا در انسان است - یعنی ظهور مسیح خداوند در عهد عتیق.

* عظمت و بزرگی او چقدر بود؟

عظمت و بزرگی ملک‌یصداق با این حقیقت سنجیده می‌شود، ابراهیمی که از جانب خدا برگزیده شد تا پدر یک خانواده و نسل بزرگی باشد (پدر امت های بسیار)، و در بر دارنده وعده مسیح موعود، مردی با ثروت و دارایی بسیار زیاد، با این حال او از ملک‌یصداق برکت دریافت کرد. و در صلب ابراهیم نیز، همه کاهنانی که از نسل لاوی در آینده می‌آیند، در واقع از یک کهنات بزرگتر برکت دریافت کردند. باز هم به نوشته های عبرانیان اشاره می‌کنیم:

پس ملاحظه کنید که این شخص چقدر بزرگ بود که ابراهیم پاتریارخ نیز از بهترین غنایم، ده یک بدو داد. و اما از اولاد لاوی کسانی که کهنات را میبایند، حکم دارند که از قوم بحسب شریعت ده یک بگیرند، یعنی از برادران خود، باآنکه ایشان نیز از صلب ابراهیم پدید آمدند. لکن آن کس که نسبتی بدیشان نداشت، از ابراهیم ده یک گرفته و صاحب وعده ها را برکت داده است. و بدون هر شبهه، کوچک از بزرگ برکت داده میشود. عبرانیان 7:4 - 7

پیشگویی داود

داود در مورد کهنات ملک‌یصداق پیشگویی کرد. توجه کنید که این کاهن توسط خدا انتخاب شده است - برای او قسم خورده شده - و یک کاهن ابدی است.

خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که «تو کاهن هستی تا ابدالابد، به رتبه ملک‌یصداق». مزامیر 110:4

در عبرانیان تصدیق و تأیید شده است

این پیشگویی توسط نویسنده کتاب عبرانیان تصدیق و تأیید شده است.

چنانکه در مقام دیگر نیز میگوید: «تو تا به ابدکاهن هستی بر رتبه ملکيصدق.» و او در ایام بشریت خود، چونکه با فریادشدید و اشکها نزد او که به رهانیدنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید، هر چند پسر بود، به مصیبتهایی که کشید، اطاعت را آموخت و کامل شده، جمیع مطیعان خود را سبب نجات جاودانی گشت. و خدا او را به رئیس کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملکيصدق. عبرانیان 5: 6 – 10

تغییر کهنات و شریعت

هنگامی که عیسی خداوند جان سپرد و زنده گردید، عملکردهای کهنات لاویان کامل گردید. قربانی ای که او به انجام رسانید کامل بود. دیگر نیازی به کهنات لاوی یا قربانی هایی که آنها انجام می دادند، نبود.

و دیگر اگر از کهنات لاوی، کمال حاصل میشد (زیرا قوم شریعت را بر آن یافتند)، باز چه احتیاج میبود که کاهنی دیگر بر رتبه ملکيصدق مبعوث شود و مذکور شود که بر رتبه هارون نیست؟ زیرا هر گاه کهنات تغییر می پذیرد، البته شریعت نیز تبدیل می یابد. عبرانیان 7: 11 – 12

اما کهنات به رتبه ملکيصدق ابدی و بی زوال است و قربانی ابدی است.

لکن وی چون تا به ابد باقی است، کهنات بیزوال دارد. از این جهت نیز قادر است که آنانی را که بوسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی نهایت بخشد، چونکه دائم زنده است تا شفاعت ایشان را بکند. زیرا که ما را چنین رئیس کهنه شایسته است، قدوس و بی آزار و بی عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده که هرروز محتاج نباشد به مثال آن روسای کهنه که اول برای گناهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذرانند، چونکه این را یک بار فقط به جا آورد هنگامی که خود را به قربانی گذرانید. عبرانیان 7: 24 – 27

کاهنان امروز

کاهنان دوره عهد عتیق سایه های از کاهنان حقیقی بودند. عیسی خداوند کهنات را کاملاً به انجام رسانید. دیگر نیازی نیست که کاهنان قربانی کنند ، یا امروز به جهت ما به نزد خدا بروند.

در کتاب مکاشفه در می یابیم که ما پادشاه و کاهن هستیم. ما باید در روح قربانی تقدیم نمائیم. ما می بایست با مسیح حکمرانی و سلطنت کنیم.

و ما را نزد خدا و پدر خود پادشاهان و کهنه ساخت، او را جلال و توانایی باد تا ابدالابد. آمین. مکاشفه 1:6

ایشان با بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که او رب الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با وی هستند که خوانده شده و برگزیده و امینند.» مکاشفه 17:14

عیسی خداوند است ، و ایمانداران ارباب هستند.

عیسی پادشاه است ، و ایمانداران پادشاه هستند.

توجه: برای مطالعه بیشتر در مورد خیمه ، کهنات ، هدایا ، قربانی و کاهنان، توصیه می کنیم کتاب الگویی برای زندگی ، نوشته Alex W. Ness را مطالعه بفرمائید.

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس ششم

۱) هفت عید اسرائیل را نام ببرید؟

۲) اهمیت عید شیپورها را توصیف کنید؟

۳. عملکردهای امروز ما به عنوان پادشاهان و کاهنان چیست؟

درس هفتم

رهبران عهد عتیق

عهد عتیق مملو از قهرمانان است - مردان و زنانی که باید آنها را بشناسیم و از آنها تقلید کنیم. هیچ چیز نمی تواند جای خواندن کتاب مقدس را در زندگی آنها بگیرد.

هنگامی که شرح زندگی قهرمانان عهد عتیق را می خوانیم ، باید از خود پرسیم: "چه چیزی زندگی آنها را از اطرافیشان متفاوت نمود؟ چه چیزی باید از آنها یاد بگیرم؟" آنچه آنها انجام دادند مهم است ، اما شاید ما بتوانیم بیشتر از آنکه آنان بودند یاد بگیریم.

نویسنده کتاب عبرانیان یک "لیست" شگفت انگیزی از قهرمانان ایمان در **عبرانیان باب 11** به ما می دهد. بارها و بارها او از کلمات "به وسیله ایمان" استفاده می کند. سرانجام ، او با این کلامات خاتمه می دهد:

و دیگر چه گویم؟ زیرا که وقت مرا کفاف نمی دهد که از جدعون و باراق و شمشون و یفتاح و داود و سموئیل و انبیا

اخبار نمایم، که از طریق ایمان،

تسخیر ممالک کردند و

به اعمال صالحه پرداختند و

وعده ها را پذیرفتند و

دهان شیران را بستند،

سورت آتش را خاموش کردند و

از دم شمشیرها رستگار شدند و

از ضعف، توانایی یافتند و

در جنگ شجاع شدند و

لشکرهای غربارا منهزم ساختند. عبرانیان 11: 32-34

ماهیت اصلی زندگی هر قهرمان کتاب مقدس ، ایمان بود. آنها مردان و زنان عادی با ضعف هایی مثل ضعف های من و شما بودند. آنها از این نقاط ضعف فراتر رفتند و با ایمان زندگی کردند.

خنوخ – با خدا راه می رفت

مرجع: پیدایش 4: 17-18؛ 5: 19-25؛ یهودا 1: 14

هرگز نمرود!

قدرت خنوخ صمیمیت و مشارکتش با خدا بود.

خنوخ 365 سال در دوره زمانی قبل از سیل، زندگی کرد. او در دوره ای زندگی می کرد که انسان آنقدر فاسد شده بود که آنها داوری و قضاوت خدا را بر روی خود و زمین، که سیل بود، فرود آوردند. و با این حال، خنوخ "با خدا راه می رفت".

و خنوخ با خدا راه میرفت و نایاب شد، زیرا خدا او را برگرفت. پیدایش 5: 24

خنوخ موت را ندید! او بر روی زمین راه می رفت، سپس دیگر یافت نشد. نویسنده کتاب عبرانیان به ما می گوید که این اتفاق از طریق ایمان رخ داده است:

به ایمان خنوخ منتقل گشت تا موت را نبیند و نایاب شد چرا که خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد. عبرانیان 11: 5

طبق کتاب مقدس، فقط دو مرد وجود داشتند - خنوخ و ایلیا - که نمرودند.

پیشگویی خنوخ

در کتاب یهودا، پیشگویی از خنوخ به ما داده شده است که هنوز تحقق نیافته است. جالب است که تنها پیشگویی ارائه شده توسط خنوخ، خبر از بازگشت دوباره مسیح خداوند می دهد.

لکن خنوخ که هفتم از آدم بود، درباره همین اشخاص خبر داده، گفت: «اینک خداوند با هزاران هزار از مقدسین خود یهودا آمد یهودا 1:14»

نوح سازنده کشتی

مرجع: پیدایش 5: 29؛ 6: 9

120 سال ایمان و اطاعت

نقاط قوت نوح صمیمیت و مشارکت او با خدا و استقامت او بود. همانطور که او کشتی را می ساخت ، نوح به مدت 120 سال در ایمان و اطاعت در پر شرارت ترین زمان روی زمین راه می رفت. کتاب مقدس به ما می گوید که همه مردم روی زمین فاسد بودند.

پیدایش 6:5 و خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است، و هر تصور از خیالهای دل وی دائم محض شرارت است .

با اینکه نوح با این شرارت ها احاطه شده بود ، اما می خوانیم که :

.... نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه میرفت .پیدایش 6:9

نوح آنقدر از نزدیک و صمیمی با خدا راه می رفت ، که خدا توانست نقشه کشتی ای را که باعث نجات خانواده اش و حیوانات می شد را به او بدهد.

نوح یک شخص راستین بود. او می بایست مثل ما با ایمان راه می رفت. سال بعد سال ، بیش از هفتاد سال ، او در ساخت یک عمارت عجیب کار می کرد ، که باور داشت وقتی سیل بزرگی سراسر زمین را فرا می گیرد ، آن را شناور می کند. هیچ کس تا آن لحظه قایقی ندیده بود و به احتمال زیاد هیچ کس باران را نیز ندیده بود. چقدر باید

مردم دور و برش او را مورد تمسخر و استهزا قرار داده باشند. انگار به نظر می رسید که او عقلش را از دست داده باشد.

نوح نمونه کسی است که، به آنچه از خدا شنیده است آگاهی دارد و علی رغم همه جفاها و کج فهمی ها، همچنان به آنچه خداوند گفته است ایمان دارد. نوح نمونه ای از ایمان مداوم است.

زندگی وی توسط نویسنده کتاب عبرانیان خلاصه شده است:

به ایمان نوح چون درباره اموری که تا آن وقت دیده نشده، الهام یافته بود، خداترس شده، کشتی ای بجهت اهل خانه خود بساخت و به آن، دنیا را ملزم ساخته، وارث آن نیکی ای که از ایمان است گردید. عبرانیان 11:7

ابراهیم – سیاحت روحانی

مرجع: پیدایش باب های 10 و 12 تا 25

توجه: خدا نام ابرام را در 99 سالگی به ابراهیم تغییر داد. برای درک راحتتر، ما از نام ابراهیم استفاده می کنیم.

نقاط قوت ابراهیم: اطاعت، مهمان نوازی، شناخت طریق های خدا، شفاعت برای دیگران و سخاوت بود.

دوست خدا – پدر امت ها

درباره زندگی ابراهیم کتاب هایی نوشته شده است. ایمان و اطاعت او در طول سال هایی که نقل مکان می کرد با هم موازی نیست. ما مجاز به مشارکت نزدیک در پیروزی ها و همچنین شکست های او هستیم. ابراهیم مانند بقیه یک انسان بود و با این وجود از طرف خداوند برگزیده شد تا پدر امت های بسیار شود.

نویسنده کتاب عبرانیان زندگی او را با این جملات خلاصه می کند:

به وسیله ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و بیرون رفت به سمت آن مکانی که میبایست به میراث یابد. پس بیرون آمد و نمی دانست به کجا میرود. و به ایمان در زمین وعده مثل زمین بیگانه غربت پذیرفت و درخیمه ها با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود. زانرو که مترقب شهری بانبیاد بود که معمار

و سازنده آن خداست. به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد از انقضای وقت زایید، چونکه وعده دهنده را امین دانست. عبرانیان 11: 8-11

ما اغلب فقط از ایمان ابراهیم می شنویم ، اما خوب است که توجه کنیم نویسنده کتاب عبرانیان نیز به ایمان سارا اشاره کرده است.

خداوند از طریق اشعیای نبی به ما می گوید که ابراهیم دوست او بود.

اما تو ای اسرائیل بنده من و ای یعقوب که تورا برگزیده ام و ای ذریت دوست من ابراهیم ! اشعیا 41:8

به وسیله خدا خوانده شد

کتاب مقدس ، چیزی درباره زندگی ابراهیم تا زمان هفتاد و پنج سالگی به جز شجره نامه او به ما نمی گوید ، که بعد از آن خدا در سرزمین اور با او صحبت کرد و او را از آن سرزمین فراخواند.

و خداوند به ابرام گفت: «از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمع قبایل جهان برکت خواهند یافت.» پیدایش 12: 1-3

وعده های خدا به ابراهیم سه مورد بود:

*** خدا به او زمین خواهد داد.**

*** او پدر امت های بسیار خواهد بود.**

*** از طریق او ، جمع قبایل جهان برکت می یابند.**

هرچقدر که این وعده ها شگفت انگیز به نظر می رسیدند ، اما آن وعده ها هیچ گونه مشخصاتی را ارائه نمی دادند. ابراهیم می بایست انتخاب کند. او می توانست به خدا اعتماد کند ، و هر آنچه را که می دانست ترک

کند و به منطقه و ناحیه نامعلوم وارد شود و با ایمان راه برود ، یا می تواند در همان جایی که بود بماند. پاسخ او اطاعت و ایمان بود.

پس ابرام، چنانکه خداوند بدو فرموده بود، روانه شد. و لوط همراه وی رفت. و ابرام هفتاد و پنج ساله بود، هنگامی که از حران بیرون آمد. پیدایش 12:4

قبل از ترک کردن اور ، خداوند به ابراهیم نگفت که قصد دارد کدام سرزمین را به او بدهد. در عوض ، او می بایست با ایمان قدم بر می داشت ، و از سرزمین کنعان می گذشت ، و مانند عشایر از جایی به جای دیگر نقل مکان می کرد.

خدا دائماً او را برکت می داد و ثروت زیادی به او می بخشید ، اما او پسری نداشت - وارثی نداشت. و سرانجام ، یازده سال پس از آنکه خدا به او وعده داده بود که پدر امت های بسیار خواهد بود ، از طریق هاجر صاحب پسری به نام اسماعیل شد.

همه اعراب از خاندان اسماعیل هستند. اما اسماعیل پسر وعده نبود تا همه امت های زمین از طریق آن برکت پیدا کنند.

متولد شدن اسحاق

سیزده سال دیگر گذشت ، و سپس خداوند وعده خود را به ابراهیم تجدید و احیاء نمود.

و چون ابرام نود و نه ساله بود، خداوندبر ابرام ظاهر شده، گفت: «من هستم خدای قادر مطلق، پیش روی من بخرام و کامل شو، «اما من اینک عهد من با توست و تو پدر امت های بسیار خواهی بود. و نام تو بعد از این ابرام خوانده نشود بلکه نام تو ابراهیم خواهدبود، زیرا که تو را پدر امت های بسیار گردانیدم. و تو را بسیار بارور نمایم و امتها از تو پدیدآورم و پادشاهان از تو به وجود آیند. پیدایش 17: 1, 4-6

و ابراهیم، در هنگام ولادت پسرش، اسحاق، صد ساله بود. پیدایش 21:5

نام ابراهیم به معنای پدر امت های بسیار است.

قربانی

ابراهیم همچنان به خدا ایمان داشت و سی سال منتظر به دنیا آمدن اسحاق بود. اما سپس وقتی اسحاق هنوز یک جوان بود، خداوند دوباره با ابراهیم صحبت کرد. یوسفوس، مورخ یهودی، سن اسحاق را در حدود بیست و پنج سالگی تخمین می زند.

و واقع شد بعد از این وقایع، که خدا ابراهیم را امتحان کرده، بدو گفت: «ای ابراهیم!» عرض کرد: «لیک. گفت: «کنون پسر خود را، که یگانه توست و او را دوست میداری، یعنی اسحاق را بردار و به زمین موریابرو، و او را در آنجا، بر یکی از کوههایی که به تو نشان میدهم، برای قربانی سوختنی بگذران.» پیدایش 22: 1-2

حتی درک کردن احساس ابراهیم غیرممکن است. خدا ... دوستش ... بعد از آن همه سال انتظار پسر موعود ... وارثش ... خدا حالا می گوید اسحاق را قربانی کن؟

ایمان و اطاعت

پاسخ ابراهیم چه بود؟ هنوز هم اطاعت و ایمان.

پیدایش 22:3 بامدادان، ابراهیم برخاسته، الاغ خود رایباراست، و دو نفر از نوکران خود را، با پسر خویش اسحاق، برداشته و هیزم برای قربانی سوختنی، شکسته، روانه شد، و به سوی آن مکانی که خدا او را فرموده بود، رفت .

ما ایمان او را می بینیم وقتی می خوانیم که او به خادمانش هنگامی که آنان را ترک می کند چه چیزی می گوید.

و در روز سوم، ابراهیم چشمان خود را بلند کرده، آن مکان را از دور دید. آنگاه ابراهیم، به خادمان خود گفت: «شما در اینجا نزد الاغ بمانید، تا من با پسر بدانجا رویم، و عبادت کرده، نزد شما باز آییم.» پیدایش 22:4 - 5

" **نزد شما باز آییم** " ابراهیم قصد داشت قربانی خدا را انجام دهد. اما او هنوز می دانست که خدا به او این پسر وعده داده شده را عطا کرده است و او پدر امت های بسیار خواهد شد.

ایمان او را هنگامی که به اسحاق پاسخ داد می شنویم :

ابراهیم گفت: «ای پسر من، خدا بره قربانی را برای خود مهیا خواهد ساخت.» و هر دو با هم رفتند. پیدایش 22:8

در آخرین لحظه ، خداوند قربانی جایگزین را مهیا ساخت.

در حال، فرشته خداوند از آسمان وی را ندا در داد و گفت: «ای ابراهیم! ای ابراهیم!» عرض کرد: «لیک.» گفت: «دست خود را بر پسر دراز مکن، و بدو هیچ مکن، زیرا که الان دانستم که تو از خدا میترسی، چونکه پسر یگانه خود را از من دریغ نداشتی.» آنگاه، ابراهیم، چشمان خود را بلند کرده، دید که اینک قوچی، در عقب وی، در بیشه‌ای، به شاخهایش گرفتار شده. پس ابراهیم رفت و قوچ را گرفته، آن را در عوض پسر خود، برای قربانی سوختنی گذرانید. پیدایش 22: 11 – 13

در این قربانی ، تصویری شگفت انگیز از خدای پدر به ما داده شده است که پسر خود را به عنوان قربانی برای تمام جهان می دهد. اگر ما به مطالعه جغرافیا پردازیم ، می بینیم که قربانی شدن قوچ جایگزین ، در همان کوهی انجام شد که صدها سال بعد عیسی خداوند مصلوب می شود.

یعقوب – از حيله گر به شاهزاده

مرجع: پیدایش 21: 25 و 33: 49

از یعقوب تا اسرائیل

نقطه قوت یعقوب این بود که او طریق های خدا را می دانست.

زندگی یعقوب یکی از تضاد هاست. نام او به معنای حيله گر بود و زندگی او دقیقاً به همین ترتیب آغاز شد. اما خدا گفت ، "یعقوب را دوست داشتم."

داستان او روایت یکی از مردان و زنانی است که سعی در تحقق برنامه های خدا داشتند. این داستان افرادی است که سعی می کنند از طریق جسم آن چیزی را که خدا می خواهد در روح عمل کند به انجام رسانند. همچنین این یک نمونه فوق العاده از شناخت قدرت خدا در تغییر زندگی افراد است.

قبل از تولد دوقلوها یعنی عیسو و یعقوب ، خدا درباره آنها صحبت نمود :

خداوند به وی گفت: «دو امت در بطن تو هستند، و دو قوم از رحم تو جدا شوند. قومی بر قومی تسلط خواهد یافت، و بزرگ، کوچک را بندگی خواهد نمود.» پیدایش 25:23

خدا گفته بود ، "بزرگتر کوچکتر را بندگی کند" ، اما در کتاب **پیدایش باب 25** ، می بینیم که چطور یعقوب عیسو را ترغیب کرد که به خاطر طعمی از نخستزادگی خود صرف نظر کند. در کتاب **پیدایش باب 27** ، ما داستان چگونگی نقشه ربکا و یعقوب ، برای دزدیدن برکت نخستزادگی از عیسو یعنی پسر بزرگ تر را می خوانیم. یعقوب فریبکارانه عمل کرد ، به پدر خود دروغ گفت ، و حتی از نام یهوه خداوند در دروغ های خود استفاده کرد. او برکتی را که برای عیسو در نظر گرفته شده بود دریافت کرد ، اما از ترس جان خود ، مجبور به فرار شد.

رویا در بیت‌ئیل

هنگامی که یعقوب از خشم برادرش فرار می کرد ، در بیت‌ئیل رویایی دید.

و خوابی دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده، که سرش به آسمان میرسد، و اینک فرشتگان خدا، بر آن صعود و نزول میکنند. در حال، خداوند بر سر آن ایستاده، میگوید: «من هستم یهوه، خدای پدرت ابراهیم، و خدای اسحاق. این زمینی را که تو بر آن خفتهای به تو و به ذریت تو میبخشم. و ذریت تو مانند غبار زمین خواهند شد، و به مغرب و مشرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد، و از تو و از نسل تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت. و اینک من با تو هستم، و تو را در هر جایی که روی، محافظت فرمایم تا تو را بدین زمین باز آورم، زیرا که تا آنچه به تو گفتم، بجانیآورم، تو را رها نخواهم کرد.» پیدایش 28: 12 – 15

خداوند وعده ای را که به ابراهیم داده بود به یعقوب تجدید و احیاء کرد. مسیح از طریق یعقوب می آید.

پیدایش 28: 20 – 22 و یعقوب نذر کرده، گفت: «اگر خدا با من باشد، و مرا در این راه که می‌روم محافظت کند، و مرا نان دهد تا بخورم، و رخت تا بپوشم، تا به خانه پدر خود به سلامتی برگردم، هر آینه بیهوش، خدای من خواهد بود. و این سنگی را که چون ستون برپا کردم، بیت‌ئیل شود، و آنچه به من بدهی، ده یک آن را به تو خواهم داد.»

فریب دهنده فریب خورد

زندگی یعقوب ناگهان کامل و عالی نشد. او پدر خود را فریب داده بود، و حالا فریب لابان را خواهد خورد که پدر شوهرش خواهد بود. او توافق نمود که هفت سال کار کند تا راحیل، همسرش شود، اما لابان و لیه که خواهر راحیل بود، او را فریب دادند و او مجبور شد هفت سال دیگر را به خاطر راحیل کار کند. سرانجام، پس از آنکه یعقوب بیست سال آشفته و متلاطم در کنار لابان بود و در آن سال‌ها لابان مدام از او بهره می برد، خدا به او گفت که به سرزمین خود باز گردد.

من هستم خدای بیت ئیل، جایی که ستون را مسح کردی و با من نذر نمودی. الان برخاسته، از این زمین روانه شده، به زمین مولد خویش مراجعت نما.» پیدایش 31:13

یعقوب از خدا اطاعت کرد، اما او هنوز از برادرش عیسو می ترسید. و چون شنید که عیسو با چهارصد نفر به استقبال او می آید، دعا نمود! او وعده هایش را به خدا یادآور شد. او برای محافظت از همسران و فرزندانش دعا کرد.

ملاقات در فنیئیل

در حالی که او به دعا در فنیئیل ادامه می داد، یعقوب یک دیدار شخصی با خدا داشت. نام و زندگی او تغییر کرد.

و یعقوب تنها ماند و مردی با وی تا طلوع فجر کشتی میگرفت. و چون او دید که بر وی غلبه نمی یابد، کف ران یعقوب را لمس کرد، و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد. پس گفت: «مرا رها کن زیرا که فجر می شکافد.» گفت: «تا مرا برکت ندهی تو را رها نکنم.» به وی گفت: «نام تو چیست؟» گفت: «یعقوب.» گفت: «از این

پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل، زیرا که با خدا و بانسان مجاهده کردی و نصرت یافتی.» و یعقوب از او سوال کرده، گفت: «مرا از نام خود آگاه ساز.» گفت: «چرا اسم مرا میپرسی؟» و او رادر آنجا برکت داد. و یعقوب آن مکان را «فنیئیل» نامیده، گفت: «زیرا خدا را روبرو دیدم و جانم رستگار شد.» پیدایش 32: 24 – 30

یعقوب حيله گر تبدیل به اسرائیل شد، حاکمی همچون خدا. خاندان او به عنوان بنی اسرائیل یا اسرائیلی ها شناخته شدند. آنها هنوز با این نام شناخته می شوند.

آیا مجاهده با خدا مجاز است؟

بله، اگر در ایمان با انگیزه های مناسب انجام شود.

به عنوان مثال:

ابراهیم برای سدوم و عموره با خدا مجاهده کرد

یعقوب برای برکت با خدا مجاهده کرد.

موسی برای بنی اسرائیل با خدا مجاهده کرد.

یوسف – منجی امت ها

مرجع: پیدایش باب 37 تا 50

از عرش به فرش – دو مرتبه

نقاط قوت یوسف قلبی بخشنده بود. ذهن خلاق و سازمان یافته، شخصیتی دلپذیر و قلبی خدمتگذار. از روایات کتاب مقدس درباره زندگی یوسف، کودکی خوش منظر بود. پدرش، یعقوب، بسیار ثروتمند بود و یوسف پسر مورد علاقه او بود. یوسف در کودکی حتی در خواب های مخصوصی از خدا می شنید.

این رویاها ، او را نزد پدرش مورد علاقه قرار داد و شاید فخر او باعث نفرت برادرانش شد. آنها او را در گودالی انداختند و سپس به بردگی فروختند.

و چون تجار مدیانی در گذر بودند، یوسف را از چاه کشیده، بر آوردند، و یوسف را به اسماعیلیان به بیست پاره نقره فروختند. پس یوسف را به مصر بردند. پیدایش 37:28

در مصر ، یوسف مباشر خانه و کالاهای یک مرد ثروتمند به نام فوتیفار شد. او به مقام والایی به عنوان یک برده رسیده بود. اما سپس ، همسر فوتیفار سعی کرد او را وادار کند تا با او گناه کند.

و بعد از این امور واقع شد که زن آقایش بر یوسف نظر انداخته، گفت: «با من همخواب شو.» اما او ابا نموده، به زن آقای خود گفت: «اینک آقایم از آنچه نزد من در خانه است، خبر ندارد، و آنچه دارد، به دست من سپرده است. بزرگتری از من در این خانه نیست و چیزی از من دریغ نداشته، جز تو، چون زوجه او میباشی؛ پس چگونه مرتکب این شرارت بزرگ بشوم و به خدا خطاورزم؟» پیدایش 7:39 – 9

از آنجا که یوسف اغوا نگردید و فریب نخورد ، همسر فوتیفار او را به دروغ متهم کرد و او را به زندان انداختند. پس چون آقایش سخن زن خود را شنید که به وی بیان کرده، گفت: «غلامت به من چنین کرده است، « خشم او افروخته شد. و آقای یوسف، او را گرفته، در زندان خانهای که اسیران پادشاه بسته بودند، انداخت و آنجا در زندان ماند. پیدایش 19:39 – 20

آیا خداوند اجازه داد یوسف بی دلیل به بردگی فروخته شود؟

وقتی خدا برای زندگی ما یک برنامه عالی دارد ، "دوره هایی برای یادگیری" وجود دارد که باید آنها را پشت سر بگذاریم. خدا باید نظم و انضباطی را در زندگی یوسف وارد می کرد تا او بتواند مسئولیت های زمامداری را بر عهده بگیرد.

یوسف از پسر مورد علاقه و پسندیده به برده ای محترم تبدیل شده بود. حالا ، او زندانی بود. رویاهای قبلی او احتمالاً دور از ذهن به نظر می رسید. حتماً فکر کرده بود که آیا واقعاً خدا آن خواب ها را به او داده است؟

به صورت نمادین ، او برادرانش را دیده بود که در برابر او سر تعظیم فرود می آورند ، اما اکنون او در زندان برده بود. شاید او سوال کرده باشد ، "خدایا ، من چه کار اشتباهی دارم انجام می دهم؟"

با این حال یوسف به شنیدن از خدا ادامه می داد و برای دیگران در زندان خواب ها را تعبیر می کرد. سپس خدا رویایی به فرعون داد که هیچ کس نتوانست آن را توضیح دهد - هیچ کس به جز یوسف. او را از زندان آوردند و خدا تعبیرش را به او داد. یوسف از طریق یک خواب و تعبیر آن یعنی آمدن یک قحطی در آینده ، شخص دوم مصر بعد از فرعون شد.

قحطی درست همانطور که یوسف پیش بینی کرده بود به وقوع پیوست و مردم بسیاری از قبایل برای مصارفی که به دستور یوسف ذخیره شده بود به مصر آمدند. برادران یوسف از جمله کسانی بودند که آمدند. و آنها همانطور که خواب دیده بود در برابر او تعظیم کردند.

درسهایی برای یادگیری

چه چیزی باید از زندگی یوسف یاد بگیریم؟

وقتی خدا خواب یا رویایی به ما می دهد ، آن را محقق می سازد. گاهی اوقات ، ما زمانبندی خدا را نمی بینیم و ممکن است موقعیت های سخت در زندگی ما برای این باشد که ما را به شخصی تبدیل کند که خدا بتواند از او استفاده کند و ما را به مکانی که آنجا خدا به ما نیاز دارد منتقل کند.

یوسف همچنین یک نمونه شگفت انگیز از عمل بخشش است که در زندگی یک ایماندار کار می کند.

نمادی از مسیح خداوند

یوسف نماد عهد عتیقی از مسیح خداوند است.

*** او موقعیت ثروت خود را ترک کرد و به سرزمینی دور رفت.**

*** او نجات را برای امت ها به ارمغان آورد.**

*** او به طور رایگان برادران خود را بخشید.**

یوسف خلاصه تمام آنچه را که از سر گذرانده بود را با این کلمات بیان نمود:

یوسف ایشان را گفت: «ترسید زیرا که آیا من در جای خدا هستم؟ شما درباره من بد اندیشیدید، لیکن خدا از آن

قصد نیکی کرد، تا کاری کند که قوم کثیری را احیا نماید، چنانکه امروز شده است. پیدایش 50: 19 – 20

موسی – رهایی از بردگی و اسارت

مرجع: خروج – تنبیه

40 سال در خانواده فرعون

موسی برده به دنیا آمد، توسط مادرش برای نجات جان خود در سبد رودخانه نیل قرار گرفت و توسط دختر فرعون پیدا شد. او به عنوان پسر فرعون بزرگ شد، اما وقتی زمان آن فرا رسید، او با قوم خود یکی گردید.

نویسنده کتاب عبرانیان این را توضیح می دهد:

به ایمان چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه پسر دختر فرعون خوانده شود، و ذلیل بودن با قوم خدا را پسندیده تر داشت از آنکه لذت اندک زمانی گناه را ببرد؛ و عار مسیح رادولتی بزرگتر از خزائن مصر پنداشت زیرا که به سوی مجازات نظر میداشت. به ایمان، مصر را ترک کرد و از غضب پادشاه نترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید، استوار ماند. عبرانیان 11: 24 – 27

40 سال مخفی شدن در بیابان

نقاط قوت موسی فروتنی او و دانستن طریق های خدا بود. نقاط ضعف او بدخلقی او بود که موجب اعمال نابخردانه او می شد مانند: قتل یک مصری، جنگ با چوپانان، شکستن لوح های سنگی و زدن صخره برای دو مرتبه. موسی به بیابان گریخت و چهل سال از عمر خود را در آنجا گذراند. سپس خداوند در بوته ای مشتعل به او ظاهر شد و او را فراخواند تا قوم خود را از بردگی بیرون آورد.

و فرشته خداوند در شعله آتش از میان بوته‌های بروی ظاهر شد، و چون او نگریست، اینک آن بوته به آتش مشتعل است اما سوخته نمی شود. چون خداوند دید که برای دیدن مایل بدان سومی شود، خدا از میان بوته به وی ندا در داد و گفت: «ای موسی! ای موسی!» گفت: «لیک.» و گفت: «من هستم خدای پدرت، خدای ابراهیم، و خدای اسحاق، و خدای یعقوب.» آنگاه موسی روی خود را پوشانید، زیرا ترسید که به خدا بنگرد. و الان اینک استغاثه بنی اسرائیل نزد من رسیده است، و ظلمی را نیز که مصریان بر ایشان میکنند، دیده‌ام. پس اکنون بیا تا تو را نزد فرعون بفرستم، و قوم من، بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری.» خروج 3:2, 4, 6, 9-10

40 سال - رهبری قوم اسرائیل

هیچ نمونه بزرگتری از شخصیتی که، در اقتدار خدا حرکت می کند بیش از موسی نیست. او بلایا را بر فرعونیان وارد آورد. عصای خود را برافراشت و دریا از هم جدا شد. او درختی را در آب تلخ انداخت و آن شیرین شد. با خدا صحبت کرد. او حتی برای زنده ماندن قومش با خدا بحث کرد. او به مدت چهل سال قبیله ای با بیش از یک میلیون نفر را در میان بیابان رهبری کرد. از طریق او خیمه و شریعت به ما داده شد. و با همه این ها، ما در کتاب اعداد می خوانیم که موسی بسیار فروتن بود - فروتن تر از همه مردمانی که بر روی زمین بودند.

و موسی مرد بسیار حلیم بود، بیشتر از جمیع مردمانی که در روی زمینند. اعداد 3:12

چه خصوصیت رهبری ای را می توانیم از موسی بیاموزیم؟ فروتنی و اقتدار حقیقی. اقتدار خدا از طریق افراد فروتن عمل می کند. فروتنی این نیست که بدون غرور به فکر خودت باشی. بلکه فروتنی اصلاً به فکر خود بودن نیست.

موسی تنها مردی است که توسط خدا دفن شد.

و خداوند وی را گفت: «این است زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده، گفتم که این را به ذریت تو خواهم داد، تو را اجازت دادم که به چشم خود آن را ببینی لیکن به آنجا عبور نخواهی کرد.» پس موسی بنده خداوند در آنجا به زمین موآب برحسب قول خداوند مرد. و او را در زمین موآب در مقابل بیت فعور، در دره دفن

کرد، و احدی قبر او را تا امروز ندانسته است. و موسی چون وفات یافت، صد و بیست سال داشت، و نه چشمش تار،
و نه قوتش کم شده بود. تثبیه 34: 4 – 7

داود – بزرگترین پادشاه اسرائیل

نقاط قوت داود این بود که او یک پرستنده بود، به مسح احترام می گذاشت، طریق های خدا را می دانست، تادیب را می پذیرفت و توبه کار بود. نقاط ضعف او مربوط به زنان زیبا و عدم موفقیت او در نظم و ترتیب دادن به خانواده و دوستان نزدیک بود.

داود یکی از برجسته ترین چهره ها در طول تاریخ است. امت اسرائیل در زمان سلطنت او به بزرگترین حد خود رسید. داود در چهار کتاب عهد عتیق برجسته و نمایان است – اول و دوم سموئیل، اول تواریخ و مزامیر. به دلیل اهمیتش در تاریخ، از عیسی خداوند به عنوان پسر ابراهیم یاد نشد، بلکه به عنوان پسر داود خوانده شد.

مسح او

داود کوچکترین پسر از هشت پسر بود، اما در حالی که او هنوز در خانه پدرش گوسفندان را نگهداری می کرد، خداوند سموئل را فرستاد تا او را مسح کند تا پادشاه بعدی اسرائیل باشد.

۱ سموئیل 16: 12-13 و خداوند گفت: «برخاسته، او را مسح کن زیرا که همین است.» پس سموئیل حقه روغن را گرفته، او را در میان برادرانش مسح نمود، و از آن روز به بعد روح خداوند بر داود مستولی شد، و سموئیل برخاسته، به رومه رفت .

بلافاصله داود را به خانه شائول پادشاه فرا خواندند تا برای او چنگ بنوازد. ما نمی دانیم او چه مدت در آن موقعیت باقی ماند. ولی می دانیم که او قبل از زمان ملاقاتش با جلیات غول پیکر به خانه برگشته بود.

شجاعت او

داود از زمانی که شیر و خرس را هنگام مراقبت از گوسفندان پدرش کشت ، فردی شجاع بود.

اسموئیل 17: 34-35 داود به شاول گفت: «بنده ات گله پدر خود را میچراند که شیر و خرسی آمده، بره ای از گله ربودند. و من آن را تعاقب نموده، کشتم و از دهانش رهنایم و چون به طرف من بلند شد، ریش او را گرفته، او را زدم و کشتم .

داود ایمانش به خدا و شجاعت خود را در این وقایع آزمایش کرده بود و آنها به او ایمان لازم برای کشتن جلیات غول پیکر را دادند.

اسموئیل 17:26 و داود کسانی را که نزد او ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: «به شخصی که این فلسطینی را بکشد و این ننگ را از اسرائیل بردارد چه خواهد شد؟ زیرا که این فلسطینی نامختون کیست که لشکرهای خدای حی را به ننگآورد؟»

داود به فلسطینی گفت: «تو با شمشیر و نیزه و مزراق نزد من میآیی اما من به اسم یهوه صباوت، خدای لشکرهای اسرائیل که او را به ننگآوردهای نزد تو میآیم. و خداوند امروز تو را بهدست من تسلیم خواهد کرد و تو را زده، سر تو را از تنت جدا خواهد کرد، و لاشه های لشکر فلسطینیان را امروز به مرغان هوا و درندگان زمین خواهم داد تا تمامی زمین بدانند که در اسرائیل خدایی هست. و تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه خلاصی نمی دهد زیرا که جنگ از آن خداوند است و او شما را بهدست ما خواهد داد.» اسموئیل 17: 45-47

ما بقیه ماجرا را می دانیم. داود نتوانست زره پوش پادشاه را به تن کند چون آن ها را تابحال نپوشیده بود ، اما در عوض با پنج سنگ کوچک و یک تیرکمان (فلاخن) به مقابله با غول رفت. او غول را کشت و نزد همه مردم قهرمان شد.

صبر و بردباری او

داود در حالی که چوپانی فرومایه بود ، توسط خداوند به عنوان پادشاه بعدی اسرائیل مسح شده بود. چقدر خوشبخت باید به نظر می رسید وقتی او از آن موقعیت به چنگ نوازی برای شائول رسیده بود و سپس ارتشبد او گردید و سرانجام داماد شائول شد . او حتی بهترین دوست یوناتان گردید ، یعنی بهترین دوست پسر شائول پادشاه که وارث طبیعی تاج و تخت او بود.

اما شائول به او حسادت کرد و از محبوبیت او نزد مردم ترسید. شائول می دید که او می تواند به راحتی پادشاه بعدی شود و چندین بار سعی کرد او را بکشد. داود برای زنده ماندن خود فرار کرد و به عنوان یک یاغی و فراری در غارها زندگی کرد. او فرصت این را داشت که شائول را در دو زمان متفاوت بکشد اما از این کار امتناع ورزید.

اینک امروز چشمانت دیده است که چگونه خداوند تو را در مغاره امروز بهدست من تسلیم نمود، و بعضی گفتند که تو را بگشم، اما چشمم بر تو شفقت نموده، گفتم دست خود را بر آقای خویش دراز نکنم، زیرا که مسیح خداوند است . اسموئیل 24:10

و ایشای به داود گفت: «امروز خدا، دشمن تو را بهدست تسلیم نموده. پس الان اذن بده تا او را با نیزه یک دفعه به زمین بدوزم و او را دوباره نخواهم زد.» و داود به ایشای گفت: «اورا هلاک مکن زیرا کیست که به مسیح خداوند دست خود را دراز کرده، بیگناه باشد . اسموئیل 26: 8 – 9

شاول در گذشت و داود پادشاه یهودا شد. سپس پسر شائول در گذشت و داود پادشاه تمام اسرائیل شد.

سلطنت او

*** وقایع قابل توجه بسیاری در زمان پادشاهی داود رخ داده است. او اورشلیم را تصرف کرد و آن را به پایتخت اسرائیل تبدیل کرد.**

*** او صندوق عهد را به اورشلیم آورد و خیمه داود را بنا نهاد.**

*** او پادشاهی را گسترش داد.**

*** او بتشیع، همسر اوریا را گرفت و سپس از گناه خود آشکارا توبه کرد.**

*** نقشه های معبد بزرگی که توسط پسرش سلیمان ساخته می شد به او داده شد.**

پرستش خدا

بزرگترین میراث داود برای ما ، به عنوان یک نوازنده ماهر بود. او پرستنده خدا بود. او بیشترین درصد از کتاب مزامیر را نوشت که تشویق آمیزترین کلمات برای ایمانداران دلسرد ، پریشان یا آشفته امروز است. او شگفت انگیزترین پیشگویی ها درباره مسیح موعود را نوشت.

او از طریق خیمه داود ، تصویری شگفت انگیز از آنچه امروز باید به عنوان ستایش و پرستش باشد ، به ما ارائه داد. داود جنگجو ، پادشاه ، نبی و مزمور سرا بود. او مردی موافق قلب خدا بود.

پس او را از میان برداشته، داود را برانگیخت تا پادشاه ایشان شود و در حق او شهادت داد که "داود بن یسی را مرغوب دل خود یافته ام که به تمامی اراده من عمل خواهد کرد". اعمال 13:22

خلاصه

فضا و جای کافی برای ورود به زندگی یوشع - سرباز خداوند ، جدعون - مرد توانمند دلاور ، سموئیل - داور عادل، یا سلیمان ، ایلیا ، الیشع ، دانیال ، عزرا یا نحمیا وجود ندارد. جایی برای مطالعه سارا ، استر ، روت یا دبوره وجود ندارد. اما به هر جایی که در سراسر دوره عهد عتیق نگاه کنیم ، خدا یک مرد یا یک زن داشت که به خواست او عمل کند. همیشه یک قهرمان وجود داشت که بایستد و برای خداوند محسوب شود.

این قهرمانان، مردان و زنان حقیقی بودند که نقاط قوت و ضعفی مانند ما داشتند. وقتی از آنها به عنوان افراد حقیقی تقدیر می کنیم ، می توانیم خودمان را ببینیم که در حال انجام کارهایی هستیم که آنها انجام می دادند. می توانیم خود را جدعون یا دبوره در زمان خود ببینیم.

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس هفتم

(1) ماهیت مشترک زندگی هر قهرمان کتاب مقدس در عهد عتیق که در عبرانیان باب 11 ذکر شده ، چه بود؟

(2) مثالهای کتاب مقدسی از اطاعت و ایمان ابراهیم را بیان کنید.

(3) یوسف از چه لحاظی نمادی از مسیح بود؟

معجزات عهد عتیق (لیست جزئی)

آدرس آیه	کتاب	شرح معجزه	تعداد	مبحث
باب اول	پیدایش	خلقت زمین	1	خلقت
1: 26-27؛ 2: 7، 21-22		خلقت بشر	2	
5: 19-24		رَبوده شدن خنوخ	3	خنوخ
7: 9-12، 17-24		سیل نوح	4	نوح
11: 1، 5-9		برج بابل	5	بنی آدم
12: 10-20		بلا بر فرعون و خانواده اش	6	-ابراهیم
15: 17-18		تنوری پر دود و چراغی مشتعل	7	
17: 15-19، 18: 10-14؛ 21: 1-3		حاملگی سارا	8	
10: 9-11		کور شدن لواط گران	9	
19: 15-25، 28-29		نابودی سدوم و غموره	10	
19: 24-28		همسر لوط به ستونی از نمک تبدیل شد	11	
21: 14-21		چاهی برای هاجر	12	موسی
3: 1-14	بوته سوزان	13		
4: 1-5؛ 7: 8-13	عصای موسی	14		
4: 6-12	دست جذام گرفته موسی	15	موسی و ده بلای مصریان	
4: 9، 14-24	بلای رود نیل	16		
8: 6	بلای قورباغه ها	17		
8: 16-19	بلای پشه ها	18		
8: 20-31	بلای مگس ها	19		
9: 1-7	بلای وبای حیوانات	20		
9: 8-11	بلای دمبل ها بر انسان و حیوان	21		
9: 13-25	بلای تگرگ	22		
10: 1-20	بلای ملخ	23		
10: 21-29	بلای سه روز تاریکی غلیظ	24		
باب 11؛ 12: 29-33	بلای مرگ نخستزادگان انسان و حیوانات	25		

آدرس آیه	کتاب	شرح معجزه	تعداد	مبحث		
21:13		ستون ابر و آتش	26			
31-21:14		شکافته شدن دریای سرخ	27			
27-22:15		قابل شرب شدن آب های تلخ ماره	28			
5-1:16		منا	29			
13-11، 8:16		بلدرچین ها	30			
9-- 1:17		آب آشامیدنی از صخره	31			
16--8:17		پیروزی بر عمالقیان	32			
25-16:19		در کوه سینا: آتش و ابر غلیظ و رعد و برق، زلزله، صدای شیپور	33			
7-1:10		لاویان	داوری ناداب و ابیهو		34	موسی
3-1:11		اعداد	زبانہ های مشتعل آتش خداوند		35	
کل باب 12 و 20:1	جدام مریم		36			
کل باب 16 و 26:9-11	نابودی قورح و همراهانش		37			
باب 17	عصای شکوفه زده هارون		38			
9--4:21	مار برنزی		39			
18-13:21	چاه در بئر		40			
35-20:22	خر بلعام		41			
باب 25 و 31	پیروزی بر مدیان		42			
26-22:5	تثنیه		نوشتن ده فرمان روی لوح سنگی توسط خداوند	43		
باب 34			دفن موسی	44		
4-7:3	یوشع	شکافته شدن رود اردن	45	یوشع		
15-13:5		ظهور معجزه آسای سردار لشکر خداوند	46			
باب 6		تصرف اریحا	47			
یوشع 10:12-15		خورشید در آسمان باز ایستاد و غروب نکرد	48			

آدرس آیه	کتاب	شرح معجزه	تعداد	مبحث
6: 19 – 24	داوران	آتش از صخره	49	جدعون
داوران 6: 36 – 40		پشم گوسفند	50	
باب 7		شکست مدیان (فقط با 300 نفر)	51	
17:1 و یعقوب 5:17	اول پادشاهان	خشکسالی طولانی	52	ایلیا
7: 2 – 7		خوراک دادن کلاغ ها به ایلیا	53	
17: 17 – 24		زنده شدن پسر بیوه زن از مرگ	54	
18: 1 – 2		باران معجزه آسا	55	
18: 1 – 39		قربانی معجزه آسا در مقابل بت بعل	56	
19: 1 – 18		غذا از جانب فرشته	57	
19: 9 – 18		تجلی الهی (بعد از آتش و باد و... صدایی آرام و ملایم)	58	
1: 9 – 15	دوم پادشاهان	آتش از آسمان	59	
2: 1 – 8		شکافته شدن رود اردن توسط ایلیا	60	
2: 9 – 11		ایلیا با اربه ها و اسب های آتشین به آسمان صعود نمود	61	

آدرس آیه	کتاب	شرح معجزه	تعداد	مبحث
14 – 12 :2	دوم پادشاهان	شکافته شدن رود اردن توسط الیشع	62	الیشع
22 – 19 :2		آب های شفا یافته و گوارا	63	
25 – 23 :2		داوری به خاطر بی احترامی (حمله خرس ها به بچه ها)	64	
22 – 1 :3		خندق های پر از آب	65	
7 – 1 :4		روغن برکت یافته بیوه زن	66	
37 – 8 :4		زنده شدن پسر زن شویمی از مرگ	67	
19 – 1 :5		شفای نعمان در رود اردن	68	
27 – 26 :5		جذام بر روی جیحزی	69	
7 – 1 :6		آمدن تیشه تبر روی آب	70	
23 – 8 :6		کوری و بینایی چشم های دشمن (آنانی که با مایند از آنانی که با ایشانند بیشترند)	71	
10:2 و 17:1	یونسی	بلعیده شده توسط ماهی بزرگ بدون آسیب (3روز، 3شب)	72	یونسی
23 – 16 :6	دانیال	نجات از چاه شیران (فرشته خدا دهان شیران را بست)	73	دانیال
23 – 15 :2		تعبیر رویاها	74	
29 – 19 :3		نجات از تون آتش	75	شدرک و میشک و عبدنغو

درس هشتم

معجزات به جهت آفرینش و به جهت داوری

معجزه ، يك مداخله ماوراء الطبيعى در قوانين طبيعت مى باشد تا اهداف خدا را جارى سازد ، هم براى فراهم آوردن برکات فراطبيعى به خاطر اطاعت ، هم براى داوری به خاطر نافرمانی.

معجزات به جهت آفرینش

آفرینش آسمان و زمین

* خدا گفت

آفرینش آسمان ها و زمین نمونه ای شگفت انگیز از قدرت معجزه آسای خداوند است. او گفت و انجام شد! در روایت کتاب پیدایش از کلمات ، "او گفت" بارها و بارها استفاده شده است. داود و نویسنده کتاب عبرانیان از کلمات "به وسیله کلام" استفاده کردند.

به ایمان فهمیده ایم که عالم ها به کلمه خدا مرتب گردید، حتی آنکه چیزهای دیدنی از چیزهای نادیدنی ساخته شد. عبرانیان 11:3

به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها به نفخه دهان او. مزامیر 33:6

آفرینش مرد و زن

و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین میخزند، حکومت نماید.» پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید. پیدایش 1: 26 – 27

پیدایش 2:7 خداوند خدا، پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد

تصور می شود که کتاب ایوب قدیمی ترین کتاب در کتاب مقدس است. ایوب در مبداء و منشاء خود شک نداشت.

«دستهایت مرا جمیع و تمام سرشته است، و مرا آفریده است و آیا مرا هلاک میسازی؟ ایوب 10:8»

هدف از آفرینش

*** برآورده شدن خواست قلبی پدر**

خداوند آفرینش بشر را برنامه ریزی کرد تا خواست قلبی پدر را برای داشتن یک خانواده ابدی تحقق بخشد. او برای پسرش عروس و خانواده ای همیشگی خواست که از طریق آن بتواند خود را تکثیر کند. خداوند زنان و مردان را برای داشتن یک رابطه عاشقانه ابدی و مشارکت صمیمانه با خودش، آفریده است.

افسیان 2:4 – 7 لیکن خدا که در رحمانیت، دولت مند است، از حیثیت محبت عظیم خود که با ما نمود، ما را نیز که در خطایا مرده بودیم بامسیح زنده گردانید، زیرا که محض فیض نجات یافته اید. و با او برخیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید. تا در عالمهای آینده دولت بینهایت فیض خود را به لطفی که بر ما در مسیح عیسی دارد ظاهر سازد.

*** برآورده شدن هدف ابدی او**

او بشر را آفرید تا هدف ابدی اش را برآورده سازد.

افسیان 1:9 – 11 چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید، بر حسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود، برای انتظام کمال زمانها تا همه چیز را خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، در مسیح جمع کند، یعنی در او. که ما نیز در وی میراث او شده ایم، چنانکه از پیش معین گشتیم بر حسب قصد او. که همه چیزها را موافق رای اراده خود میکند.

*** برآورده شدن اینکه ما مقدس و بی عیب و پسر خوانده شویم**
افسیان 1: 4 - 5 چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت، مقدس و بی عیب باشیم.
که ما را از قبل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم بوساطت عیسی مسیح بر حسب خشنودی اراده خود،

*** برآورده شدن اینکه ما به شباهت پسر او شویم**
رومیان 29: 8 زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا
او نخست زاده از برادران بسیار باشد.

خدا وقتی انسان را به شکل خود آفرید ، یک هدف ابدی عالی داشت. با این حال ، معجزات آفرینش خدا ، با خلقت آسمانها و زمین یا خلقت بشر متوقف نشدند. آنها در سراسر عهد عتیق ادامه یافتند. خداوند در بیابان منا و آب را آفرید. او برای بیه زن در صرّفه روغن و طعام خلق کرد.

معجزات به جهت داوری

نمونه های بسیاری از داوری خداوند در کتاب مقدس وجود دارد.

- * سیل ، داوری بر کل زمین بود.**
- * نابودی سدوم و عموره ، داوری بر یک منطقه بود.**
- * داوری بر ناداب و ابیهو در مورد مردانی بود که آتشی غریب و غیر مجاز را بر مذبح گذراندند. این افراد در برابر رهبران مسح شده خدا موضع گرفتند و توسط آتش نابود شدند.**
- * جذامی که بر جیحزی آمد ، یعنی خادم الیشع ، داوری در مورد یک انسان انجام شد.**

مجازات شدن برای گناه ، به مردم فرصتی برای توبه می دهد.

چرا داوری می آید

سه دلیل وجود دارد که چرا داوری می آید.

1) به عنوان مجازات گناهان

پس خداوند میدانند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد. خصوص آنانی که در شهوات نجاست در پی جسم می روند و خداوندی را حقیر میدانند. ۲ پطرس 2: 9 – 10

2) به عنوان درس عبرتی برای نسل های بعدی

وشهرهای سدوم و عموره را خاکستر نموده، حکم به واژگون شدن آنها فرمود و آنها را برای آنانی که بعد از این بیدینی خواهند کرد، عبرتی ساخت؛ ۲ پطرس 6: 2

3) دادن فرصتی برای توبه

و سایر مردم که به این بلایا کشته نگشتند، از اعمال دستهای خود توبه نکردند تا آنکه عبادت دیوها و بتهای طلا و نقره و برنج و سنگ و چوب را که طاقت دیدن و شنیدن و خرامیدن ندارند، ترک کنند؛ و از قتلها و جادوگریها و زنا و دزدیهای خود توبه نکردند. مکاشفه 9: 20 – 21

پطرس رسول چندین داوری معجزه آسا را ذکر کرده و از آنها استفاده کرده تا نشان دهد خدا قادر است پارسایان را حتی در زمان داوری حفظ و نگهداری کند.

و بر عالم قدیم شفقت فرمود بلکه نوح، واعظ عدالت را با هفت نفر دیگر محفوظداشته، طوفان را بر عالم بیدینان آورد؛ و شهرهای سدوم و عموره را خاکستر نموده، حکم به واژگون شدن آنها فرمود و آنها را برای آنانی که بعد از این بیدینی خواهند کرد، عبرتی ساخت؛ و لوط عادل را که از رفتار فاجرانه بیدینان رنجیده بود رهایی داد. زیرا که آن مرد عادل در میانشان ساکن بوده، از آنچه میدید و میشنید، دل صالح خود را بهکارهای قبیح ایشان هرروزه رنجیده میداشت. پس خداوند میدانند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا به روز جزا در عذاب نگاه دارد. ۲ پطرس 2: 5 – 9

معجزات خدا می توانند، یا اتفاقات شگفت انگیزی باشند، یا داوری وحشتناکی باشند. به دلیل گناه و پری شرارت بشر، خداوند سیل را فرستاد تا روی زمین را بپوشاند. با این حال، در این داوری هولناک، خدا رحمت نشان داد و موجودات آفریده شده خود - یعنی حیوانات، پرندگان، و مردان و زنان را حفظ کرد.

سیل داوری خدا بر روی کل زمین و بشر بود.

و آب بر زمین زیاد و زیاد غلبه یافت، تا آنکه همه کوههای بلند که زیر تمامی آسمانها بود، مستور شد. پانزده ذراع بالاتر آب غلبه یافت و کوهها مستور گردید. و هر ذی جسدی که بر زمین حرکت میکرد، از پرندگان و بهایم و حیوانات و کل حشرات خزنده بر زمین، و جمیع آدمیان، مردند. هر که دم روح حیات در بینی او بود، از هر که در خشکی بود، مرد. و خدا محو کرد هر موجودی را که بر روی زمین بود، از آدمیان و بهایم و حشرات و پرندگان آسمان، پس از زمین محو شدند. و نوح با آنچه همراه وی در کشتی بود فقط باقی ماند. پیدایش 7: 19 - 23

نوح و خانواده در امان ماندند

چرا نوح و خانواده اش در امان ماندند؟ کتاب مقدس می فرماید:

اما نوح در نظر خداوند التفات یافت. این است پیدایش نوح. نوح مردی عادل بود، و در عصر خود کامل. و نوح با خدا راه میرفت. پیدایش 6: 8 - 9

محفوظ ماندن در زمان داوری

* از طریق اطاعت

خدا با نوح صحبت کرد و نوح اطاعت نمود. نوح برای 120 سال به اطاعت خدا ادامه داد، در حالی که جامعه فاسد دور و بر، او را مسخره می کرد. او کشتی را، با مشخصات دقیق خدا ساخت. کتاب پیدایش 6: 14-16 این دستورالعمل ها را به ما اعلام می کند.

*** حیوانات آمدند**

آیا تاکنون فکر کرده اید که افرادی که نوح را مسخره می کردند، چه فکری می کردند در حالی که یک جفت از حیوانات جهان شروع به رفتن از میان سرزمین آنان، به سمت کشتی کردند؟ خداوند حیوانات را به کشتی فراخواند و آنها را از جامعه شریری که باید از آن عبور می کردند نجات داد. چه معجزه ای بود، و چه نشانه ای برای جهان بی ایمان می توانست باشد اگر آنها فقط ایمان می آوردند.

آب ها سرازیر شدند

زیرا که من بعد از هفت روز دیگر، چهل روز و چهل شب باران میبارانم، و هر موجودی را که ساختم، از روی زمین محو می سازم.» پیدایش 7:4

و باران، چهل روز و چهل شب بر روی زمین میبارید. پیدایش 7:12

باد معجزه آسا

بهایمی را که با وی در کشتی بودند، بیاد آورد. و خدا بادی بر زمین وزانید و آب ساکن گردید. پیدایش 8:1

و چشمه های لجه و روزنهای آسمان بسته شد، و باران از آسمان باز ایستاد. پیدایش 8:2

وعده خدا – رنگین کمان

ادیان دروغین سعی کرده اند رنگین کمان را نماد خود قرار دهند، اما خداوند رنگین کمان را به عنوان یک وعده و قول به همه بشریت داد.

پیدایش 8:22 مادامی که جهان باقی است، زرع و حصاد، و سرما و گرما، و زمستان و تابستان، و روز و شب موقوف نخواهد شد.»

عهد خود را با شما استوار میگردانم که بار دیگر هر ذی جسد از آب طوفان هلاک نشود، و طوفان بعد از این نباشد تا زمین را خراب کند.» و خدا گفت: «اینست نشان عهدی که من میبندم، در میان خود و شما، و همه جانورانی که با شما باشند، نسلا بعد نسل تا به ابد: قوس خود را در ابر میگذارم، و نشان آن عهدی که در میان من و جهان است، خواهد بود. پیدایش 9: 11 – 13

داوری – نابودی سدوم و عموره

مرجع: پیدایش 18: 17-19

چندین مورد قبل از نابودی سدوم و عموره رخ داد که از قسمتهای مهم این حادثه بودند. خداوند به دیدار ابراهیم رفت.

خدا با ابراهیم صحبت می کند

و خداوند گفت: «آیا آنچه من انجام می دهم از ابراهیم مخفی دارم؟ و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد، و جمیع امت های جهان از او برکت خواهند یافت. پیدایش 18: 17 – 18

همانطور که خدا شروع به آشکار ساختن آنچه قرار است اتفاق بیفتد به ابراهیم نمود، ابراهیم را به یاد موقعیت خود انداخت – همه امت های زمین باید در او برکت یابند. خداوند ادامه داد:

پس خداوند گفت: «چونکه فریاد سدوم و عموره زیاد شده است، و خطایای ایشان بسیار گران، اکنون نازل میشوم تا ببینم موافق این فریادی که به من رسیده، بالتمام کرده اند و الا خواهم دانست.» پیدایش 18: 20 – 21

چرا خدا به ابراهیم گفت که قرار است چه کاری انجام دهد؟

تا ابراهیم بتواند به سمت موقعیت خود که برکتی برای امت هاست برود و برای محافظت از صالحان شهر شروع به شفاعت کند. خدا به خاطر عهد متعهد بود که به ابراهیم بگوید که او در فکر نابودی یک ملت است.

سوء تفاهم درباره لوط

بسیاری فوراً لوط را محکوم کردند که چرا او در شهرهایی زندگی می کرد که اینقدر شریر بودند؟ بسیاری تصور کرده اند که او فقط به دلیل اینکه برادرزاده ابراهیم بود ، حفظ شده است. اما پطرس رسول سخنان جالبی در مورد نابودی سدوم و عموره و درباره لوط می نویسد:

وشهرهای سدوم و عموره را خاکستر نموده، حکم به وازگون شدن آنها فرمود و آنها را برای آنانی که بعد از این بی دینی خواهند کرد، عبرتی ساخت؛ و لوط عادل را که از رفتار فاجرانه بیدینان رنجیده بود رهانید. زیرا که آن مرد عادل درمیانشان ساکن بوده، از آنچه میدید و میشنید، دل صالح خود را بهکارهای قبیح ایشان هرروزه رنجیده میداشت. ۲ پطرس 2: 6 – 8

به یاد داشته باشید وقتی خدا با ابراهیم صحبت کرد ، او از فریاد بسیار زیاد علیه این شهرها می گوید زیرا گناهان آنها بسیار سنگین بود. چه کسی این اعتراض و فریاد را انجام می داد؟

حزقیال در کتاب **حزقیال 9: 1 – 2** به کسانی که مسئولیت مجازات شهر را بر عهده دارند (وکلای شهر) اشاره می کند. دانیال در کتاب **دانیال 4: 13 و 17** به "پاسبانان" اشاره می کند. فرشتگان منتسب بر سدوم و عموره ممکن است فریاد بر می آوردند. شاید آنها نیز همان کسانی بودند که برای بیرون آوردن لوط و خانواده اش به شهر آمدند. با این حال ، پطرس به ما می گوید که لوط مرد صالحی بود که روز به روز با دیدن و شنیدن اعمال خلاف شرع آنها رنج می برد.

لوط به خوبی فرشتگان هنگام ورود به شهر پی برد و از آنها خواست که برای محافظت به خانه او بیایند. **پیدایش 19: 2 – 3** و گفت: «اینک اکنون ای آقایان من، به خانه بنده خود بیایید، و شب را بسر برید، و پایهای خود را بشوید و بامدادان برخاسته، راه خود را پیش گیرید.» گفتند: «نی، بلکه شب را در کوچه بسر بریم.» اما چون ایشان را الحاح بسیار نمود، با او آمده، به خانه اش داخل شدند، و برای ایشان ضیافتی نمود و نان فطیر پخت، پس تناول کردند .

و به خواب هنوز نرفته بودند که مردان شهر، یعنی مردم سدوم، از جوان و پیر، تمام قوم از هر جانب، خانه وی را احاطه کردند. پیدایش 19:4

خداوند در این روایت روشن ساخته است که همه مردان شهر، پیر و جوان، از هر محله خانه را محاصره می کنند. گناه همجنسگرایی در تمام شهر بود.

اینک من دو دختر دارم که مرد رانشناختهاند. ایشان را الان نزد شما بیرون آورم و آنچه در نظر شما پسند آید، با ایشان بکنید. لکن کاری بدین دو مرد ندارید، زیرا که برای همین زیر سایه سقف من آمده‌اند» پیدایش 19:8

در عوض لوط دو دختر خود را به آنها پیشنهاد داد. ما نمی دانیم چرا ثبت شده است که او این کار را انجام داده است. شاید به این دلیل بود که او می دانست این افراد چقدر شریر هستند و با پیشنهاد خود این موضوع را ثابت کرد - پیشنهادی که می دانست آنها رد می کنند.

پاسخ آنها بسیار جالب است :

گفتند: «دور شو.» و گفتند: «این یکی آمد تا نزیل ما شود و پیوسته داوری میکند. الان با تو از ایشان بدتر کنیم.» پس بر آن مرد، یعنی لوط، شدت هجوم آورده، نزدیک آمدند تا در را بشکنند. پیدایش 19:9

آنها می دانستند که لوط در کجا ایستاده است. او مرتباً به عنوان داور عمل می کرد ... خدا قبل از اینکه آنها را نابود کند، در سدوم و عموره یک شاهد داشت. آن شاهد نادیده گرفته شد، مورد رنج و عذاب قرار گرفت.

محفوظ ماندن در زمان داوری

پیدایش 19: 15 - 16 و هنگام طلوع فجر، آن دو فرشته، لوط را شتابانیده، گفتند: «برخیز و زن خود را با این دو دختر که حاضرند بردار، مبادا در گناه شهر هلاک شوی.» و چون تاخیر مینمود، آن مردان، دست او و دست زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند، چونکه خداوند بر وی شفقت نمود و او را بیرون آورده، در خارج شهر گذاشتند .

چرا لوط و همسر و دخترانش به خارج از شهر منتقل گردیدند و یا بیرون از شهر مستقر شدند؟ زیرا لوط مرد صالحی بود، و همچنین به این دلیل که ابراهیم برای آنها شفاعت کرده بود.

و هنگامی که خدا، شهرهای وادی را هلاک کرد، خدا، ابراهیم را به یاد آورد، و لوط را از آن انقلاب بیرون آورد، چون آن شهرهایی را که لوط در آنها ساکن بود، واژگون ساخت. پیدایش 19:29

خدا آنچه قرار بود اتفاق بیفتد را به ابراهیم گفت، و ابراهیم برای لوط شفاعت کرد. امروز، به همان اندازه مهم است که ما از خدا بشنویم، و برای دیگران شفاعت کنیم.

شهرها ویران شدند

آنگاه خداوند بر سدوم و عموره، گوگرد و آتش، از حضور خداوند از آسمان بارانید. و آن شهرها، و تمام وادی، و جمیع سکنه شهرها و نباتات زمین را واژگون ساخت پیدایش 19:24 – 25

خدا حتی در نابودی کامل این شهرها هدف دیگری از نابودی آنها داشت. خدا آنها را برای آنانی که بعد از این خدانشناسی خواهند کرد، عبرتی ساخت

و شهرهای سدوم و عموره را خاکستر نموده، حکم به واژگون شدن آنها فرمود و آنها را برای آنانی که بعد از این بیدینی خواهند کرد، عبرتی ساخت؛ ۲ پطرس 2:6

عیسی خداوند آن واقعه را ذکر کرد

هنگامی که از عیسی خداوند سوال شد چه زمانی پادشاهی خدا می آید؟ او به زمان سدوم و عموره اشاره کرد. **و همچنانکه در ایام لوط شد که به خوردن و آشامیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت مشغول میبودند، تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت. بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود. لوقا 17:28 – 30**

داوری آینده

قبل از اینکه خداوند داوری کند ، همیشه مردم را گوشزد می کند. بیش از صد سال ، نوح کشتی را می ساخت. وقتی او گفت سیل بزرگی در راه است و زمین در حال نابودی است ، مردم به او خندیدند. حتی وقتی حیوانات به طور ماوراء طبیعی جمع شدند و از وسط آن سرزمین عبور کردند ، مردم باور نکردند.

لوط در شهرهای شریر سدوم و عموره زندگی می کرد و آنها به او خندیدند. شب آخر برای آن شهرها ، وقتی او به خانه دخترانش رفت ، حتی دامادهايش به او خندیدند و فکر کردند شوخی می کند. بار دیگر ، شرارت دوران نوح و زمان لوط در سرزمین های ما بیداد می کند. ما شاهدانی برای نسل های خود هستیم. ما نیز موظفیم که آنها را درباره داوری آینده خداوند هشدار دهیم.

و حینی که من به مرد شریر گفته باشم که البته خواهی مرد، اگر تو او را تهدید نکنی و سخن نگویی تا آن شریر را از طریق زشت اوتهدید نموده، او را زنده سازی، آنگاه آن شریر درگناهی خواهد مرد، اما خون او را از دست توخواهم طلبید. حزقیال 3:18

حتی در زمان داوری ، همانطور که خداوند نوح و لوط را حفظ کرد ، ما را نیز حفظ خواهد کرد. ما می توانیم همراه با حبقوق نبی بگوییم :

اگرچه درخت انجیر شکوفه نیاورد، و میوه در موها یافت نشود، محصول زیتون از میان برود، و مزرعه ها آذوقه ندهد، گله از آغل منقطع شود، و رمه ای در طویله ها نباشد، لیکن من در خداوند شادمان خواهم بود و در خدای نجات خویش وجد خواهم کرد. خداوندگار یهوه قوت من است؛ او پاهایم را همچون پاهای آهو می گرداند، و مرا بر مکانهای بلندم خرامان می سازد. برای سالار سراینندگان، با همراهی سازهای زهی. حبقوق 3: 17 – 19

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس هشتم

1) با توجه به این درس، معجزه چیست؟

2) هدف خدا از خلقت بشر چه بود؟

3) نویسنده چه دلیلی برای نابودی همه بشر، به جز نوح و خانواده اش، در سیل آورده است؟

درس نهم

معجزات مهیا کننده

معجزات خدا می تواند کل دنیا ، یک ملت ، یک موقعیت ، یک خانواده یا یک فرد را تحت تأثیر قرار دهد. آنها می توانند بسیار پر هیبت یا تقریباً عادی باشند. همانطور که دیدیم ، آنها ممکن است منجر به داوری شوند ، اما معجزات ، برای فراهم آوردن نیز وجود دارند.

برای دریافت معجزات مهیا شونده خداوند دو کار باید انجام دهیم. ما باید از خداوند بشنویم و سپس باید با ایمان به آنچه او گفته عمل نماییم.

قوم اسرائیل در بیابان

تصویر واضح تری از مطالعه درباره قوم اسرائیل از معجزات مهیا کننده خداوند برای قوم خود در بیابان وجود ندارد ، بیش از یک میلیون نفر در این سفر بودند. در کتاب اعداد به ما گفته شده است که بیش از 603.550 مرد وجود داشته است ، از جمله قبیله لاوی ، یا زنان و کودکان نیستند.

همه شمرده شدگان، ششصد و سه هزار و پانصد و پنجاه نفر بودند. (603500) اما لاویان بر حسب سبط آبای ایشان در میان آنها شمرده نشدند. اعداد 1: 46 – 47

هدایت و راهنمای فراطبیعی

هنگامی که قوم اسرائیل سفر خود را به خارج از مصر آغاز کردند ، خدا در ستون آتش در شب و ستون ابر در روز پیش روی آنها می رفت.

و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر میرفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند. و ستون ابر را درروز و ستون آتش را در شب، از پیش روی قوم برداشت. خروج 13: 21 – 22

تصور کنید که چقدر عالی بوده است. وقتی در شب سفر می کردند، می دیدند به کجا می روند. وقتی اردو زدند، می توانستند اطراف را ببینند تا غذای خود را تهیه کنند. بیابان در شب بسیار سرد می باشد و آنها گرما داشتند. در طول روز، هنگامی که گرمای خورشید در بیابان غیرقابل تحمل می بود، آنها زیر خنکای ابر بودند. داود این زمان را توصیف کرد.

ابری برای پوشش گسترانید و آتشی که شامگاه روشنایی دهد. مزامیر 105:39

از آنجا که ابر، هم به عنوان ستون و هم یک پوشش توصیف شده است، ممکن است مانند دود انفجارهای اتمی که در تصاویر دیده ایم، بر روی آنها به مانند یک "فارچ" بزرگ قرار گرفته بود.

محافظت فراطبیعی

* یک حائلی از ابر

هنگامی که مصریان نظر خود را تغییر دادند و به دنبال آنها آمدند، به نظر می رسید قوم اسرائیل توسط کوه های طرفین خود و دریای سرخ که روبه روی آن ها بود گرفتار شده بودند. آنها به جای اینکه به ابر نگاه کنند و بدانند که آنها در جایی قرار گرفته اند که خدا آنها را قرار داده است، و خدا از آنها محافظت می کند، ترسیدند و علیه موسی فریاد برآوردند.

خروج 14: 13 – 14 موسی به قوم گفت: «مترسید. بایستید و نجات خداوند را ببینید، که امروز آن را برای شما خواهد کرد، زیرا مصریان را که امروز دیدید تا به ابد دیگر نخواهید دید. خداوند برای شما جنگ خواهد کرد و شما خاموش باشید.»

خدا چه کرد؟ او ستون ابر را طوری جابجا کرد که بین مصریان و قوم اسرائیل حائل شد. یک طرف آن برای بنی اسرائیل روشنایی بود و طرف دیگر برای مصریان تاریکی شد. سپس خداوند دریا را شکافت و قومش به آن طرف از خشکی عبور کردند.

و فرشته خدا که پیش اردوی اسرائیل میرفت، حرکت کرده، از عقب ایشان خرامید، وستون ابر از پیش ایشان نقل کرده، در عقب ایشان بایستاد. و میان اردوی مصریان و اردوی اسرائیل آمده، از برای آنها ابر و تاریکی میبود، و اینها را در شب روشنایی میداد که تمامی شب نزدیک یکدیگر نیامدند. خروج 14: 19 – 21

*** شکافته شدن دریا**

پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد و خداوند دریا را به بادشرقی شدید، تمامی آن شب برگردانیده، دریا را خشک ساخت و آب منشق گردید. و بنی اسرائیل در میان دریا بر خشکی میرفتند و آنها برای ایشان بر راست و چپ، دیوار بود. خروج 14: 22

خدا فقط اجازه نداد که قومش از مصر خارج شوند. بلکه اجازه داد تا داوری بر مصریان قرار گیرد و آنها دیگر نتوانند به تعقیب قوم اسرائیل ادامه دهند.

خروج 14: 23 – 24 و مصریان با تمامی اسبان و ارابه ها و سواران فرعون از عقب ایشان تاخته، به میان دریا درآمدند. و در پاس سحری واقع شد که خداوند بر اردوی مصریان از ستون آتش و ابر نظر انداخت، و اردوی مصریان را آشفته کرد.

*** تاکتیکی برای تأخیر در پیش رفتن**

وقتی مصری ها در میان دریا بودند، خدا باعث شد چرخ ها از ارابه های آنها بیرون بیایند و آنها را برای به پیش رفتن به تأخیر بیندازند.

و چرخهای ارابه های ایشان را بیرون کرد، تا آنها را به سنگینی برانند و مصریان گفتند: «از حضور بنی اسرائیل بگریزیم! زیرا خداوند برای ایشان با مصریان جنگ میکند.» و خداوند به موسی گفت: «دست خود را بر دریا دراز

کن، تا آنها بر مصریان برگردد، و برارابهها و سواران ایشان.» پس موسی دست خود را بر دریا دراز کرد، و به وقت طلوع صبح، دریا به جریان خود برگشت، و مصریان به مقابله گریختند، و خداوند مصریان را در میان دریا به زیر انداخت. و آنها برگشته، عرابه ها و سواران و تمام لشکر فرعون را که از عقب ایشان به دریادرآمده بودند، پوشانید، که یکی از ایشان هم باقی نماند. خروج 14: 25 – 28

اغلب معجزه دو جنبه دارد. برای کسانی که به خداوند تعلق دارند ، محافظت می شود. برای کسانی که علیه خداوند یا قوم او می جنگند ، داوری وجود دارد.

* معیار قدرت خدا

این معجزه ، معیار قدرت خداوندی بود که در سراسر عهد عتیق به آن اشاره می شد.

بلکه از یهوه فقط که شما را از زمین مصر به قوت عظیم و بازوی افراشته بیرون آورد، بترسید و او را سجده نمایید و برای او قربانی بگذرانید. ۲. پادشاهان 17:36

شفای فراطبیعی

یهوه به معنی خدایی است که خودش را آشکار می کند. و خداوند اندکی بعد از عبور قوم اسرائیل از دریای سرخ، خود را به عنوان یهوه-رافا (یعنی شفا دهنده) آشکار ساخت.

چون نزد خداوند استغاثه کرد، خداوند درختی بدو نشان داد، پس آن را به آب انداخت و آب شیرین گردید. و در آنجا فریضهای و شریعتی برای ایشان قرار داد، و در آنجا ایشان را امتحان کرد. و گفت: «هر آینه اگر قول یهوه، خدای خود را بشنوی، و آنچه را در نظر او راست است بجا آوری، و احکام او را بشنوی، و تمامی فرایض او را نگاه داری، همانا هیچیک از همه مرضهایی را که بر مصریان آورده ام (اجازه دادم که بیاد) بر تو نیاورم، زیرا که من یهوه، رافا (شفا دهنده) تو هستم.» خروج 15: 25 – 26

در تنبیه ، متوجه می شویم که حتی به جهت راه رفتن در بیابان ، پاهای آنها ورم نکرد.

.... و پای تو آماس نکرد. تنبیه 8:4

بعداً، داود نوشت که در میان تمام قبایل آنها یک شخص ضعیف و ناتوان یا مریض وجود نداشت.

.... که در اسباط ایشان یکی ضعیف نبود. مزامیر 105:37

غذای فرا طبیعی

* منا و بلدرچین

خداوند آذوقه و غذای سفر را به طور فراطبیعی مهیا نمود.

خروج 16:12 – 15 در عصر گوشت خواهید خورد، و بامداد از نان سیر خواهید شد تا بدانید که من یهوه خدای شما هستم.» 13 و واقع شد که در عصر، سلوی برآمده، لشکرگاه را پوشانیدند، و بامدادان شبنم گرداگرد اردو نشست. 14 و چون شبنمی که نشسته بود برخاست، اینک بر روی صحرا چیزی دقیق، مدور و خرد، مثل ژاله بر زمین بود. 15 و چون بنی اسرائیل این را دیدند به یکدیگر گفتند که این من است، زیرا که ندانستند چه بود. موسی به ایشان گفت: «این آن نان است که خداوند به شما می‌دهد تا بخورید.

این فراهم شدن غذای ماوراء طبیعی چهل سال ادامه داشت.

و بنی اسرائیل مدت چهل سال من را می‌خوردند، تا به زمین آباد رسیدند، یعنی تا به سرحد زمین کنعان داخل شدند، خوراک ایشان من بود. خروج 16:35

آب آشامیدنی فرا طبیعی

اولین بار در ماره بود که خدا آب آشامیدنی ماوراء طبیعی را فراهم نمود. زیرا آب آنجا تلخ بود و خداوند به موسی گفت که درخت خاصی را درون آن بیندازد.

چون نزد خداوند استغاثه کرد، خداوند درختی بدو نشان داد، پس آن را به آب انداخت و آب شیرین گردید. و در آنجا فریضه ای و شریعتی برای ایشان قرار داد، و در آنجا ایشان را امتحان کرد. خروج 15:25

خداوند بار دیگر در رفیدیم آب آشامیدنی را مهیا ساخت. این بار، او به موسی دستور داد تا به صخره بزند.

همانا من در آنجایش روی تو بر آن صخرهای که در حوریب است، میایستم، و صخره را خواهی زد تا آب از آن بیرون آید، و قوم بنوشند.» پس موسی به حضور مشایخ اسرائیل چنین کرد. خروج 17:6

به مدت چهل سال، قوم اسرائیل در بیابان آب داشتند. گاهی اوقات آبی بود که سالم شد برای آشامیدن، گاهی آب از صخره بود، گاهی چاه هایی بود که حفر می کردند.

پولس رسول خلاصه ای از این زمان را به ما می گوید. او به شرب روحانی ای که در پی آنان می آمد اشاره می کند:

اقرنتیان 10: 1- 4 زیرا ای برادران نمی خواهم شما بی خبر باشید از اینکه پدران ما همه زیراب بودند و همه از دریا عبور نمودند و همه به موسی تعمیم یافتند، در ابر و در دریا؛ و همه همان خوراک روحانی را خوردند و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که می آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می آمد و آن صخره مسیح بود.

رخت و لباس فراطبیعی

قبیله اسرائیل یک گروه فقیر و تهی دست، از مردم نبود که با ژنده پوشی و لباس های پاره، بیابان را تحمل می کردند. بلکه آنها با ثروت، سرزمین مصر را ترک کردند.

وقتی خدا برای اولین بار با موسی صحبت کرد، به او وعده داد که قومش با دستی خالی بیرون نخواهند رفت. کتاب مقدس می گوید آنها "زمین را غارت کردند". این بدان معنی است که آنها به عنوان یک فاتح، غنیمت ها را گرفتند.

و این قوم را در نظر مصریان مکرم خواهم ساخت، و واقع خواهد شد که چون بروید تهیدست نخواهید رفت. بلکه هر زنی از همسایه خود و مهمان خانه خویش آلات نقره و آلات طلا و رخت خواهد خواست، و به پسران و دختران خود خواهید پوشانید، و مصریان را غارت خواهید نمود.» خروج 3: 21 – 22

خدا به آنها گفت که با لباس ها چه کنند؟ او به آنها گفت که آن ها را ب پسران و دخترانشان بپوشانند. لباس هایی که به طور فراطبیعی در بیابان مندرس نمی شد ، لباس های ژنده پوش برده ها نبود ، بلکه لباس ثروتمندان مصر بود.

در این چهل سال لباس تو در برت مندرس نشد.... تثنیه 8:4

قوم اسرائیل نه تنها با غارت مصر بیرون آمدند ، بلکه با رمه و گله نیز آنجا را ترک کردند.

و موسی و هارون را در شب طلبیده، گفت: «برخیزید! و از میان قوم من بیرون شوید، هم شما و جمیع بنی اسرائیل! و رفته، خداوند را عبادت نمایید، چنانکه گفتید. گله ها و رمه های خود رانیز چنانکه گفتید، برداشته، بروید و مرا نیز برکت دهید.» خروج 12: 31 – 32

نشانه بارز و آشکار

همانطور که بیش از یک میلیون نفر به مدت چهل سال در بیابان سفر کردند ، نشانه های بارز و آشکاری از برکت خدا وجود داشت. ستون ابر و آتش ، منا و بلدرچین ، اینا چند نمونه هستند.

برای ما مهمترین چیزی که باید درک کنیم این است که خداوند می تواند از قوم خود مراقبت کند و خواهد کرد. وقتی شرایط سخت است ، باید به یاد داشته باشیم که خدا تغییر نمی کند. در صورت نیاز ، اگر افراد ایمان داشته باشند ، خداوند برای قومش هنوز هم به طور فراطبیعی مهیا می سازد.

معجزات از طریق ایلیا

این معجزه ها سراسر کتاب مقدس ادامه دارد. در کتاب **اول پادشاهان** معجزات ایلیا به ما شرح داده می شود. ما فقط به تعدادی از آنها اشاره خواهیم کرد.

کلاغ ها برای او غذا می آوردند (مهیا شدن خوراک)

ایلیا از داوری خدا بر سرزمینش صحبت کرد و یک قحطی را اعلام کرد. سپس خدا او را هدایت کرد که در کنار نهر کریت مخفی شود ، جایی که او به طور فراطبیعی توسط کلاغ ها تغذیه می شد.

و ایلیای تشبی که از ساکنان جلعاد بود، به اخاب گفت: «به حیات یهوه، خدای اسرائیل که به حضور وی ایستاده ام قسم که در این سالها شبنم و باران جز به کلام من نخواهد بود.» و کلام خداوند بر وی نازل شده، گفت: «از اینجا برو و به طرف مشرق توجه نما و خویشان را نزد نهر کریت که در مقابل اردن است، پنهان کن. و از نهر خواهی نوشید و کلاغ ها را امر فرموده ام که تو را در آنجا پیروند.» و کلاغ ها در صبح، نان و گوشت برای وی و در شام، نان و گوشت می آوردند و از نهر مینوشید. **پادشاهان 17: 1-4 , 6**

آرد و روغن معجزه آمیز

وقتی نهر خشک شد ، خدا او را نزد بیوه ای در صرّفه فرستاد. او از آن زن خواست آب و غذا برای او آماده کند و این وعده را از خداوند به او داد.

زیرا که یهوه، خدای اسرائیل، چنین میگوید که تا روزی که خداوند باران بر زمین نباراند، تاپوی آرد تمام نخواهد شد، و گوزه روغن کم نخواهد گردید .» **پادشاهان 17:14**

قحطی به مدت سه سال و شش ماه ادامه داشت و غذای فراطبیعی خداوند برای ایلیا ، بیوه زن و پسر بیوه زن ادامه یافت. حتی تا آنجا که خدا پسر بیوه زن را در این زمان از مرگ زنده ساخت.

یعقوب 17: 5 الیاس مردی بود صاحب حوآسی مثل ما، و به تمامی دل دعا کرد که باران نبارد، و تا مدت سه سال و شش ماه نبارید.

يعقوب رسول می گوید ایلیا صاحب حواسی مانند ما می باشد. چقدر باعث تشویق ماست که بدانیم ایلیا انسانی عادی بود و مانند آنچه ما باید انجام دهیم در ماوراء الطبیعه عمل می کرد!

قربانی فراطبیعی

به مدت سه سال و شش ماه، ایلیا پنهان شده بود. اخاب در همه جا جستجو می کرد تا او را پیدا کند و بکشد. در این مدت، اخاب بسیاری از انباء دیگر خداوند را نیز کشته بود، اما خداوند با این وجود ایلیا را به نزد اخاب فرستاد.

و چون اخاب ایلیا را دید، اخاب وی را گفت: «آیا تو هستی که اسرائیل را مضطرب میسازی؟» گفت: «من اسرائیل را مضطرب نمی سازم، بلکه تو و خاندان پدرت، چونکه اوامر خداوند را ترک کردید و تو پیروی بعلم را نمودی. پس الان بفرست و تمام اسرائیل را نزد من بر کوه کرمل جمع کن و انبیای بعل را نیز چهارصد و پنجاه نفر، و انبیای اشیریم را چهارصد نفر که بر سفره ایزابل میخورند.» پس اخاب نزد جمیع بنیاسرائیل فرستاده، انبیا را بر کوه کرمل جمع کرد. ابادشاهان 18: 17 – 20

* 850 نفر در مقابل 1 نفر

کوه کرمل کوهی کوچک در دشت های شمال اسرائیل است. وقتی مردم در کناره های آن ایستاده بودند، می توانستند به راحتی همه آنچه را که در بالای کوه مسطح اتفاق می افتد، ببینند.

شرح داستان این واقعه در کتاب مقدس بسیار هیجان انگیز است (نگاه کنید به **اول پادشاهان باب 18**)! کاهنان دروغین صبح قربانی های خود را آماده کردند و شروع به صدا زدن خدایان خود کردند تا آتش بفرستد و آن را مصرف کنند. تا ظهر آنها مثل دیوانگان خویشتن را به تیغ ها و نیزه ها مجروح می ساختند و از خدای خود خواستند تا جواب دهد. در حالی که 850 کاهن این کار را می کردند، یک نفر، ایلیا تنها ایستاد و آنها را مسخره کرد.

در هنگام غروب، ایلیا قربانی خود را آماده کرد، و به آنان گفت سه بار بر روی آن آب بریزند. آب بسیار زیاد بود، از قربانی پایین آمد و خندق های اطراف مذبح را پر کرد. سپس ایلیا یک دعای کوتاه کرد.

و در وقت گذراندن هدیه عصری، ایلیای نبی نزدیک آمده، گفت: «ای یهوه، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم بشود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و تمام این کارها را به فرمان تو کرده‌ام. مرا اجابت فرما ای خداوند! مرا اجابت فرما تا این قوم بدانند که توییوه خدا هستی و اینکه دل ایشان را باز پس گردانیدی.» **پادشاهان 18: 36 – 37**

*** خداوند خداست!**

چه اتفاقی افتاد؟ آتش خداوند افتاد و قربانی، چوب، سنگهای مذبح و آب را سوزاند. مردم اسرائیل آن را دیدند و به زمین افتادند و خدا را پرستیدند.

پادشاهان 18: 38 – 39 **آنگاه آتش یهوه افتاده، قربانی سوختنی و هیزم و سنگها و خاک را بلعید و آب را که در خندق بود، لیسید. و تمامی قوم چون این را دیدند به روی خود افتاده، گفتند: «یهوه، او خداست! یهوه او خداست»!**

چه مجموعه و سری عالی ای از معجزات، اول خدا از طریق ایلیا که قحطی را اعلام می کند صحبت کرد. سپس بیش از سه سال از او در قحطی محافظت کرد. و بعد او با فرستادن آتش خود را به طور معجزه آسایی ثابت کرد. کتاب **اول پادشاهان** مملو از معجزاتی است که از طریق ایلیا انجام شده است.

معجزات از طریق الیشع

الیشع شاگرد ایلیا بود و هنگامی که ایلیا این زمین را ترک می کرد، الیشع تقاضای دو برابر قدرت کرد. معجزات از طریق او بی وقفه ادامه یافت و همانطور که درخواست نمود، معجزات دو برابر بیشتر از او ثبت شده است. ایلیا رود اردن را شکافت، الیشع نیز رود اردن را شکافت. ایلیا آرد و روغن را افزایش داد، الیشع نیز روغن را به طرز معجزه آسایی افزایش داد.

* افزایش روغن بیوه زن

۲ پادشاهان 4: 1-7 و زنی از زنان پسران انبیا نزد الیشع تضرع نموده، گفت: «بنده ات، شوهرم مرد و تومی دانی که بنده ات از خداوند میترسید، و طلبکار او آمده است تا دو پسر مرا برای بندگی خود ببرد.» الیشع وی را گفت: «بگو برای تو چه کنم؟ و در خانه چه داری؟ او گفت: «کنیزت را در خانه چیزی سوای ظرفی از روغن نیست.» او گفت برو و ظرفها از بیرون از تمامی همسایگان خود طلب کن، ظرفهای خالی و بسیار بخواه. و داخل شده، در را بر خودت و پسرانت ببند و در تمامی آن ظرفها بریز و هر چه پر شود به کنار بگذار.» پس از نزد وی رفته، در را بر خود و پسرانش بست و ایشان ظرفها نزد وی آورده، اومی ریخت. و چون ظرفها را پر کرده بود به یکی از پسران خود گفت: «ظرفی دیگر نزد من بیاور.» او وی را گفت: «ظرفی دیگر نیست.» و روغن باز ایستاد. پس رفته، آن مرد خدا را خبر داد. و او وی را گفت: «برو و روغن را بفروش و قرض خود را ادا کرده، تو و پسرانت از باقیمانده گذران کنید.»

در این معجزه مهیا شونده، زن دقیقاً آنچه را که ایمان داشت او دریافت می کند، دریافت نمود. به او گفته شد که نه تعداد کم بلکه تعداد زیادی ظرف قرض بگیرد، که آنها پر از روغن می شوند. مقداری که با ایمان قرض گرفت، همان مقدار روغن دریافتی او بود. کتاب دوم پادشاهان پر از معجزاتی است که در زمان الیشع اتفاق افتاده است.

معجزات شفای فراطبیعی

در سراسر عهد عتیق، ثبت مداوم معجزات شفا وجود دارد.

جدام مریم

مریم خواهر موسی و هارون بود. او عضوی از رهبریت قوم اسرائیل بود. او قوم را به خاطر آنچه خدا در هدایت آنها از طریق دریای سرخ و نابودی دشمنانشان انجام داده است، در ستایش رهبری کرد. اما مریم، همراه با هارون،

اجازه دادند که روح انتقاد وارد شود و علیه موسی از دو طریق صحبت کند. یکی از آنها مربوط به ازدواج موسی با یک زن حبشی بود. مورد دیگر مربوط به رهبری موسی بر بنی اسرائیل بود.

کتاب مقدس آشکار می کند که جذام در اثر گناه او وارد شد.

اعداد 12: 1 – 2 و مریم و هارون درباره زن حبشی که موسی گرفته بود، بر او شکایت آوردند، زیرا زن حبشی گرفته بود. و گفتند: «آیا خداوند با موسی به تنهایی تکلم نموده است، مگر به ما نیز تکلم نموده؟» و خداوند این را شنید .

و غضب خداوند برایشان افروخته شده، برفت. و چون ابر از روی خیمه برخاست، اینک مریم مثل برف مبروص بود، و هارون بر مریم نگاه کرد و اینک مبروص بود. اعداد 12: 9 – 10

مریم و هارون با دیدن جذام چه کردند؟ هارون فوراً به گناهشان اعتراف کرد و شفای او را درخواست کرد. اعداد 12: 11 – 14 و هارون به موسی گفت: «وای ای آقایم بار این گناه را بر ما مگذار زیرا که حماقت کرده، گناه ورزیده ایم. و او مثل میتی نباشد که چون از رحم مادرش بیرون آید، نصف بدنش پوسیده باشد.» پس موسی نزد خداوند استغاثه کرده، گفت: «ای خدا او را شفا بده!» خداوند به موسی گفت: «اگر پدرش به روی وی فقط آب دهان میانداخت، آیا هفت روز خجل نمی شد؟ پس هفت روز بیرون لشکرگاه محبوس بشود، و بعد از آن داخل شود.»

جذام نعمان

شفای نعمان از جذام، یکی از جالب ترین معجزات در عهد عتیق است. چرا الیشع از دیدن او امتناع ورزید و از طریق یک خادم به او گفت هفت بار در رود اردن فرو برود؟ ما می دانیم که نعمان شخصی عالی مقام، شریف و مردی شجاع و دلاور بود. او فرمانده ارتش سوریه بود و به خاطر او خداوند به ارتش سوریه پیروزی بخشیده بود.

۲ پادشاهان 5:1 و نُعمان، سردار لشکر پادشاه آرام، در حضور آقایش مردی بزرگ و بلند جاه بود، زیرا خداوند به وسیله او آرام را نجات داده بود، و آن مرد جبار، شجاع ولی ابرص بود.

همسر نعمان یک کنیز از اسرائیل داشت، و او در مورد نبی اسرائیل و قدرت عظیم او می دانست.

۲ پادشاهان 5:3 و به خاتون خود گفت: «کاش که آقایم در حضور نبی ای که در سامره است، می بود که او را از برصش شفا میداد.»

نعمان نزد پادشاه خود رفت و اجازه خواست نزد نبی اسرائیل برود. اما وقتی او نامه ای از پادشاه سوریه برای پادشاه اسرائیل آورد، پادشاه اسرائیل فکر کرد که آنها می خواهند بهانه ای برای جنگ بیاورند. با این حال، الیشع درباره نعمان شنید و به دنبال او فرستاد.

اما چون الیشع، مرد خدا شنید که پادشاه اسرائیل لباس خود را دریده است، نزد پادشاه فرستاده، گفت: «لباس خود را چرا دریدی؟ اونزد من بیاید تا بداند که در اسرائیل نبی ای هست.» پس نعمان با اسبان و ارابه های خود آمده، نزد در خانه الیشع ایستاد. و الیشع رسولی نزد وی فرستاده، گفت: «برو و در اردن هفت مرتبه شست و شو نما. و گوشتت به تو برگشته، طاهر خواهی شد.» اما نعمان غضبناک شده، رفت و گفت: «اینک گفتم البته نزد من بیرون آمده، خواهد ایستاد و اسم خدای خود، یهوه را خوانده، و دست خود را بر جای برص حرکت داده، ابرص را شفا خواهد داد. آیا ابانه و فرفر، نهرهای دمشق، از جمیع آبهای اسرائیل بهتر نیست؟ آیا در آنها شست و شو نکنم تا طاهر شوم؟» پس برگشته، با خشم رفت. ۲ پادشاهان 8:5 – 12

نعمان پیش خود تصور کرده بود که چگونه شفا می یابد. این تصویری متناسب با موقعیت او بود. او الگوی خاص خود را داشت، اما خدا با الیشع صحبت کرد و به او گفت که چه کاری باید انجام دهد و چه بگوید.

۲ پادشاهان 5: 13 – 14 اما بندگانش نزدیک آمده، او را خطاب کرده، گفتند: «ای پدر ما اگر نبی، تو را امری بزرگ گفته بود، آیا آن را بجا نمی آوردی؟ پس چندمرتبه زیاده چون تو را گفته است شست و شو کن و طاهر شو.» پس فرود شده، هفت مرتبه در اردن به موجب کلام مرد خدا غوطه خورد و گوشت او مثل گوشت طفل کوچک برگشته، طاهر شد.

گرچه نعمان با غرور با همراهان خود آمده بود ولی او به اندازه کافی ایمان داشت که نزد یک نبی می آید. ما می دانیم که او با ثروت آمد و انتظار این را داشت که آن ها را به نبی پردازد.

پس پادشاه آرام گفت: «بیا برو و مکتوبی برای پادشاه اسرائیل می فرستم.» پس روانه شد و ده وزنه نقره و شش هزار مثقال طلا و ده دست لباس به دست خود گرفت. «۲ پادشاهان 5:5

برای شفا یافتن لازم بود که او مطیع شود و خود را فروتن کند. که نتیجه آن شفای کامل او در جسم و اما مهمتر، پذیرش خداوند به عنوان خدای خود بود.

و نعمان گفت: «اگر نه تمنا این که دو بار قاطر از خاک، به بنده ات داده شود زیرا که بعد از این، بنده ات قربانی سوختنی و ذبیحه نزد خدایان غیر نخواهد گذرانید الا نزد یهوه. ۲ پادشاهان 5:17

حزقیای پادشاه

هنگامی که حزقیای بر یهودا سلطنت کرد، سرزمین اسرائیل به چند قسمت تقسیم شد. کتاب مقدس خلاصه ای کاملاً توصیفی از دوران سلطنت او را به ما ارائه می دهد.

او بر یهوه، خدای اسرائیل توکل نمود و بعد از او از جمیع پادشاهان یهودا کسی مثل او نبود و نه از آنانی که قبل از او بودند. و به خداوند چسبیده، از پیروی او انحراف نورزید و اوامری را که خداوند به موسی امر فرموده بود، نگاه داشت. و خداوند با او می بود و به هر طرفی که رو مینمود، فیروز میشد و بر پادشاه آشور عاصی شده، او را خدمت نمود. ۲ پادشاهان 5: 18 – 7

او پس از چهارده سال پادشاهی تا حد مرگ بیمار شد.

در آن ایام، حزقیای بیمار و مشرف به موت شد و اشعیا ابن آموص نبی نزد وی آمده، او را گفت: «خداوند چنین میگوید: تدارک خانه خود را ببین زیرا که میمیری و زنده نخواهی ماند.» ۲ پادشاهان 20:1

وقتی حزقیاشنید که می خواهد بمیرد ، به خداوند یاد آور شد که چگونه یک پادشاه خوب بوده و با راستی و وفاداری در پیشگاه خداوند قدم برمی داشته است.

آنکاه او روی خود را به سوی دیوار برگردانید و نزد خداوند دعا نموده، گفت: «ای خداوند مسالت اینکه بیاد آوری که چگونه به حضور تو به امانت و به دل کامل سلوک نمودهام و آنچه در نظر تو پسند بوده است، بجا آوردهام.» پس حزقیازارزار بگریست. ۲ پادشاهان 20: 2 – 3

و واقع شد قبل از آنکه اشعیا از وسط شهر بیرون رود، که کلام خداوند بر وی نازل شده، گفت: «برگرد و به پیشوای قوم من حزقیابگو: خدای پدرت، داود چنین میگوید: دعای تو راشنیدم و اشکهای تو را دیدم. اینک تو را شفا خواهم داد و در روز سوم به خانه خداوند داخل خواهی شد. و من بر روزهای تو پانزده سال خواهم افزود، و تو را و این شهر را از دست پادشاه آشور خواهم رهانید، و این شهر را به خاطر خود و به خاطر بنده خود، داود حمایت خواهم کرد.» ۲ پادشاهان 20: 4 – 6

حزقیاز کلام خداوند از طریق اشعیا خشنود نبود ، او علامتی و نشانه ای خواست. سپس او علامت دشوار تری را خواست. خداوند هر کاری را که حزقیاز او خواست انجام داد - حتی برای اینکه سایه خورشید روی ساعت خورشیدی عقب برود.

و حزقیاب به اشعیا گفت: «علامتی که خداوند مرا شفا خواهد بخشید و در روز سوم به خانه خداوند خواهم برآمد، چیست؟» و اشعیا گفت: «علامت از جانب خداوند که خداوند این کلام را که گفته است، بجا خواهد آورد، این است: آیا سایه ده درجه پیش برود یا ده درجه برگردد؟» حزقیا گفت: «سهل است که سایه ده درجه پیش برود. نی، بلکه سایه ده درجه به عقب برگردد.» پس اشعیای نبی از خداوند استدعا نمود و سایه را از درجاتی که بر ساعت آفتابی آحاز پایین رفته بود، ده درجه برگردانید. ۲ پادشاهان 20: 8 – 11

خلاصه

درباره بسیاری از معجزات در عهد عتیق گفته شده است. افراد از مردگان زنده شدند. افراد به طور ماوراء طبیعی از مرگ محافظت شدند مانند دانیال در چاه شیران ، و سه مردی که به کوره آتش پرتاب شدند. معجزاتی از محافظت، وجود دارد مانند اینکه خداوند چشمان دشمنانشان را کور می کند. معجزات مهیاکننده وجود دارد. یک بار ، خدا حتی از طریق الاغ صحبت کرد.

عهد عتیق کتاب معجزات است. خدای عهد عتیق خدای معجزه گر بود. کسانی که ایمان می آوردند ، با قدرت ماوراء طبیعی قدم برمی داشتند.

نویسنده کتاب عبرانیان اظهار می دارد که خدا دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است :

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است . عبرانیان 13:8

او هنوز هم خدای معجزه گر است . اگر ایمان داشته باشیم ، هنوز هم می توانیم با قدرت ماوراء الطبیعی او قدم برداریم و با چالش های زمانه خود روبرو شویم.

توجه: برای مطالعه بیشتر در مورد معجزات عهد عتیق ، ما همه معجزات کتاب مقدس توسط *Herbert Lockyer* ، شرکت انتشارات *Zondervan* را توصیه می کنیم. (ما همچنین به شما توصیه می کنیم چند پاراگراف را نادیده بگیرید ، جایی که او سعی می کند توضیح دهد که چرا معجزه ها متوقف شده اند - اما نشد!)

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس نهم

1) برخی از معجزات مهیا کننده را ذکر کنید که نشانه های بارزی از برکت فراطبیعی خداوند بر بنی اسرائیل هنگام سفر در بیابان بودند.

2) برخی از معجزات فراطبیعی که در زندگی و خدمت ایلیا اتفاق افتاد را فهرست کنید ؟

3) برخی از معجزات فراطبیعی که در زندگی و خدمت الیشع اتفاق افتاد را فهرست کنید ؟

درس دهم

تصرف کردن ارث خود

ورود به کنعان

روز، بعدِ روز، قوم اسرائیل قدرت خدا را جلوی چشم خود دیده و تجربه می کرد. سرانجام، آنها به مرز کنعان آمدند و اردو زدند.

لب مرز

خدا سرزمین کنعان را به آنها داده بود، اما آنها می بایست وارد آنجا می شدند و آن را تصاحب می کردند. و خداوند موسی را خطاب کرده، گفت: «کسان بفرست تا زمین کنعان را که به بنی اسرائیل دادم، جاسوسی کنند؛ یک نفر را از هر سبط آبای ایشان که هر کدام در میان ایشان سرور باشد، بفرستید.» پس موسی به فرمان خداوند، ایشان را از صحرای فاران فرستاد، و همه ایشان از روسای بنی اسرائیل بودند. اعداد 13: 1 – 3

گزارش

همانطور که خداوند فرمان داد، موسی از هر قبیله ای یک رهبر برای جاسوسی زمین فرستاد. آنها چهل روز را در زمین گذراندند، و گزارشهای خود را به موسی و قوم اسرائیل بازگرداندند.

و برای او حکایت کرده، گفتند: «به زمینی که ما را فرستادی رفتیم، و به درستی که به شیر و شهد جاریست، و میوه‌های این است. لیکن مردمانی که در زمین ساکنند زور آورند، و شهرهایش حصاردار و بسیار عظیم، و بنی عناق رانیز در آنجا دیدیم. و عمالقه در زمین جنوب ساکنند، و حتیان و یبوسیان و اموریان در کوهستان سکونت دارند. و کنعانیان نزد دریا و برکناره اردن ساکنند.» اعداد 13: 27 – 29

کالیب ، تمام آنچه خداوند انجام داده بود را به خاطر آورد.

و کالیب قوم را پیش موسی خاموش ساخته، گفت: «فی الفور برویم و آن را در تصرف آریم، زیرا که میتوانیم بر آن غالب شویم.» اعداد 13:30

ده نفر از جاسوسان پاسخ دادند :

اما آن کسانی که با وی رفته بودند، گفتند: «نمی توانیم با این قوم مقابله نماییم زیرا که ایشان از ما قوی ترند.» و درباره زمینی که آن را جاسوسی کرده بودند، خبر بد نزد بنیاسرائیل آورده، گفتند: «زمینی که برای جاسوسی آن از آن گذشتیم زمینی است که ساکنان خود را میخورد، و تمامی قومی که در آن دیدیم، مردان بلند قد بودند. و در آنجا جباران بنی عناق را دیدیم که اولاد جبارانند، و ما در نظر خود مثل ملخ بودیم و همچنین در نظر ایشان مینمودیم.» اعداد 13: 31 – 33

سپس یوشع و کالیب سعی کردند مردم را به ایمان به خداوند تشویق کنند.

اعداد 14: 6 – 9 و یوشع بن نون و کالیب بن یفنه که از جاسوسان زمین بودند، رخت خود را دریدند. و تمامی جماعت بنیاسرائیل را خطاب کرده، گفتند: «زمینی که برای جاسوسی آن از آن عبور نمودیم، زمین بسیار بسیار خویست. اگر خداوند از ما راضی است ما را به این زمین آورده، آن را به ما خواهد بخشید، زمینی که به شیر و شهد جاری است. زنهار از خداوند متمرّد نشوید، و از اهل زمین ترسان مباشید، زیرا که ایشان خوراک ما هستند، سایه ایشان از ایشان گذشته است، و خداوند با ماست، از ایشان مترسید.»

انتخاب

مردم باید انتخاب می کردند. آنها چه کسی را باور خواهند کرد؟ ایمان آنها کجا بود؟

آنها تصمیم گرفتند که به قدرت خدا ایمان نداشته باشند و در عوض آن ، حتی می خواستند افرادی که ایمان داشتند را سنگسار کنند. یعنی آنها می خواستند موسی ، کالیب و یوشع را سنگسار کنند. آنها می خواستند به بردگی مصر برگردند.

لیکن تمامی جماعت گفتند که باید ایشان را سنگسار کنند. آنگاه جلال خداوند در خیمه اجتماع بر تمامی بنی اسرائیل ظاهر شد. و خداوند به موسی گفت: «تا به کی این قوم مرا اهانت نمایند؟ و تا به کی با وجود همه آیاتی که در میان ایشان نمودم، به من ایمان نیاورند؟ اعداد 14: 10 – 11

به مدت چهل سال ، خداوند آنها را در بیابان سرگردان کرد تا اینکه همه افرادی که از ایمان به او و قدرت او امتناع ورزیده بودند مردند و هلاک شدند. به جز یوشع و کالیب. دوباره آنها به مرز کنعان رسیدند. حالا یوشع فرمانده بود.

هنوز هم امروز ، بسیاری از مواقع ایمانداران تمایلی به انجام آنچه خداوند آنها را به سوی آن هدایت می کند ، ندارند. آنها فاقد درک درستی از اراده او هستند و نمی توانند از ایمانشان استفاده کنند ، و خدا به آنها اجازه می دهد تا در بیابان خود سرگرم شوند و بیشتر از او یاد بگیرند. سپس ، آنها را دوباره به همان محل تصمیم گیری بازمی گرداند.

ما باید یاد بگیریم که با ایمان عمل کنیم و آنچه را که خداوند به ما داده است از طریق ایمان دریافت کنیم. بی ایمانی همیشه شکست را به همراه دارد.

مرتبۀ دوم

دوباره مردم اسرائیل در مرز کنعان بودند و خداوند به یوشع فرمود :

یوشع 1: 6 – 9 قوی و دلیر باش، زیرا که تو این قوم را متصرف، زمینی که برای پدران ایشان قسم خوردم که به ایشان بدهم، خواهی ساخت. فقط قوی و بسیار دلیر باش تا بر حسب تمامی شریعتی که بنده من، موسی تو را امر کرده است متوجه شده، عمل نمایی. زنهار از آن به طرف راست یا چپ تجاوز منما تا هر جایی که روی، کامیاب شوی. این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا بر حسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمایی زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچنین کامیاب خواهی شد. آیا تو را امر نکردم؟ پس قوی و دلیر باش، مترس و هراسان مباش زیرا در هر جاکه بروی یهوه خدای تو، با توسل «.

یوشع دو جاسوس را فرستاد و پادشاه اریحا از حضور آنها پی برد. اما راحاب، فاحشه ای که بر حصار شهر زندگی می کرد، آنها را پنهان کرد و آنها را با طناب از پنجره پایین فرستاد. اما به برخی از کلماتی که راحاب با آنها صحبت کرده توجه کنید.

و به آن مردان گفت: «میدانم که یهوه این زمین را به شما داده، و ترس شما بر مامستولی شده است، و تمام ساکنان زمین به سبب شما گداخته شده‌اند. زیرا شنیده‌ایم که خداوند چگونه آب دریای قلزم را پیش روی شما خشکانید، وقتی که از مصر بیرون آمدید، و آنچه به دو پادشاه اموریان که به آن طرف اردن بودند کردید، یعنی سیهون و عوج که ایشان راهلاک ساختید. و چون شنیدیم دلهای ما گداخته شد، و بهسبب شما دیگر در کسی جان نماند، زیرا که یهوه خدای شما، بالا در آسمان و پایین بر زمین خداست. یوشع 2: 9 – 11

دشمن قدرت آنها را می دانست. این به خاطر تعداد افراد جنگجوی آنها نبود، بلکه در خداوندشان بود. دشمن می دانست که خدا قبلاً برای آن‌ها چه کرده بود.

این دو جاسوس گزارش خود را از آنجا اینطور آوردند:

و به یوشع گفتند: «هرآینه خداوند تمامی زمین را به دست ما داده است و جمیع ساکنان زمین به سبب ما گداخته شده‌اند.» یوشع 2:24

عبور از رود اردن

موسم حصاد بود و رود اردن همه کناره‌هایش سیلاب می شد، اما برای قوم خدا این مانعی نبود. یوشع به آنها گفت که باید تقدیس شوند - خود را وقف کنند، و خود را پاک و مقدس نمایند - و روز بعد می بینند که خداوند معجزه می کند.

و یوشع به قوم گفت: «خود را تقدیس نمایید زیرا فردا خداوند در میان شما کارهای عجیب خواهد کرد.» یوشع 3:5

چه اتفاقی افتاد؟ کاهنان صندوق عهد را به دست گرفتند و به محض تماس پاها به آب جاری رودخانه، آب رودخانه از بالا قطع شد و مثل سد روی هم انباشته گردید و مردم از روی زمین خشک عبور کردند.

و بردارندگان صندوق عهد به اردن رسیدند، و پایهای کاهنانی که صندوق عهد را برداشته بودند، به کنار آب فرو رفت (و اردن، تمام موسم حصاد، بر همه کناره هایش سیلاب میشود). واقع شد که آبهایی که از بالامی آمد، بایستاد و به مسافتی بسیار دور تا شهر آدم که بهجانب صرئان است، بلند شد، و آبی که به سوی دریای عرب، یعنی بحرالمح میرفت تمام قطع شد، و قوم در مقابل اریحا عبور کردند و کاهنانی که تابوت عهد خداوند را برمی داشتند، در میان اُردن بر خشکی قایم ایستادند، و جمیع اسرائیل به خشکی عبور کردند تا تمامی قوم از اُردن، بالکلیه گذشتند. یوشع 3: 15 – 17

پیش نیازهای تصرف کردن ارث

زیرپایه این معجزه عظیم چه بود؟

(1) آنها می بایست کلام خدا را بدانند و تعمق کنند.

یوشع 8: 1 این کتاب تورات از دهان تو دور نشود، بلکه روز و شب در آن تفکر کن تا برحسب هر آنچه در آن مکتوب است متوجه شده، عمل نمایی زیرا همچنین راه خود را فیروز خواهی ساخت، و همچنین کامیاب خواهی شد.

(2) آنها می بایست ایمان داشته باشند.

آیا تو را امر نکردم؟ پس قوی و دلیر باش؛ مترس و هراسان مباش زیرا در هر جا که بروی یهوه خدای تو، با توست.» یوشع 9: 1

(3) آنها می بایست خود را تقدیس کنند، یعنی گناه را از زندگی خود بیرون کنند.

(4) آنها می بایست طبق آنچه ایمان داشتند عمل کنند.

این موارد هنوز هم، پیش شرط های تصرف کردن ارث ما هستند.

دیوارهای اریحا

اگرچه قوم اسرائیل می بایست می جنگیدند و زمین را از نظر جسمانی تصرف می کردند ، اما خدا برای نبرد برنامه ای داشت. قوم می بایست ، به مدت شش روز هر روز در سکوت دور شهر اریحا به دنبال کاهنان حمل صندوق عهد ، طواف می کردند. هفت کاهن جلوی صندوق عهد می بایست هفت کرنای یوبیل را می نواختند. مردان جنگی می بایست جلوی کاهنان راه می رفتند.

روز هفتم ، آنها می بایست هفت مرتبه دور شهر طواف می کردند. و گرنّاها با صدای بلند نواخته شوند و قوم فریاد برآورند تا دیوارها به صورت یک دست فرو بریزند. قوم دقیقاً همان کاری را که خداوند گفته بود انجام دادند.

پس قوم فریاد بر آوردند و گرنّاها نواخته شد. هنگامی که مردم صدای گرنّا را شنیدند، فریادی بلند برکشیدند و دیوار فرو افتاد. پس قوم به شهر بر آمدند، هر یک مستقیم پیش روی خویش، و شهر را تسخیر کردند. یوشع 6:20

اصول نبرد

چندین اصل برای نبرد موفق در روح ، از این واقعه وجود دارد.

- * ما باید مردان یا زنان بالغ از نظر روحانی را برای یافتن نقاط ضعف دشمن بفرستیم.
- * ما باید برای نقشه خدا دعا کنیم و گوش دهیم. (این تنها زمانی در تاریخ است که با فریاد یک قوم دیوارها فرو ریختند)
- * هنگامی که کاهنان هر روز با حمل صندوق عهد دور شهر طواف می کردند ، حضور خدا را در این وضعیت داشتند.
- * دمیدن کرنای یوبیل توسط کاهنان نشانگر این بود که خداوند چقدر قدرتمند است و پیشگویی ای از پیروزی توسط کاهنان بود.
- * فریادی که قوم در روز هفتم برافراشتند ، هفتمین بار در طواف ، فریادی پیروزی بود – یک فریاد ایمان.

گناه شکست را به ارمغان می آورد

نبرد اول در شهر عای

شهر بعدی که باید فتح می شد، عای بود و دوباره یوشع دو جاسوس را به آنجا فرستاد. آنها همراه با گزارشات خود بازگشتند.

و نزد یوشع برگشته، او را گفتند: «تمامی قوم برنیایند؛ به قدر دو یا سه هزار نفر بر آیند و عای را بزنند و تمامی قوم را به آنجا حمت ندهی زیرا که ایشان کم اند.» یوشع 7:3

یوشع و قوم به حرف آن ها گوش دادند و 3000 نفر را به جنگ فرستادند.

پس قریب به سه هزار نفر از قوم به آنجا رفتند و از حضور مردان عای فرار کردند. و مردان عای از آنها به قدر سی و شش نفر کشتند و از پیش دروازه تاشباریم ایشان را تعاقب نموده، ایشان را در نشیب زدند، و دل قوم گداخته شده، مثل آب گردید. یوشع 4:7 - 5

یوشع و بزرگان اسرائیل لباسهای خود را پاره کردند و خود را جلوی صندوق عهد به زمین انداختند. "ای خدا، چگونه توانستی اجازه دهی که این اتفاق برای ما بیفتد؟ (آیا این نوع حرف زدن آشنا نیست؟) ما باید در آن طرف اردن می ماندیم. همه مردم سرزمین خواهند شنید که چگونه شکست خورده ایم و آنها ما را نابود خواهند کرد!"

جواب خدا چه بود؟

خداوند به یوشع گفت: «برخیز چرا تو به این طور به روی خود افتاده‌ای. اسرائیل گناه کرده، و از عهدی نیز که به ایشان امر فرمودم تجاوز نموده‌اند و از چیز حرام هم گرفته، دزدیده اند، بلکه انکار کرده، آن را در اسباب خود گذاشته اند. یوشع 10:7 - 11

عخان از خداوند دزدیدی کرده بود، نگاه کنید به کتاب **یوشع (6:19)** و تمام ملت اسرائیل زیر لعنت قرار گرفتند. این نمونه ای از مسئولیت گروهی است.

از این سبب بنی اسرائیل نمی توانند به حضور دشمنان خود بایستند و از حضور دشمنان خود پشت داده اند، زیرا که ملعون شده اند، و اگر چیز حرام را از میان خود تباہ نسازید، من دیگر با شما نخواهم بود. یوشع 7:12

ما می توانیم سخنان خداوند را اینطور تفسیر کنیم: "برخیز، یوشع. ایمانت کجاست؟ من این کار را با تو نکردم یک گناهی هست و به خاطر آن گناه، بنی اسرائیل نمی توانستند در برابر دشمنان خود بایستند!"

* اصول منفی

قوم می بایست بسیار مطمئن می بودند که این "البته مقدارش کم" بود، آنها وقت خود را صرف جستجوی برنامه خداوند نکرده بودند. اگر آنها خواست خدا را قبل از پیش رفتن جستجو می کردند، خدا به گناه اشاره می کرد و آنها را از این شکست نجات می داد. آنها با این کار انگار گفته بودند: "خدا را خسته نکنید، ما می توانیم از عهده این کار برآیم."

آنها تعهد کاملی در مورد هر چه داشتند نداده بودند. و آنها فقط تعداد کمی از مردان را فرستادند، فقط بخشی از آنها به جنگ رفته بودند. گناه همیشه شکست به همراه می آورد و تنها پاسخ به گناه، خلاص شدن کامل از آن است.

نبرد دوم در عای

پس از رفع کردن گناه در اردوگاه، خدا نزد یوشع آمد.

و خداوند به یوشع گفت: «مترس و هراسان مباش. تمامی مردان جنگی را با خود بردار و برخاسته، به عای برو. اینک ملک عای و قوم او و شهرش و زمینش را به دست تو دادم. و به عای و ملکش به طوری که به اریحا و ملکش عمل نمودی بکن، لیکن غنیمتش را با بهایمش برای خود به تاراج گیرید و در پشت شهر کمین ساز.» پس یوشع و جمیع مردان جنگی برخاستند تا به عای بروند، و یوشع سی هزار نفر از مردان دلاور انتخاب کرده، ایشان را در شب فرستاد. و ایشان را امر فرموده، گفت: «اینک شما برای شهردر کمین باشید، یعنی از پشت شهر و از شهر بسیار دور مروید، و همه شما مستعد باشید. و من و تمام قومی که با منند نزدیک شهر خواهیم آمد، و چون مثل دفعه اول به مقابله ما بیرون آیند از پیش ایشان فرار خواهیم کرد. یوشع 8: 1-5

توجه کنید که یوشع چگونه شکست خود را برگرداند و آن را به پیروزی تبدیل کرد. "آنها بعد از ما بیرون می آیند و انتظار دارند که ما مثل قبل فرار کنیم."

و ما را تعاقب خواهند کرد تا ایشان را از شهر دور سازیم، زیرا خواهند گفت که مثل دفعه اول از حضور ما فرار می کنند، پس از پیش ایشان خواهیم گریخت. آنگاه از کمین گاه برخاسته، شهر را به تصرف آورید، زیرا یهوه، خدای شما آن را به دست شما خواهد داد. یوشع 8: 6-7

جدعون + خدا

یوشع وفات یافت و فصل ششم کتاب داوران با آیاتی بسیار نا امید کننده آغاز می شود. نسل برگزیده خدا، کسانی که باید نماینده او در مابقی جهان باشند، در غارها حضور داشتند و بدون خوراک بودند.

داوران 6: 1-2, 6 و بنی اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزیدند. پس خداوند ایشان را به دست مدیان هفت سال تسلیم نمود. و دست مدیان بر اسرائیل استیلا یافت، و به سبب مدیان بنی اسرائیل شکافها و مغاره ها و ملاذها را که در کوهها میباشند، برای خود ساختند. و چون اسرائیل به سبب مدیان بسیار ذلیل شدند، بنی اسرائیل نزد خداوند فریاد بر آوردند.

کتاب مقدس شکی برای ما باقی نمی گذارد که چرا آنها در چنین شرایطی بودند - **آنها در نظر خداوند شرارت کردند. آنها همچنین کار درستی انجام دادند - آنها نزد خداوند فریاد بر آوردند.**

فراخوانده شدن جدعون

جدعون چه تشویقی می تواند برای ما باشد! او کوچکترین عضو خانواده خود بود. پدرش بعل را می پرستید. او از ملتی بود که شکست خورده بودند. اما، خداوند او را فراخواند تا قومش را رهایی ببخشد.

هنگامی که فرشته خداوند نزد او آمد ، جدعون مشغول خرمن کوبیدن گندم با پشت خمره شراب بود و سعی می کرد آن را از نظر میان پنهان کند.

پس فرشته خداوند بر او ظاهر شده، وی را گفت: «ای مرد زور آور، یهوه با تو است.» داوران 6:12

از بین بردن مذبح ها و سمبل ها (تمثال ها)

سپس جدعون ، طبق دستورات خداوند ، با کمک ده جوان ، تمثال اشیره را در کنار مذبح بعل قطع کرد ، مذبح بعل را منهدم ساخت ، مذبحی برای خداوند ساخت و گاو جوانی بر آن مذبح تقدیم کرد. و از چوب تمثال اشیره که شکسته بود برای سوزاندن قربانی استفاده نمود .

جدعون و افرادش سمبل گناه قومش را از بین بردند و برای تقرب جستن و دسترسی به خداوند قربانی نمودند.

کتاب مقدس می گوید ، بعد از آن چه اتفاقی افتاد؟

و روح خداوند جدعون را ملبس ساخت، پس کرنا را نواخت و اهل ایبزر در عقب وی جمع شدند. و رسولان در تمامی منسی فرستاد که ایشان نیز در عقب وی جمع شدند و در اشیر و زبولون و نفتالی رسولان فرستاد و به استقبال ایشان برآمدند. داوران 6: 34 – 35

ارتش جدعون

تعداد زیادی از افراد برای پیوستن به جدعون آمدند ، و خدا فرمود:

و خداوند به جدعون گفت: «قومی که با توهستند، زیاده از آنند که مدیان را بهدست ایشان تسلیم نمایم، مبادا اسرائیل بر من فخر نموده، بگویند که دست ما، ما را نجات داد. پس الان به گوش قوم ندا کرده، بگو: هر کس که ترسان و هراسان باشد از کوه جلعاد برگشته، روانه شود.» و بیست و دو هزار نفر از قوم برگشتند و ده هزار باقی ماندند. و خداوند به جدعون گفت: «باز هم قوم زیاده اند، ایشان را نزد آب بیاور تا ایشان را آنجا برای تو بیازمایم، و هر که را به تو گویم این با تو برود، او همراه تو خواهد رفت، و هر که را به تو گویم این با تو نرود، او نخواهد رفت.» داوران 7: 2 – 4

و چون قوم را نزد آب آورده بود، خداوند به جدعون گفت: «هر که آب را به زبان خود بنوشد چنانکه سگ مینوشد او را تنها بگذار، و همچنین هر که بر زانوی خود خم شده، بنوشد.» و عدد آنانی که دست به دهان آورده، نوشیدند، سیصد نفر بودو جمیع بقیه قوم بر زانوی خود خم شده، آب نوشیدند. و خداوند به جدعون گفت: «به این سیصد نفر که به کف نوشیدند، شما را نجات میدهم، و مدیان را بهدست تو تسلیم خواهم نمود. پس سایر قوم هر کسی به جای خود بروند.» داوران 7: 5-7

در ابتدا خداوند کسانی را که می ترسیدند از بین مردان جنگجو حذف کرد. سپس همه آنانی را که کاملاً هوشیار و آماده نبرد نبودند، کنار زد.

خدا ما را درک می کند

خدا انسانیت جدعون را درک کرد. و به او گفت که بی درنگ در مقابل اردوگاه پایین برود و آن را تصرف کند، اما اگر از رفتن ترس داری، قبل از آن خدمت را با خود برده و از اردوگاه جاسوسی کن. جدعون سیصد نفر داشت و پایین اردوگاه تعداد مردان بی شمار و شتران مانند "شن دریا" بودند. جدعون سعی نکرد شجاعتی را که نداشت، بلوف بزند. برای همین او تصمیم گرفت قبل از رفتن، اردوگاه را جاسوسی کند.

پس چون جدعون رسید، دید که مردی به ریفش خوابی بیان کرده، میگفت که «اینک خوابی دیدم، و هان کرده ای نان جوین در میان اردوی مدیان غلطنیده شده، به خیمهای برخوردارو آن را چنان زد که افتاد و آن را واژگون ساخت، چنانکه خیمه بر زمین پهن شد.» ریفش در جواب وی گفت که «این نیست جز شمشیر جدعون بن یوآش، مرد اسرائیلی، زیرا خدامدیان و تمام اردو را بهدست او تسلیم کرده است.» داوران 13: 7-14

یک شیپور، یک مشعل، یک کوزه

همانطور که خدا گفته بود، جدعون تشویق شد. او پر از ایمان به نزد مردان خود بازگشت و گفت:

و چون جدعون نقل خواب و تعبیرش را شنید، سجده نمود، و به لشکرگاه اسرائیل برگشته، گفت: «برخیزید زیرا که خداوند اردوی مدیان را به دست شما تسلیم کرده است.» داوران 7: 15

داوران 7:16-18, 20-21 و آن سیصد نفر را به سه فرقه منقسم ساخت، و به دست هر یکی از ایشان کرناها و سبوهای خالی داد و مشعل ها در سبوها گذاشت. و به ایشان گفت: «بر من نگاه کرده، چنان بکنید. پس چون به کنار اردو برسیم، هر چه من میکنم، شما هم چنان بکنید. و چون من و آنانی که با من هستند کرناها را بنوازیم، شما نیز از همه اطراف اردو کرناها را بنوازید و بگوئید (شمشیر) خداوند و جدعون.» و هر سه فرقه کرناها را نواختند و سبوها را شکستند و مشعلها را به دست چپ و کرناها را به دست راست خود گرفته، نواختند، و صدا زدند شمشیر خداوند و جدعون. و هر کس به جای خود به اطراف اردو ایستادند و تمامی لشکر فرار کردند و ایشان نعره زده، آنها را منهزم ساختند.

آنها سلاح های جنگی انسانی را در دست نداشتند. آنها با ایمان و اطاعت از طریق سلاح های فراطبیعی خود در جنگ پیروز شدند.

داود و جلیات

داود، یک مرد جوان، در مقابل جلیات غول پیکر ایستاد. چگونه او در آن نبرد جنگید؟ سخنان او را بخوانید.

و داود گفت: خداوند که مرا از چنگ شیر و از چنگ خرس رهانید، مرا از دست این فلسطینی خواهد رهانید.» و شاول به داود گفت: «برو و خداوند با تو باد.» و چوب دستی خود را به دست گرفته، پنج سنگ مالیده، از نهر سوا کرد، و آنها را در کیسه شبانی که داشت، یعنی در انبان خود گذاشت و فلاخنش را به دست گرفته، به آن فلسطینی نزدیک شد. و فلسطینی به داود گفت: «آیا من سگ هستم که با چوب دستی نزد من میآیی؟» و فلسطینی داود را به خدایان خود لعنت کرد. داود به فلسطینی گفت: «تو با شمشیر و نیزه و مزارق نزد من میآیی اما من به اسم یهوه صباوت، خدای لشکرهای اسرائیل که او را به ننگ آوردهای نزد تو میآیم. و خداوند امروز تو را به دست من تسلیم خواهد کرد و تو را زده، سر تو را از تنت جدا خواهیم کرد، و لاشه های لشکر فلسطینیان را امروز به مرغان هوا و درندگان زمین خواهیم داد تا تمامی زمین بدانند که در اسرائیل خدایی هست. و تمامی این جماعت خواهند دانست که خداوند به شمشیر و نیزه خلاصی نمی دهد زیرا که جنگ از آن خداوند است و او شما را به دست ما خواهد داد.» اسموئیل 17:37, 40, 43, 45 - 47

و چون فلسطینی برخاسته، پیش آمد و به مقابله داود نزدیک شد، داود شتافته، به مقابله فلسطینی به سوی لشکر دوید. و داود دست خود را به کیسه اش برد و سنگی از آن گرفته، از فلاخن انداخت و به پیشانی فلسطینی زد، و سنگ به پیشانی او فرو رفت که بر روی خود بر زمین افتاد. پس داود بر فلسطینی با فلاخن و سنگ غالب آمده، فلسطینی را زد و کشت و در دست داود شمشیری نبود. و داود دویده، بر آن فلسطینی ایستاد، و شمشیر او را گرفته، از غلافش کشید و او را کشته، سرش را با آن از تنش جدا کرد، و چون فلسطینیان، مبارز خود را کشته دیدند، گریختند. اسموئیل 17: 48-51

داود قدرت خدا را می دانست و در همان قدرت قدم برمی داشت. او با ایمان صحبت کرد و خدا را به خاطر آنچه انجام داده و آنچه قرار است انجام دهد ستایش نمود. او به شرایط ظاهری نگاه نکرد.

خلاصه

چیزهای زیادی وجود دارد که می توانیم از جنگ هایی که در عهد عتیق مطالعه کردیم ، برای جنگ های امروزی یاد بگیریم.

*** خداوند افراد خاصی را به نبردهای خاص فراخواند. گاهی اوقات ما شکست می خوریم زیرا این هرگز برنامه خدا نبود که در یک نبرد خاص شرکت کنیم.**

*** وقتی مورد حمله قرار می گیریم یا شرایطی مورد توجه ما قرار می گیرد ، اولین کارهایی که باید انجام دهیم این است که با دعا نزد خدا برویم. ما باید از برنامه او به جهت وضعیت خود آگاه شویم.**

*** آیا در زندگی ما گناهی وجود دارد که باید از آن خلاص شد؟ با شیطان و پیروانش نمی توان مصالحه کرد. اگر به خدا اجازه دهیم خدا درباره چیزهایی که درست نیستند با ما صحبت خواهد کرد.**

*** ما باید وقت خود را صرف ستایش او بخاطر همه کارهایی که در گذشته برای ما انجام داده است ، انجام دهیم. نه برای این که بتوانیم مورد توجه و تأیید خدا قرار بگیریم ، بلکه روح ما در یادآوری کارهای شگفت انگیز او بنا می شود.**

*** سپس ما باید با ایمان به کلام خدا و به قدرت او حرکت کنیم تا دشمن را شکست دهیم!**

پرسش‌هایی برای دوره کردن درس دهم

1) چرا گزارش‌های یوشع و کالیب با ده جاسوس دیگر با وجود مشاهده همان موارد از آن سرزمین، متفاوت بوده است؟

2. طبق یوشع 2: 9-11، چرا مردم اریحا از بنی اسرائیل ترسیدند؟

3) از عهد عتیق مثالی را بیان کنید که چگونه بنی اسرائیل ارث خود را تصرف کرد یا به وسیله تجلی فراطبیعی حکمت و قدرت خدا در یک نبرد عظیم روحانی پیروز شدند؟

یک سری آموزش کامل

عالی برای مراکز آموزش ، انجیل مدارس ، انجیل مدارس یکشنبه ، گروه های مطالعه ، مطالعه شخصی

در هوش می خوانیم، قوم من به دلیل عدم دانش هلاک شدند ۶:۴. ما به دلیل اینکه کلام خدا را نمی دانیم، بسیاری از زمان ها شکست می خوریم. ما چیزهایی را که نمی شناسیم، نمی توانیم بهشان ایمان داشته باشیم. این مجموعه آموزشی به وجود آمده تا ما بتوانیم هم از نظر سلامتی و هم قدرت در پادشاهی خدا زندگی کنیم.

ما باید بدنی قوی و معجزه کننده برای ایمانداران باشیم. این مجموعه بنیادی، قدرتمند و تغییر دهنده زندگی با این

هدف برای تکمیل مقدسین، به جهت کار خدمت، برای بنای جسد مسیح، 13 تا همه به یگانگی ایمان و معرفت تام

پسر خدا و به انسان کامل، به اندازه قامت پری مسیح برسیم. افسسیان 4: 12 - 13

و برای تمام ایماندارانی که کار عیسی خداوند را انجام می دهند.

ما به شما خواندن این موضوعات را به جهت این کار توصیه می کنیم:

شمایل خلقت تازه: دانستن اینکه در مسیح چه کسی هستیم.

کشف کنید که ما برای چه هدفی خلق شده ایم. معنای دوباره متولد شدن چیست. این مکاشفه نیکی مطلق، ایمانداران را از شکست در افکار گناه آلود، محکومیت، فرومایگی و ناکافی بودن برای به شباهت مسیح خداوند شدن آزاد می کند.

اقتدار ایماندار: چگونه به شکست پایان داده و یک پیروزمند باشیم.

هنگامی که خدا گفت بگذارید سلطنت کنند، هدف جاودانه خود را برای بشر فاش کرد. در یک دلیری جدید قدم خواهی زد. تو در مقابل شیطان و ارواح شریر در زندگی روزانه و خدمتی خود پیروز خواهی بود.

زندگی فرا طبیعی: از طریق هدیه روح القدس.

با روح القدس رابطه جدید و صمیمی برقرار می کند. کمک می کند تا نحوه عملکرد هر نه عطایای روح القدس را کشف کنید. با ورود به زندگی جدیدی از زندگی فوق العاده، مشتاقانه آرزو می کنید، این هدایا را شعله ور سازید.

ایمان: یک زندگی فوق العاده داشتن.

بیاموزید که چگونه می توانید در قلمرو ایمان حرکت کنید. چگونه می توانید برای خدا قدرتمند رفتار کنید. وقت آن است که ایمانداران، ایمان خود را برای قدم برداشتن در قلمروهای فوق العاده و نشان دادن عظمت خدا به جهانیان بکار ببرند.

قوانین خدا برای شفا دادن: دریافت و خدمت قدرت شفا بخشی خدا.

داشتن پایه محکم کلام، ایمان را برای دریافت و خدمت شفا آماده می کند. خدمت مسیح خداوند و شاگردان امروز الگویی برای شفا به ما می دهد.

ستایش و پرستش: پرستنده خدا شدن

هدف ابدی و جاودانه خدا را برای ستایش و پرستش آماده می کند. ایمانداران را به هیجان و بیان عظمت کتاب مقدس هدایت می کند. به ما می آموزد که چگونه پرستش صمیمی در حضور خداوند را داشته باشیم.

جلال: حضور خدا

در چه روز شگفت انگیزی زندگی می کنیم! می توانیم جلال خدا را تجربه کنیم. او در اطراف ما تجلی می یابد. این جلال چیست و چگونه می توانید آن را تجربه کنید و بیاموزید.

بشارت همراه با معجزه: نقشه خدا برای رسیدن به جهان.

ما نیز مانند کسانی که در کتاب اعمال رسولان هستند می توانیم عجایب و نشانه ها و معجزات شفا را در زندگی خود تجربه کنیم. ما می توانیم با معجزه بشارتی که می دهیم، قسمتی از برداشت محصول زمان آخر شویم.

دعا: آسمان را به زمین می آورد.

کشف کنید که چگونه می توانید اراده خدا را در آسمان، بر روی زمین انجام دهید. از طریق شفاعت، دعا کردن مطابق کلام، دعای ایمان و اتحاد، می توانی زندگی خودتان و حتی جهان را تغییر دهید.

کلیسای پیروزمند: در کتاب اعمال رسولان

عیسی خداوند فرمود من کلیسای خود را بنا خواهم کرد و دروازه های جهنم بر آن غلبه نخواهد کرد. در این کتاب، خواهید دید که چگونه کتاب اعمال رسولان، داستان کلیسای اولیه در عمل است و بنابراین الگویی برای تجدید عجایب و نشانه ها برای کلیسای امروز است.

عطایای خدمتی: رسولان، نبی ها، مبشرین، شبان ها و معلمین.

عیسی خداوند به انسان ها عطایایی بخشید. کشف کنید که چگونه این هدایا باید در کلیسا مردان خدا را برای خدمت آماده کند. نقشه خدا در زندگیتان را دریابد.

الگوی برای زندگی: برگفته از عهد عتیق

حقایق غنی و بنیادی خداوند در این مطالعه زنده می شود. پیشگویی ها در مورد آمدن مسیح، اعیاد، قربانی ها و معجزات عهد عتیق، همه نقشه ابدی خدا را نشان می دهند.

نویسندگان کتاب: ای ال و جویس کیل

هدف برای سلطه داشتن! در نام عیسی مسیح خداوند.

پیروزی بر فریب

راهنماهای مطالعه

رخنه کردن به جلال

آزادی از شرارت

تمام دفترچه راهنماها، کتاب ها و راهنماها مطالعه برای دانلود در دسترس هستند.

www.gillministries.com